



مرکز تحقیقات اسلامی

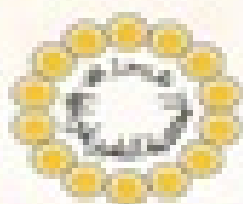
اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



تصویر
امامان شیعه
در دائرة المعارف اسلام

(ترجمه و نقد)

زیر نظر
محمود نقی زکریا داوروی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تصویر امامان شیعه در دایره‌المعارف اسلام "ترجمه و نقد"

نویسنده:

محمود تقی‌زاده داوری

ناشر چاپی:

شیعه‌شناسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	تصویر امامان شیعه در دایره‌المعارف اسلام " ترجمه و نقد "
۱۶	مشخصات کتاب
۱۶	فهرست مندرجات
۱۷	مقدمه
۱۸	امام علی بن ابیطالب علیه السلام
۱۸	اشاره
۱۸	[متن ترجمه]
۱۸	علی بن ابی طالب [علیه السلام]
۱۸	دلوریهای نظامی علی [علیه السلام]
۱۸	اختلاف علی [علیه السلام] با ابو بکر
۱۸	روابط علی [علیه السلام] با عمر
۱۸	مخالفت علی [علیه السلام] با عثمان
۱۹	انتخاب علی [علیه السلام] و اولین اقدامات او
۱۹	شورش عایشه، طلحه و زبیر
۱۹	درگیری با معاویه
۱۹	اشاره
۱۹	انتصاب حکمین (تحکیم) و وظیفه آنان
۱۹	اعتراضات علیه حکمیت
۲۰	حکمیت (حکومة)
۲۰	جنگ نهروان
۲۰	اجلاس اذرح
۲۰	آخرین سالهای حیات علی [علیه السلام]، وفات و تدفین او

۲۰	جزئیات شخصی علی [علیه السلام]
۲۰	شخصیت علی [علیه السلام]
۲۱	منابع و مأخذ
۲۱	اشاره
۲۱	پژوهش‌ها
۲۱	نقد و بررسی
۲۱	اشاره
۲۱	چکیده
۲۱	۱. نگاهی کلی به مقاله
۲۱	۲. اشکالهای موردی
۲۱	اشاره
۲۷	متألم از چشم درد!
۲۷	بدخلق و تند و مستعد برای توهین و حمله!
۲۹	منابع و مأخذ
۲۹	اشاره
۳۰	مجلات
۳۰	امام حسن بن علی بن ابیطالب علیهما السلام
۳۰	اشاره
۳۰	[متن ترجمه]
۳۰	حسن بن علی بن ابی طالب [علیهما السلام]
۳۰	سالهای نخست زندگانی حسن [علیه السلام]
۳۰	خلافت علی [علیه السلام]
۳۰	خلافت حسن [علیه السلام]
۳۱	شرایط توافقتنامه درباره کناره‌گیری حسن [علیه السلام]

۳۱	پس از کناره‌گیری حسن [علیه السلام] از خلافت
۳۱	خصوصیات جسمانی و اخلاقی حسن [علیه السلام]
۳۱	حسن [علیه السلام] از دیدگاه شیعیان
۳۲	منابع و مأخذ
۳۲	اشاره
۳۲	منابع زندگی‌نامه‌ای شیعی:
۳۲	نقد و بررسی
۳۲	اشاره
۳۲	مقدمه
۳۳	بخش اول: ملاحظات کلی
۳۳	اشاره
۳۳	شخصیت فردی امام حسن علیه السلام
۳۳	صلح با معاویه
۳۳	اشاره
۳۴	شرایط توافقنامه صلح
۳۵	همسران امام حسن علیه السلام
۳۶	بخش دوم: ملاحظات جزئی و موردی
۳۷	منابع و مأخذ
۳۷	امام حسین بن علی بن ابیطالب علیهما السلام
۳۷	اشاره
۳۷	[متن ترجمه]
۳۷	حسین بن علی بن ابی طالب [علیهما السلام]
۳۷	دوران کودکی و جوانی
۳۸	نگرش حسین [علیه السلام] درباره معاویه

۳۸	خودداری مجدد حسین [علیه السلام] از بیعت با یزید پس از مرگ معاویه، و عواقب آن
۳۸	منابع مربوط به قیام حسین [علیه السلام] و سرانجام فاجعه‌آمیز او
۳۸	دعوت کوفیان از حسین [علیه السلام]، [و] مأموریت «مسلم بن عقیل» در کوفه
۳۸	عزیمت حسین [علیه السلام] به کوفه
۳۹	نبرد کربلا؛ مهم‌ترین رویدادها
۴۰	رویدادهای جانبی واقعه کربلا
۴۰	وقایع پس از جنگ
۴۰	افسانه‌های مربوط به حسین [علیه السلام]
۴۱	معجزات حسین [علیه السلام]
۴۱	اشاره
۴۱	معجزات مربوط به تولد و دوران کودکی حسین [علیه السلام]
۴۱	معجزات مربوط به وفات او
۴۱	معجزات مربوط به سر بریده
۴۱	مجازات کسانی که به حسین [علیه السلام] اهانت کردند و او را مجروح ساختند
۴۱	ویژگیهای فوق طبیعی حسین [علیه السلام] که معجزاتی را سبب شد
۴۱	اسامی و القاب حسین [علیه السلام]
۴۱	آیاتی از قرآن که شیعیان آنها را اشاره به حسین [علیه السلام] می‌دانند
۴۲	داوری‌ها درباره حسین [علیه السلام]
۴۲	منابع و مأخذ
۴۲	اشاره
۴۳	نخستین منابع کهن شیعی
۴۳	منابع جدید شیعی
۴۳	آثار اندیشمندان غرب
۴۳	نقد و بررسی

- ۴۳ اشاره
- ۴۳ مقدمه
- ۴۳ ۱. نگاهی کلی به مقاله
- ۴۳ ۲. موارد نقد
- ۴۶ منابع و مأخذ
- ۴۶ امام علی بن الحسین زین العابدین علیهما السلام
- ۴۶ اشاره
- ۴۶ [متن ترجمه]
- ۴۶ علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب [علیهم السلام] زین العابدین (زینت عبادت‌کنندگان)
- ۴۷ منابع و مأخذ
- ۴۸ نقد و بررسی
- ۴۸ اشاره
- ۴۸ ۱. سرنوشت مادر امام سجاد علیه السلام
- ۴۸ ۲. موضع امام زین العابدین علیه السلام در برابر امویان و زبیریان
- ۴۸ ۳. دوستی امام علیه السلام با خلفای مروانی!
- ۴۸ اشاره
- ۴۹ الف. بی‌اعتنایی امام سجاد علیه السلام به عبد الملک
- ۴۹ ب. نمونه دیگر
- ۴۹ ج. پاسخ به نامه تحقیرآمیز عبد الملک
- ۴۹ د. پاسخ کوبنده امام در برابر پیشنهاد عبد الملک
- ۴۹ طرح استقلال اقتصادی امام علیه السلام
- ۴۹ ۴. معتبر نبودن قصیده فرزددق!
- ۴۹ ۵. ازدواج سکینه با مصعب بن زبیر
- ۵۰ ۶. پذیرش اجباری هدیه مختار

منابع و مأخذ	۵۰
امام محمد بن علی الباقر علیهما السلام	۵۰
اشاره	۵۰
[متن ترجمه]	۵۰
محمد بن علی ... الباقر [علیهما السلام]	۵۰
منابع و مأخذ	۵۱
نقد و بررسی	۵۱
اشاره	۵۱
درآمد	۵۲
۱. رئوس کلی	۵۲
۲. داده‌ها و منقولات و استنتاجات	۵۲
۳. منابع	۵۵
منابع و مأخذ	۵۶
امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام	۵۶
اشاره	۵۶
[متن ترجمه]	۵۶
جعفر صادق [علیه السلام]	۵۶
منابع و مأخذ	۵۶
نقد و بررسی	۵۶
اشاره	۵۶
۱. محتوا	۵۷
۲. ساختار	۵۷
۳. منابع	۵۷
بررسی محتوایی مدخل	۵۷

منابع و مأخذ	۵۸
امام موسی بن جعفر الکاظم علیهما السلام	۵۸
اشاره	۵۸
[متن ترجمه]	۵۸
موسی کاظم [علیه السلام]	۵۸
منابع و مأخذ	۶۰
نقد و بررسی	۶۰
اشاره	۶۰
الف) اشکالات ساختاری	۶۰
اشاره	۶۰
حیات علمی و فکری امام کاظم علیه السلام	۶۰
شیوه رهبری امام کاظم علیه السلام	۶۱
ارتباط با شیعیان	۶۱
امام کاظم علیه السلام و مبارزه با انحرافات فکری	۶۱
ب) اشکالات محتوایی	۶۱
اشاره	۶۱
۱. مفهوم «کاظم»	۶۱
۲. شرکت امام کاظم علیه السلام در قیام محمد بن عبد الله	۶۱
۳. تعیین اسماعیل بن جعفر به جانشینی امام صادق علیه السلام	۶۱
۴. اقتباس الگوی غیبت آخرین امام از واقفیه توسط شیعه اثنا عشری	۶۲
۵. امام کاظم علیه السلام و ایفای نقش در میان غلات	۶۲
نتیجه‌گیری	۶۳
منابع و مأخذ	۶۳
امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام	۶۳

- ۶۳ اشاره
- ۶۳ [متن ترجمه]
- ۶۳ علی الرضا ابو الحسن بن موسی بن جعفر [علیهم السلام]
- ۶۳ منابع و مأخذ
- ۶۳ اشاره
- ۶۳ آثار شیعی
- ۶۳ نویسندگان معاصر
- ۶۴ نقد و بررسی
- ۶۴ اشاره
- ۶۵ منابع و مأخذ
- ۶۶ امام محمد بن علی الجواد علیهما السلام
- ۶۶ اشاره
- ۶۶ [متن ترجمه]
- ۶۶ محمد بن علی الرضا [علیهما السلام]
- ۶۶ منابع و مأخذ
- ۶۶ نقد و بررسی
- ۶۶ اشاره
- ۶۶ چکیده
- ۶۶ نگاه کلی
- ۶۷ ویژگیهای فردی امام جواد علیه السلام
- ۶۷ ازدواج امام جواد علیه السلام با ام الفضل «۱»
- ۶۸ امامت حضرت جواد علیه السلام «۷»
- ۶۸ شهادت حضرت جواد علیه السلام
- ۶۹ کلمات امام جواد علیه السلام

۶۹	منابع و مأخذ
۶۹	امام علی بن محمد الهادی علیهما السلام
۶۹	اشاره
۶۹	[متن ترجمه]
۶۹	عسکری [امام هادی علیه السلام]
۶۹	منابع و مأخذ
۷۰	نقد و بررسی
۷۰	اشاره
۷۰	بخش اول. بررسی کلیت مقاله
۷۰	بخش دوم
۷۰	اشاره
۷۰	امامت از دیدگاه شیعه
۷۰	ویژگیهای اخلاقی امام
۷۰	اشاره
۷۰	ساده‌زیستی امام
۷۰	آگاهی از اسرار
۷۱	احترام به اهل دانش
۷۱	بخشش
۷۱	وضعیت فرهنگی- اجتماعی عصر امام
۷۱	اشاره
۷۱	الف) مبارزه فرهنگی با گروههای منحرف عقیدتی
۷۱	ب) تحریر رساله کلامی
۷۱	ج) مناظره‌های علمی و اعتقادی
۷۲	د) دفع شبهه‌های دینی و پاسخ‌گویی به مسائل گوناگون

- ه) تربیت شاگردان و تقویت دین‌مداران ۷۲
- و. بسترسازی فرهنگ انتظار ۷۲
- اوضاع سیاسی عصر امام هادی علیه السلام و مبارزات سیاسی آن حضرت ۷۲
- اشاره ۷۲
- الف) اوضاع داخلی دولت عباسی ۷۲
- ب) فساد و خوش‌گذرانی درباریان ۷۲
- ج) شکل‌گیری جنبشهای مخالف ۷۳
- ه) مبارزات سیاسی امام هادی علیه السلام ۷۳
- امام و خلفای معاصر ۷۳
- اشاره ۷۳
۱. محبوبیت امام در مدینه ۷۳
۲. رخدادهای بین راه ۷۳
۳. سفارش اسحاق بن ابراهیم حاکم بغداد به یحیی ۷۳
۴. اهانت به امام هادی هنگام ورود به سامرا ۷۳
- اقدامات متوکل ۷۳
- امام در زندان متوکل ۷۴
- منبع‌شناسی ۷۴
- نتیجه ۷۴
- منابع و مأخذ ۷۴
- امام حسن بن علی العسکری علیهما السلام ۷۴
- اشاره ۷۴
- [متن ترجمه] ۷۴
- حسن عسکری [علیه السلام] ۷۴
- منابع و مأخذ ۷۴

۷۵	نقد و بررسی
۷۵	اشاره
۷۶	منابع و مأخذ
۷۶	امام م ح م د القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف
۷۶	اشاره
۷۶	[متن ترجمه]
۷۶	محمد قائم [عجل الله تعالى فرجه]
۷۶	منابع و مأخذ
۷۶	نقد و بررسی
۷۶	اشاره
۷۶	(الف) نقدهای کلی
۷۷	(ب) نقدهای جزئی
۷۷	(ج) نقدهای شکلی
۷۸	منابع و مأخذ
۷۸	نمایه ها
۷۸	نمایه اشخاص و اعلام
۸۵	نمایه کتب
۸۶	نمایه اماکن
۸۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تصویر امامان شیعه در دایره‌المعارف اسلام " ترجمه و نقد"

منشخات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: تصویر امامان شیعه در دایره‌المعارف اسلام " ترجمه و نقد" زیر نظر محمود علی زاده داوری.
 منشخات نشر: قوم انتشارات شیعه‌شناسی ، ۱۳۸۵.
 منشخات ناشری: ۲۸۷ ص.
 شابک: ۹۰-۱-۹۹۹۸۸-۹۶۴
 وضعیت فهرست نویسی: قایماً
 یادداشت: این کتاب ترجمه و شرح برگزیده مقالات مربوط به چهارده معصوم (ع) از کتاب "The encyclopedia of Islam new edition" است.
 یادداشت: کتابخانه.
 یادداشت: نمایه.
 عنوان دیگر: استایکونیدیا آو ایسلام، نیو ادیشن ...
 موضوع: استایکونیدیا آو ایسلام، نیو ادیشن، The encyclopedia of Islam, new edition ...
 موضوع: تمدن اسلامی -- دایره‌المعارف.
 موضوع: اسلام -- دایره‌المعارف.
 موضوع: چهارده معصوم -- برگزیده‌ها.
 موضوع: کشورهای اسلامی -- دایره‌المعارف.
 شناسه نفوذ: نفی زاده‌داری، محمود، ۱۳۳۳ -
 رده بندی کنگره: DS۰۵۳۴:۱۳۱۵ ۸۰۱۳۳۳
 رده بندی دیویی: ۹۰۹-۹۹۹۹۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۳۴۴-۸۵۶

فهرست مندرجات

مقدمه ۱۳

امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۷ علی بن ابی طالب [عظیمه السلام] ۱۹

دلایل و براهین نظامی علی [عظیمه السلام] ۱۹

اختلاف علی [عظیمه السلام] با ابو بکر ۲۰

روابط علی [عظیمه السلام] با عمر ۲۱

مخالفت علی [عظیمه السلام] با عثمان ۲۲

انتخاب علی [عظیمه السلام] و اولین اقدامات او ۲۴

شورش موافقان، طلحه و زبیر ۲۶

درگیری با معاویه ۲۷

اتصال حکمکن (حکیم) و وقیقه آن‌ان ۲۹

انزوانات علیه منکبت ۲۹

حکمت (حکومه) ۳۱

جنگ نهروان ۳۲

اجلاس ادرج ۳۳

آخرین سالهای حیات علی [عظیمه السلام]، وفات و تدفین او ۳۴

جزئیات شخصی علی [عظیمه السلام] ۳۵

شخصیت علی [عظیمه السلام] ۳۶

منابع و مآخذ ۳۹

پژوهش‌ها ۳۹

تصویر امامان شیعه، ص: ۶

نقد و بررسی / ۴۱ چکیده ۴۳

۱. نگاهی کلی به مقاله ۴۴

۲. انتقادات موردی ۴۶

ماتر از چشم در ۴۸

بدخلق و تند و سستد برای تومن و حسله ۸۰

منابع و مآخذ ۹۰

امام حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، ۹۵ حسین بن علی بن ابی طالب [عظیمه السلام] ۹۷

سالهای نخست زندگانی حسین [عظیمه السلام] ۹۷

خلافت علی [عظیمه السلام] ۹۹

خلافت حسین [عظیمه السلام] ۹۹

شرایط توفیق‌نامه درباره کارنامه‌گیری حسین [عظیمه السلام] ۱۰۲

پس از کارنامه‌گیری حسین [عظیمه السلام] از خلافت ۱۰۵

خصوصیات جسمانی و اخلاقی حسین [عظیمه السلام] ۱۰۶

حسین [عظیمه السلام] از دیدگاه شیعیان ۱۰۷

منابع و مآخذ ۱۰۸

منابع زندگی نامهای شیعی ۱۱۰

نقد و بررسی / ۱۱۱ مقدمه ۱۱۳

بخش اول: ملاحظاتی کلی ۱۱۶

شخصیت فردی امام حسین علیه السلام ۱۱۶

صلح یا معاویه ۱۱۹

شرایط توفیق‌نامه صلح ۱۲۶

همسران امام حسین علیه السلام ۱۳۳

بخش دوم: ملاحظاتی جزئی و موردی ۱۳۷

منابع و مآخذ ۱۴۲

تصویر امامان شیعه، ص: ۷

امام حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۲۵ حسین بن علی بن ابی طالب [عظیمه السلام] ۱۲۷

دوران کودکی و جوانی ۱۲۷

نگرش حسین [عظیمه السلام] درباره معاویه ۱۲۸

خودداری مجدد حسین [عظیمه السلام] از بیعت با یزید، پس از برگ معاویه، و عواقب آن ۱۲۹

منابع مربوط به قیام حسین [عظیمه السلام] و سرانجام فاجعه‌آمیز او ۱۵۰

دعوت کوفیان از حسین [عظیمه السلام] [۱] مأموریت مسلم بن عقیل، در کوفه ۱۵۱

عزیمت حسین [عظیمه السلام] به کوفه ۱۵۲

نزد کربلا بهترین رویه‌ها ۱۵۸

رویدادهای جانبی واقعه کربلا ۱۶۵

وقایع پس از جنگ ۱۶۶

اقتضای‌های مربوط به حسین [عظیمه السلام] ۱۶۷

معجزات حسین [عظیمه السلام] ۱۶۹

معجزات مربوط به تولد و دوران کودکی حسین [عظیمه السلام] ۱۶۹

معجزات مربوط به وفات او ۱۷۰

معجزات مربوط به سر بریده ۱۷۲

معجزات کسانی که به حسین [عظیمه السلام] اعانت کردند او را جبروح ساخته ۱۷۲

ویژگیهای فوق طبیعی حسین [عظیمه السلام] که معجزاتی را سبب شد ۱۷۳

اسامی و القاب حسین [عظیمه السلام] ۱۷۴

آیاتی از قرآن که شیعیان آنها را اشاره به حسین [عظیمه السلام] می‌دانند ۱۷۵

داوری ۱۷۵ درباره حسین [عظیمه السلام] ۱۷۶

منابع و مآخذ ۱۸۱

نخستین منابع کهن شیعی ۱۸۳

منابع جدید شیعی ۱۸۳

آثار اندیشمندان غرب ۱۸۴

نقد و بررسی / ۱۸۵ مقدمه ۱۸۷

۱. نگاهی کلی به مقاله ۱۸۸

۲. موارد نقد ۱۸۹

منابع و مآخذ ۲۰۶

تصویر امامان شیعه، ص: ۸

امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام، ۲۰۹ حسین بن علی بن ابی طالب [عظیمه السلام] ۲۱۱

منابع و مآخذ ۲۱۷

نقد و بررسی / ۲۲۱ ۱. سرتوشت نامر امام سجاده علیه السلام ۲۲۴

۲. موضع امام زین العابدین علیه السلام در برابر امویان و زبیریان ۲۲۵

۳. دوستی امام علیه السلام با مخالفی مروانی ۲۲۶

الف: بی‌اعتنایی امام سجاده علیه السلام به عبد الملک ۲۲۹

ب: نمونه دیگر ۲۳۰

ج: پاسخ به نامه تحقیرآمیز عبد الملک ۲۳۱

د: پاسخ کوتاه امام در برابر پیشنهاد عبد الملک ۲۳۱

طرح استقلال اقتصادی امام علیه السلام ۲۳۱

۴. معتر بودن تفصیله فردی ۲۳۳

۵. از دلایل سنگین با منصب بن زبیر ۲۳۳

۶. پذیرش اجباری هدیه مختار ۲۳۵

منابع و مآخذ ۲۴۶

امام محمد بن علی الزائر علیه السلام، ۲۳۹ محمد بن علی ... الزائر [عظیمه السلام] ۲۴۱

منابع و مآخذ ۲۵۰

نقد و بررسی / ۲۵۳ در آمد ۲۵۵

۱. نفوس کلی ۲۵۷

۲. داده‌ها و مستندات و استنباطات ۲۵۸

۳. منابع ۲۶۸

منابع و مآخذ ۲۸۲

تصویر امامان شیعه، ص: ۹

امام جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام (۲۵۵ هجری صادق [علیه‌السلام] ۲۸۷

منابع و تأخذ ۲۹۱

نقد و بررسی(برسی) ۱۰۲۴۳-۱۰۲۴۴

۲-ساختار ۲۹۶

۳-منابع ۲۹۶

بررسی محتوایی مدخل ۲۹۷

منابع و تأخذ ۳۰۵

امام موسی بن جعفر الکنظم علیهما السلام (۳۰۷-موسی کاظم [علیه‌السلام] ۳۰۹

منابع و تأخذ ۳۲۱

نقد و بررسی (۳۲۵) اشکالات ساختاری ۳۲۷

حیات علمی و فکری امام کاظم علیه‌السلام ۳۲۸

شیوه‌ی زهدی امام کاظم علیه‌السلام ۳۲۹

ارتباط با شیخان ۳۳۰

امام کاظم علیه‌السلام و مبارزه با تحرفات فکری ۳۳۱

ب) اشکالات محتوایی ۳۳۱

۱- مفهوم «کاظم» ۳۳۱

۲- شرکت امام کاظم علیه‌السلام در قیام محمد بن عبدالله ۳۳۱

۳- تعیین اسماعیل بن جعفر به جانشینی امام صادق علیه‌السلام ۳۳۱

۴-قبایس‌الکبری غیبت آخرین امام از واقعه توسط شیبه اثنا عشری ۳۳۵

۵-امام کاظم علیه‌السلام و ایفای نقش در میان علما ۳۳۸

نتیجه‌گیری ۳۳۹

منابع و تأخذ ۳۴۰

تصویر امامان شیعه،ص:۱۰

امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام(۳۳۳-علی الرضا ابو الحسن بن موسی بن جعفر [علیهیم‌السلام] ۳۳۵

منابع و تأخذ ۳۴۸

آثار شعی ۳۴۸

توسعه‌گان معاصر ۳۴۹

نقد و بررسی (۳۵۱)منابع و تأخذ ۳۶۵

امام محمد بن علی الجواد علیه‌السلام (۳۶۷-محمد بن علی الرضا [علیهما‌السلام] ۳۸۹

منابع و تأخذ ۳۷۲

نقد و بررسی (۳۷۳-چکیده ۳۷۵

نگاه کلی علیه‌السلام ۳۷۶

ویژگیهای فردی امام جواد علیه‌السلام ۳۷۷

ازواج امام جواد علیه‌السلام با ام‌الفضل ۳۸۲

امامت حضرت جواد علیه‌السلام ۳۸۴

شهادت حضرت جواد علیه‌السلام ۳۸۵

کلمات امام جواد علیه‌السلام ۳۹۰

منابع و تأخذ ۳۹۲

امام علی بن محمد الهادی علیه‌السلام (۳۹۵-عسکری [امام هادی علیهم‌السلام] ۳۹۷

منابع و تأخذ ۳۹۸

نقد و بررسی (۴۰۱-بخش اول- بررسی کلیت مقاله ۴۰۳

تصویر امامان شیعه،ص:۱۱

بخش دوم ۴۰۵

امامت از دیدگاه شیعه ۴۰۵

ویژگیهای اخلاقی امام ۴۰۶

ساده زیستی امام ۴۰۸

آگاهی از اسرار ۴۰۸

احترام به اهل دانش ۴۰۸

بختش ۴۱۰

وقیعت فرهنگی- اجتماعی عصر امام ۴۱۰

الف) مبارزه و فرهنگ با گروههای منحرف عقیدتی ۴۱۱

ب)با تحریر رساله کلامی ۴۱۳

ج) مناظرات علمی و اعتقادی ۴۱۴

د) دفع شبهه‌های دینی و پاسخ‌گویی به مسائل گوناگون ۴۱۵

ه) تربیت شاگردان و تقویت دین‌مداران ۴۱۷

و- بسترسازی فرهنگ انتظار ۴۱۸

اوضاع سیاسی عصر امام هادی علیه‌السلام و مبارزات سیاسی آن حضرت ۴۱۹

الف) اوضاع داخلی دولت عباسی ۴۱۹

ب) فساد و خوش‌گذرانی درباریان ۴۲۰

ج) اشکال‌گری جنبه‌های مختلف ۴۲۰

د) مبارزات سیاسی امام هادی علیه‌السلام ۴۲۱

امام و خلفای معاصر ۴۲۳

۱- محویت امام در مدینه ۴۲۴

۲- برخدادهای بین زاد ۴۲۴

۳- مفارقت اسحاق بن ابراهیم حاکم بغداد به یحیی ۴۲۵

۴-اعانت به امام هادی علیه‌السلام هنگام ورود به سامرا ۴۲۵

اقدامات متوکل ۴۲۵

امام در زندان متوکل ۴۲۷

منبع شناسی ۴۲۷

نتیجه ۴۲۷

منابع و تأخذ ۴۲۸

تصویر امامان شیعه،ص:۱۲

امام حسین بن علی العسکری علیه‌السلام (۴۲۱-حسین عسکری [علیه‌السلام] ۴۳۳

منابع و تأخذ ۴۳۵

نقد و بررسی (۴۳۷)منابع و تأخذ ۴۴۶

امام ح و م د-مقاله «محلّ لله تعالی فرجه الشریف»/۴۴۹محمد قائم [محلّ لله تعالی فرجه] ۴۵۱

منابع و تأخذ ۴۵۵

نقد و بررسی (۴۵۵)نقدهای کلی ۴۵۷

ب) نقدهای جزئی ۴۶۲

ج) نقدهای تکلیفی ۴۶۴

منابع و تأخذ ۴۶۵

نمایه‌ها(۴۶۷-نمایه‌الخاص و اعلام ۴۶۷

نمایه کتب ۴۸۳

نمایه اعلام ۴۸۵

تصویر امامان شیعه،ص:۱۳

مقدمه

امامت، می‌تواند از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آموزه‌های مذهب تشیع است. در واقع می‌توان ادعا کرد که یکی از برصفت‌ترین نقاط تمایز تشیع از دیگر مذاهب اسلامی همین آموزه امامت است. بنابراین برای هر مسلمان شیعی شناختن این آموزه اساسی یکی از ضروریات به شمار می‌آید.

امامت یا می‌توان با رویکردها و نگاه‌های گوناگونی مطالعه کرد. محض نبوت به هم می‌توان تاریخ زندگی و شخصیت هر یک از امامان شیعه را به صورت مستقل گردید. هم تاریخ آموزه امامت را بررسی کرد، و هم از دیدگاه کلامی آن را کتوت مطالعه قرار داد و جایگاه آن را در کلام و عقاید شیعه تخیل کرد و ...

دائرة المعارف اسلام، جایب لیدن طلند، یکی از معروف‌ترین دائرة‌المعارف‌های انگلیسی زبان در زمینه اسلام است که در مدخل‌های متعدد عقاید و آموزه‌های شیعی، از جمله آموزه امامت و امامان شیعه، در مورد بررسی قرار داده، ولی مسألهٔ در ارائه تصویری جامع و مستند از آن موفق نبوده است. از این‌روی، مؤسسه شیعه‌شناسی در صدد برآمد تا در گام نخست کاستی‌ها و نقایص این نوشته‌ها را مشخص، و سپس آنها را نقادی و تصحیح کند. بدین منظور ابتدا مدخل‌های مرتبط با شیعه و آموزه‌های شیعی از این دائرة‌المعارف استخراج و ترجمه شد، و سپس در برهه نقد و بررسی نهاده آمد.

تصویر امامان شیعه،ص:۱۴

در دست‌یابی این مدخل‌ها، مدخل‌های مربوط به چهارده معصوم علیهم‌السلام در قالب یک پژوهش تحقیقاتی تعریف شدند که نقد و بررسی مدخل‌های مربوط به دوازده امام علیهم‌السلام در جلد نخست، و نقد و بررسی مدخل‌های مربوط به پیامبر اعظم ^{صلی الله علیه و آله} و حضرت صدیقه فاطمه زهرا علیها‌السلام در جلد دوم این مجموعه ارائه می‌نود.

آنچه خواننده‌گان محترم در پیش‌روی دارند جلد نخست از این مجموعه است که در زمانی نسبتاً طولانی آماده شده است. برای آماندسازی این مجموعه ابتدا مدخل‌های مربوط به دوازده امام علیهم‌السلام از دائرة‌المعارف استخراج و به قلم جانب آقای حسین سعیدی ترجمه شد. سپس ترجمه ابتدایی این مدخل‌ها برای کتب اخصیان هرچه بیشتر از صحت ترجمه، برای مقایه با متن اصلی در اختیار جانب آقای هدایت یوسفی قرار گرفت و به لحاظ فنی تأیید شد. بنابراین می‌توان به صورت نسبی ادعا کرد همه مدخل‌ها با دقت بالایی ترجمه و مقایه شده و از این نظر معسر و صحیح‌اند.

در مرحله بعد، تعدادی از محققان ذی صلاح در حوزه تاریخ امامان شیعی علیهم‌السلام کتار نقد و بررسی مدخل‌ها را برعهده گرفتند و سپس نقدهای ضروری توسط اساتید معسر و شناخته شده دره تاریخ تشیع مورد ارزیابی قرار گرفت.

گفتنی است که در نقد و بررسی این مدخل‌ها به مواردی از این دست پرداخته شده است:

۱- تحلیل کلی مدخل، به منزله یک پژوهش علمی؛

۲- نقد و بررسی اطلاعات جزئی ارائه شده در مدخل بر اساس منابع اولی و کهن تاریخی؛

۳- نقد و بررسی منابع استفاده شده در نگارش مدخل؛

۴- نقد و بررسی تحلیلی ارائه شده از سوی نویسندگان مدخل‌ها بر اساس شواهد معسر تاریخی؛

تصویر امامان شیعه،ص:۱۵

۵- پرداختن به نکات و حوادث و جریانه‌های مهم و تأثیرگذار امامان دوازده‌گانه علیهم‌السلام که نویسندگان از آنها غفلت ورزیده‌اند.

با این توضیح مشخص می‌شود که رویکرد مؤسسه شیعه‌شناسی در نقد و بررسی این مدخل‌ها صرفاً ناظر به مطالب ارائه شده نبوده است؛ بلکه مواردی که شایسته بود در مدخل‌های دائرة‌المعارف آورده شود اما پندی از آنها به میان نیامد، نیز کتوت توجه قرار گرفته است. یکی در برخی موارد به نکاتی اشاره شده است که آوردن آنها در دائرة‌المعارف ضرورت داشته اما برای اطلاق و کیفیت یک پژوهش علمی می‌نورده؛ یا در ارائه تصویری درست از ائمه علیهم‌السلام اهمیت داشته است. از این‌روی، منظور ما از نقد و

اطاعت از شریعت بوده اما در اندیشه‌های او نوحی سخت‌گیری اراطی وجود داشت و شاید به همین دلیل بود که دستخاستن او را محدود یکن، کوبتیمین و منتهب، می‌دانستند. او که در حصار نمد العطف‌ناپذیر خود (به دین) محصور گشته بود، توانست خود را با مفهیمات شرایطی وفق دهد که با شرایط زمان محمد (صلی الله علیه و آله) بسیار متفاوت بود. بنابراین او فاقد انعطاف سیاسی بود، که این (انعطاف) از سوی دیگر، یکی از ویژگیهای برجسته معارف بود. طرح و برنامه وی نامشخص نبود بلکه از زمان گزاینده بود احتمالاً هنگامی که او فدوتی را به دست آورد خود متوجه شد که تعقی چنین آسانی غیر ممکن است. این او در کنار رویادهای خارجی، موجب شد که وی در سالهای آخر عمر دچار پشیمانی و تاملیدی گردد. کاتبی می‌گوید هله‌های نیمه لاهی که به زودی ظهور علی (علیه السلام) را فراگرفته، به تنها ناشی از رابطه وی با پیامبر بود بلکه ناشی از تأثر شخصی وی در معاصران خود نیز بود. اما کاتبی به خصوصاتی که به ایجاد شخصیت استواری از علی (علیه السلام) ایجاد می‌نماید اشاره کرده است. اگر تصدیق کنیم علی (علیه السلام) روحیه‌ای صیفاً دینی داشت و با اقتدار خود را یک برنده اصلاحات اجتماعی و اقتصادی حساب می‌کرد و در همین حال این اصلاحات را بر مبنای دینی استوار می‌ساخت. آن‌گاه ممکن است پاسخ این سؤال نیز مشخص گردد. آری اطلاع از عقاید و استواریهای نسبی دربار، علی (علیه السلام)، در کتب مداخل شیعه SHIA؛

تصویر امامان شیعه،ص:۳۹

منابع و مأخذ

انثزه

منابع عمده تاریخی به همراه بسیاری از متون دیگر ادیب، حدیث و دیگر آثار، در سائمه اسلام به قلم کاتبی (که حلقه‌های ۹ و ۱۰ از ۱۹۲۶) آن به خلافت [حضرت] علی (علیه السلام) اختصاص یافته (ترجمه و یا خلاصه شده‌اند. اطلاعات بیشتری هم در آثار زیر موجود است:

۱. حجب النبی الطوری، (الریاض النافرة فی مناقب المشروء، ج ۲، ص ۱۰۳-۱۰۴، ۱۹۹۰، قاهره، ۱۳۲۷.

۲. عصر بن مراحم الطنقری، (وقفه صلیطن، چاپ عبد السلام محمد فاروق، قاهره، ۱۳۶۵، (چاپ سنگی)، تهران، ۱۳۰۱، و تلخیص چاپ بیروت، ۱۳۴۰، در ۲۹۰ صفحه بسیار پائینی قرار دارند.)

ژوشیا

۳. طه حسین، (الفتنة الکبری، ج ۲، (طی)، (که به برخی از نظرات اشاره می‌کند، قاهره، ۱۹۵۴.

تصویر امامان شیعه،ص:۴۱)

نقد و بررسی

انثزه

محمد رضا هدایت‌یاد،

تصویر امامان شیعه،ص:۴۳

نقد و بررسی

چیده

نوشتر خاخرضا، (نقد مقاله «علی بن ابی طالب»، نوشته وچیا والیری، در دایرة المعارف اسلام است. چه‌راهی که این مقاله از علی طیه السلام ترسیم کرده، غیر واقعی و تحریف شده است. مؤلف، در نام مقاله، درباره شخصیت سیاسی مذهبی علی طیه السلام بر سه محور اساسی تأکید و توجه کرده است:

(الف) علی طیه السلام و خلفای (ب) علی طیه السلام و مواجعه با مخالفان (ج) علی طیه السلام و کتابت لایم سیاسی و اجتماعی برای حل مشکلات حکومت.

در قسمت اول، نویسنده می‌گوید تا سیاست علی طیه السلام را در مواجعه با خلفای کمابلا خصمه‌اند نشان دهده به گونه‌ای که خواننده تصور می‌کند علی طیه السلام کاری جز مباح‌زایی و متنازه به خلفا نداشته، و به هنگام شروع بر حسان، تنها از شورشیان حمایت کرده، بلکه وهیری آنان را نیز بر عمده داشته است. بر این اساس، مؤلف، او را به مدلی بنمایش حالات از طرف این گروه، نقطه کرده است.

در قسمت دوم، سیاست علی طیه السلام را در مواجعه با مخالفان حکومتش سباسبی

تصویر امامان شیعه،ص:۴۴)

عش، انوافلی و برآمده از خصوصیات اخلاقی او نشان داده است. از سوی دیگر، گوشیده است تا مطالبات دشمنان او را تا حد ممکن بر حل جلوه دهد.

در بخش سوم، نویسنده به ماستبهای مختلف نشان داده که علی طیه السلام کتابت لایم سیاسی را برای اداره حکومت و حل مشکلات نداشته است، به گونه‌ای که خود پیوسته از تصمیمات و اقداماتش پشیمان می‌شده است.

با توجه به این موارد، در نقد این مقاله گوشیده‌ایم تا با استناد به منابع معتبر تاریخی شیعی و سنی، برداشتهای غیرواقعی نویسنده را آشکار سازیم و چه‌راهی واقعی علی طیه السلام را بنمایشیم.

۱. تکفای کلی به خلف

(الف) مؤلف به جای اینکه از موضع مستشرقی بی‌طرف افکار و اندیشه‌های امیر مؤمنان علی طیه السلام و وقایع مربوط به او را بررسی کند، از جایگاه یکک سنی متحصب سخن گفته است، و در حقیقت امام علی طیه السلام را سوزدای برای تبلیغ شیعه قرار داده است.

(ب) مؤلف جز در چند مورد، برای مطالب و ادعاهای خود هیچ گونه مدرک و دینی ارائه نداده است. مقاله وی ابتضه از ادعاهای مطالب سسته، می‌یابد، و گاه مبرفانه‌است که می‌شکاید اگر می‌خواست آنها را به منابع تاریخی مستند سزاده نمی‌نوشت چنین مقادعی را مرده‌کنده، فرست کردن چندین تاریخی صومئ سر آخر مقاله کاری است فریبده و البته بی‌حاصل، و هر کس می‌خواند، با این شیوه مدعا مقاله بر از ادعاهای حقیق و غریب بودند.

نقطه این‌گونه قطروسیایی‌ها، نزد اعلی فن ارزش و اعتبار علمی ندارد، و تنها انگیزه ما بر نقد آن، جایگاه خاص این دایرة‌المعارف در کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای غیر اسلامی است. مطالعه این مقاله، در نفس کسانی که با

تصویر امامان شیعه،ص:۴۵)

درخشندمدین چه‌راه اسلام، یعنی علی طیه السلام، آشاید ندارند، ندارند، ممکن است تصویری غیر واقعی و نامطلوب از اسلام، و به ویژه از شیعه، ایجاد کند.

(ج) مقاله ابتضه از مطالب ضد و نقیصی است که از غرض‌پوری مؤلف یا دست‌کم ناآشنایی وی با شخصیت واقعی الامی مؤمنان علی طیه السلام برمی‌خیزد.ملاوی از سوی می‌گوید: «تعمیم همه بیت المال را میان مردم ناپید عملی عوامفریبانه تلقی کرده، ۱۱۰ و از سوی دیگر می‌گوید: «علی با تقسیم و توزیع پول، و راضی کردن مردم عدالتی عوام‌پسند قرار ساخت»؛ ۱۲۱ با هیچ گفته‌ای نیست که ما را (از طرفی ناآشنی او (طی) مجاز دارد، ۳۰۱ و در چند صفحه بعد، مذهی افراطگرایی دینی علی طیه السلام شده است؛ ۳۰۱ در جایی مذهی است علی طیه السلام توانست خود را با ضروریات و مقتضیات وفق دهند، و از این روی، فاقد نرمی و انعطاف‌پذیری سیاسی بوده، ۱۵۱ و در جای دیگر می‌گوید: «او می‌خواست زمینهای مفتوح العمرة عراق را تقسیم کند، قلی به سبب نرس از مشاجرت حقوقی از آن کار خودداری ورزید»؛ ۱۵۱

(د) چه‌راهی که از امام علی طیه السلام ترسیم شده، واقعی و تحریف شده است. از نظر مؤلف، وی انسانی است فاقد تدبیر سیاسی، درمنازه و توان از تصمیم‌گیری صحیح برای رفع مشکلات و اختلافات داخلی حکومت و ...

اینجا سوت‌هایی است که بر نفسای مقاله حاکم است. مؤلف بدون ریشه‌یابی مشکلات دوران حکومت امام علی طیه السلام، از جمله فرهنگ فاسدی که در نتیجه

۱) .

Vaglieri, L. Vecchia, Ali B. ABITALIB; The Encyclopedia of Islam; p. ۳۱۲

.Ibid p ۳۱۲.۲) .

.Ibid p ۳۱۲.۳) .

.Ibid p ۳۱۵.۴) .

.Ibid .

.Ibid p ۳۱۲.۶) .

تصویر امامان شیعه،ص:۴۶)

سیاستهای خطای پیشین در جامعه ورثه دودانده بود- مانند دنیاگرایی مردم به تبع از بزرگان اعیای سته‌های جاهلی و تعصبات قبیله‌ای و قومی، و دور شدن آنان از سرور و سنت نبوی- علی طیه السلام و شخصیت او را مسبب تمام مشکلات دانسته است؛ شخصیتی که از فقر خود وی فریفتن مشکل است و برای شناخت او راهمانا و منبع معتبری در دست نیست. ۱۱

(ه) مؤلف اصلا از منابع شیعه استفاده کرده است، که این امر افزون بر یکسوزگری ویژه مؤید سخن اموادور بودن، است که می‌گوید:

همز در هیچ‌یک از زبانه‌ای اروپایی، کالیف مشروح و کالیی و موثقی دربار منسب شیعه نداریم. با این وصف، عموره دربار شیعه نظر داده شده است، و مسائل اجتناب‌شدنی مانند مسئله عبد الله بن سار را همواره به رخ کشیده‌اند. ۲۱

۲. مشکلاتی بودی

انثزه

افزون بر چهار مشکل پیشین، این مقاله اشکالهای محتوایی و تاریخی متعددی دارد که اکنون به این موارد می‌پردازم:

مؤلف در سطرهای نخستین این مقاله دربارهٔ حادثه «بیت‌العمیة» تزیده روایتش و آن را روایی قابل نقد دانسته است. ۳۹

.Ibid p ۳۱۵.۱) .

(۲) گرچه این سخن به هشتاد سال پیش می‌گردد، و از آن زمان تاکنون تحقیقات جدیدی در حوزه اندیشه‌های شیعه صورت گرفته است، به این لحاظ که اصولاً تشیع در جهان غرب چندان مطرح نبوده، و منابع مهمی ترجمه نشده است، هنوز مستشرقان با منابع افکار و اندیشه‌های شیعه به قلمز آرام آشاید ندارند، نقد مدخل تاریخ شرق اسلامی، (ژان سولوا، ترجمه مژس آفرین انصاری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶ ش، آیه پژوهش، سال دوم، شماره دوم آفرورد، ۱۳۷۰، باقری ۱۲، به نقل از:

یادنامه علامه امینی، ص: ۵۰۴- ۵۰۵

(۳) .

Vaglieri, L. Vecchia, Ali B. ABITALIB; The Encyclopedia of Islam; p. ۳۱۱

جاشناسانی علی طیه السلام در آن شب عطرغیز و داوقطب شدن او برای عوامیند در بنستر پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از افتخارات حضرت به شمار می‌رود، و از جمله روایاتی است که مورخان بر سر آن اتفاق نظر دارند، و آیه و مِن نَّاسٍ مِّنْ بَشَرٍ لَّمْ نُعَمِّدْهُنَّا مَوَاطِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ ذُرِّيَّتًا بَلَّغِيَّتًا ۱۱۱ نیز در همین باره، تازک شد. ۱۱۱
پوشش نیست تزیده مؤلف در این باره چه دلیلی داشته است.

مؤلف با نامگذاری جنگ خیر به جنگ فدک، (۶۱ قی ۶۲۸ م) گسترهٔ اطلاعات تاریخی خود را آشکار ساخته است. حال آنکه هیچ مورخی از جنگ خیر به جنگ فدک یاد نکرده است. ۳۱

او با یبانی احساسی، مجازات پهلوان بنی فربه را به دست علی طیه السلام بیان کرده است. ۳۱

حقیقی بی‌طرف نمی‌تواند چنین اظهارهایی به کار برد. مؤلف، چنان‌که اشاره خواهد شد- پیوسته می‌گوید: تا چه‌راهی عشق و غیرواقعی از علی طیه السلام به دست همده، در اینجا نیز بدون کوچکترین استنادی به جرم پهلوان بنی فربه، احساسات خواننده، به ویژه پهلوان را بر ضد پیامبر صلی الله علیه و آله و علی طیه السلام و محور کلی مسلمانان رنگینچه است. درحالی‌که باتر نقل منابع تاریخی، پهلوان بنی فربه به خدایت خود اعتراف کردند و با حکم ساجن سعد بن معاذ، حکم قوت دربار آنان اجرا شد. ۵۱

از آنجا که این مختصر مجال بحث گسترده در این زمینه نیست، تنها به کتابهای مستطی اشاره می‌کنیم که برخی از علمای اهل سنت دربارۀ حدیث غدیر بحث و روایات آن را گرد آورده‌اند، ۱۰ تا معلوم گردد آیا شیعه حدیثی را به دروغ به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده است یا خیر:

- ۱.قیافه، محدث و مورخ مشهور، ابو جعفر محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ق:)
- وی در دو سخن او بگر بن ای دادود حسینی۳۱ کتاب الولایه۴۰، را نوشت، و حدیث غدیر را از ۷۵ مصحفی نقل، و خود به سمت و تواتر آن اعتراف کرد. ۵۵
- این کتاب بسیار مهم آنچنان ختم متحبه منصف بغداد را رنگبخت که او را تشیع و نفس و حتی الهاد منهم کردند. ۵۶
- ابو الحسن دار فطنی طی بن عمر (م ۳۸۵ ق:) عالم برجسته اهل سنت که

- (۱). ر. ک: محمد بن احمد ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۳۰۲. محمد بن احمد ذهبی، رساله طرق حدیث بن کت مولا، فطلی مولا،
- (۲). برای اطلاع بیشتر، ر. ک: سید عبد العزیز طباطبایی، القدر فی التراث الاسلامی، محمد بن جریر طبری، کتاب فضایل طی بن ای طالب، و کتاب الولایه، محمد بن احمد ذهبی، رساله طرق حدیث بن کت مولا، فطلی مولا، اعلامی که در این زمینه ارائه خواهم داد برگرفته از کتاب القدر فی التراث الاسلامی است.
- (۳). وی پس از داود و جعفی، مؤلف سن مشهور و از جمله صحاح اهل سنت است. او بگر حسینیان به نامی‌گری جان منهم بود که پادش دربارش می‌گفت: ای کتب! ب: ر. ک: تاریخ اسلام، ص ۵۱۸
- (۴). از این کتاب با عنوان اثر علی العرفسیه، و رساله فی طرق حدیث غدیر، نیز یاد کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: رسول جعفریان، کتاب فضایل طی بن ای طالب و کتاب الولایه، ص ۱۰-۱۱.
- (۵). محمد بن احمد ذهبی، تاریخ اسلام، ص ۲۸۸ شمس الدین محمد ذهبی، تذکره الحفاظ ج ۱، ص ۱۲۰. یاقوت حویزی، معجم الادیب، ج ۱۸، ص ۸۰، ۸۱-۹۵ ص بن حسن بن عساکر، تاریخ مشایخ مشفق، ج ۵۲ ص ۱۱۸۸ احمد بن علی بن حجر مصلحانی، لسان التوازن، ج ۵ ص ۱۰۰.
- (۶). ابو علی مسکویه زاری، تجرید الامم، ج ۵ ص ۱۲۲ عبد الرحمن بن علی ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۳، ص ۲۱۷، طی بن ابی کرم (ابن اثیر)، الکامل فی التاریخ، ج ۸ ص ۱۲۴
- تصویر امامان شیعه، ص: ۵۴

- خطیب بغدادی او را فرید عصره و امام وقت و امیر المؤمنین فی الحدیث، خوانده است. ۱۱۰، گنجی ذهبی نوشته که دار فطنی طرق حدیث غدیر را در یک رساله مستقل جمع آورده است. ۲۰
- حاکم نیسابوری، ابو عبد الله محمد بن عبد الله (م ۴۰۵ ق:) محدث مشهور اهل سنت و مؤلف کتاب ارزشده المستدرک علی الصحیحین، وی رساله‌ی در طرق حدیث غدیر نگاشته است.
- ابو سعید سوسری بن ناصر حسینیانی (م ۳۷۷ ق:) از علما و حفاظ و محدثان بزرگ سنی مذهب عراقان: کتاب وی در این باره درباره‌ی فی حدیث الولایه نام دارد.
- ذو القاسم حسنکلی حیدر الله بن احمد از علمای حنفی مذاهب قرن پنجم و مؤلف کتاب مشهور ثوابه التزئیل، وی تصریح می‌کند که تمام روایات غدیر را در رساله مستقلی گردآوری و تألیف کرده است. نام این اثر دهه الهادی الفی آله، حق الولایه بوده است.
- حافظ، محدث، و مورخ بزرگ اهل سنت ابن عساکر دمشقی، طی بن حسن (م ۵۷۱) وی در بخش ترجمه امیر المؤمنین طیبه التلام از تاریخ دمشق تا آنجا که توانسته، طرق این حدیث را گرد آورده است. شمار این روایات به نود می‌رسد. ۳۱
- حافظ عراقی، زین الدین عبد الرحیم بن حسین شافعی (م ۷۲۵ ق:) رساله وی طرق حدیث بن کت مولا نام دارد.
- ذهبی، محمد بن احمد (م ۷۲۸ ق:) حافظ، قیبه، محدث و مورخ مشهور و بزرگ اهل سنت: کتاب مستقل وی در این باره، رساله طرق حدیث بن کت مولا

- (۱). احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۶، ۳۷.
- (۲). محمد بن یوسف گنجی ذهبی، کتاب الفضائل فی مناقب طی بن ای طالب علیه السلام، ص ۴۰
- (۳). طی بن الحسن بن عساکر، ترجمه لامام طی بن ای طالب، من تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۵- ۱۰.
- روایت ۳۴۶۵۳، محقق بحر، مناج هر یک از این احادیث را در باقرنی بیان کرده است.
- تصویر امامان شیعه، ص: ۵۵
- هذه طی مولا نام دارد، وی در این کتاب، حدیث غدیر را از ۳۵ صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده، و به محنت و تواتر آن اعتراف داده است. ۱۱۰
- حافظ بزرگ و مورخ مشهور ابن کثیر دمشقی (م ۷۴۴ ق:) وی با بیان حوادث سال دهم هجرت و نیز ضمن رد فضایل طیبه التلام، در ضمن حوادث سال چهل هجرت برخی از طرق حدیث غدیر را نقل کرده است. ۲۱
- مباین ترتیبه ادعای مؤلف، گهمنی بیش نبوده، نقل از رش علمی است، و می‌توان گفت وی کوشیده تا با این ادعا بر فسخه شیعه تبلیغات کند.
- نویسنده برای منتهم کردن طی علیه التلام در ماجرای قتل عثمان آن خطبتر تا با عباراتی، در ردیف طعنه و زبیر و جزو شورشیان قرار داده است. ۳۲
- قرار دادن نام طی علیه التلام در کنار طعنه و زبیر، به منزله دو نفر از رهبران شورش بر ضد عثمان، لاشی است امیر مهم کردن علی علیه التلام در ماجرای عثمان، موضوعی که منابع تاریخی کاتلا خلاف آن را تأیید می‌کند.
- افزون بر این، دلایل و شواهد بسیاری حکایت از آن دارند که اعراض طعنه و زبیر به علت نیز یا گناشته شدن احکام قرآن و سنت یا امر صلی الله علیه و آله نبوده، بلکه آنان مقاصد دیندستانی داشته‌اند. ۴۱
- در ادامه، نویسنده بای را فوات نهاده، صریحا امر را نه تنها به همکاری با شورشیان بر ضد عثمان منتهم می‌کند، بلکه او را رهبر، یا یکی از رهبران آنان معرفی می‌کند. ۵۵
- اینکه علی علیه التلام از برخی اعدای عثمان رضایت نداشته، صحیح است؛ اما

- (۱). این کتاب با نقیضات ارزشمند مرحوم استاد سید عبد العزیز طباطبایی، به چاپ رسیده است.
- (۲). اسماعیل بن کثیر دمشقی، البداية و الهیات، ج ۵ ص ۱۸۳- ۱۸۸ و ج ۷ ص ۳۵۹- ۳۶۳.
- (۳). Vaglieri, L. Veccia, Ali B. ABITALIB; The Encyclopedia of Islam; p. ۲۰۲
- (۴). احمد بن یحیی بلذری، اسباب الاشراف، ج ۵ ص ۱۶۵.
- (۵). Vaglieri, L. Veccia, Ali B. ABITALIB; The Encyclopedia of Islam; p. ۲۰۲
- معرفی طی علیه التلام نه به منزله یک متفرد، بلکه به منزله رهبر یا یکی از رهبران مخالفان، گهمنی است که دشمنان، به ویژه بنی امیه به آن دامن می‌زدند.
- گفتار و نامه‌های علی علیه التلام، سخنان اصحاب و حتی دشمنان آن حضرت، که هرگونه شرکت او را در قتل عثمان رد می‌کنند، در منابع تاریخی فراوان است. ۱۱۰ و این امر ادعای انجام نداد که باعث تحریک شورشیان بر ضد عثمان شد، بلکه در حد توان خویش در خاموش کردن فتنه کوشید، تا آنجا که مروان معترف بود هیچ کس به پایه علی علیه التلام به عثمان یاری رساند. ۲۱
- زهری نیز گفته مروان را تأیید کرده است. ۳۱
- زمانی که طعنه و زبیر آب را به زوی عثمان بستند، علی علیه التلام با زحمت فراوان توانست آب به او برساند. ۴۱ و حسن و حسین علیهما السلام را برای دفاع از زح او فرستاد و آن دو، در این ماجرا به شهادت زخمی شدند. ۵۵ به نظر می‌رسد حتی طرح مالکک اشتر با آن شیعه بر حیات عثمان حمله، ۵۶- به توجه به رابطه مالکک با علی علیه التلام- از نشانه‌های امیر مومنان بوده است.

- (۱). برای نمونه، ر. ک: صدر بن شیه، تاریخ المدینه النبویه، عبد الله بن محمد، المصنف، ج ۸ ص ۶۹۴. نصر بن مزاحم مغربی، وفه سنبل، ص ۲۹ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳. محمد بن سعد، القباذ الکبری، ج ۳ ص ۴۹. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲ ص ۴۴۴. ابن ابی الحدید، شرح البیلاء، ج ۶، ص ۱۷۰. احمد بن اطم کوفی، الفتح، ج ۱، ص ۵۶۱ و ۵۶۸ و ۵۶۹. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۹۴. عبد الملک بن حسین، سبط الجوی، ج ۱۲، ص ۴۱۳. علی بن حسن بن عبد الله ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۱۲۷.
- (۲). عبد الملک بن حسین، سبط الجوی، ج ۷، ص ۴۱۳. علی بن حسن بن عبد الله ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۱۲۷. محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، عهد الخلفاء، ص ۱۶۹- ۱۶۱. ابن ابی الحدید، شرح تاریخ البلاد، ج ۱۳، ص ۲۲۰.
- (۳). عبد الله بن محمد، المصنف، ج ۸، ص ۶۹۴
- (۴). محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳ ص ۳۶۸. صدر بن شیه، تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۱۱۳۰. طی بن حسین سمهودی، مرجع الذهب، ج ۲، ص ۴۴۴. احمد بن یحیی بلذری، اسباب الاشراف، ج ۵ ص ۱۶۸- ۱۶۹. الأمانة و الشیاط، ج ۱، ص ۱۴۱ احمد بن اطم کوفی، الفتح، ج ۲، ص ۱۲۹. عثمان بن محمد، شرح الأخبار، ج ۱، ص ۷۸. احمد بن عبد الله، محب الدین طبری، ریاض الطرفه، ج ۳، ص ۱۷۷. بن اسماعیل بن کثیر، البداية و الهیات، ج ۷، ص ۱۸۷. محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، عهد الخلفاء، ص ۱۶۹. عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۱۶۶.
- (۵). محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۱۹. عبد الله بن محمد، المصنف، ج ۸، ص ۶۹۱.
- (۶). عبد الله بن محمد، المصنف، ج ۸، ص ۶۹۴

تصویر امامان شیعه، ص: ۵۷

این گناهیها تا بدان پاید بود که علی علیه التلام می‌فرمود: به خدا سوگند، آن قدر او را یاری رساندم که ترمیم گنجهکار شوم ۱۰۱
این امر الخدیج در این باره می‌گوید: به خدا سوگند، اگر جعفر بن ابی طالب محاصره شده بود، علی علیه التلام همانقدر در آن راد می‌کوشید که برای عثمان انجام داد. ۲۱

با توجه به این مطالب، جگه‌گونه معقول است چنین شخصیتی، در رهبران شورش بر ضد عثمان باشد. شامدی که مؤلف مطرح کرده، شروطنی است؛ زیرا سخنان علی علیه التلام با او در در میان جمع خصوصی بوده است. ۴۱ بروز خویشی که مؤلف از آن یاد کرده به سبب آن بود که مروان می‌خواست علی علیه التلام او را در شامتحت کند. از این رو، علی علیه التلام تازیانه‌ای به صورت اسب مروان زد، و چون مروان نزد عثمان شکایت کرد، علی علیه التلام حاضر شد تازیانه‌ای به مراب او زده خود، ۴۱ و این نهایت خویشنداری علی علیه التلام او در بروز هرگونه خویشی بر ضد عثمان ثابت می‌کند.

مؤلف در ادامه می‌گوید: دلایلی در دست است که این شیعه را دامن می‌زند که او در نقضای اسفندگی خلفه، با شورشیان همرا

بوده. ۵۵

- (۱). ابن ابی الحدید، شرح تاریخ البلاد، ج ۱۳، ص ۱۲۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۶۱۰.
- (۲). ابن ابی الحدید، شرح تاریخ البلاد، ج ۶، ص ۱۶۷.
- (۳). احمد بن اطم کوفی، الفتح، ج ۱، ص ۱۵۸- ۱۵۹. احمد بن یحیی بلذری، اسباب الاشراف، ج ۶، ص ۱۶۸.
- (۴). همان.
- (۵). Vaglieri, L. Veccia, Ali B. ABITALIB; The Encyclopedia of Islam; p. ۲۰۲
- (۶). محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۶۴- ۳۶۹. نهج البلاغه، عطف ۱۶۶ و نامه ۲۸.
- تصویر امامان شیعه، ص: ۵۸

نویسنده در بخش دیگری از مقاله خود بر نامه‌های اقتصادی امیر مومنان طیبه التلام را در مواجهه با درخواستهای مالی پرشار روزندگان، از جمله تقسیم زمینهای موقوفه و نحوه تأمینت داشته است. ۱۱۰

علی علیه التلام سیاست اقتصادی خود را بارها به روشنی تبیین کرده و جای تعجب است که مؤلف در این باره اظهار می‌افلاهی می‌کند. یا گناهی گذرا به سخنان علی علیه التلام، سیاست اقتصادی او را در چند جمله می‌توان خلاصه کرد:
(الف) امتیازی در کار نیست و بیت المال بطور مساوی تقسیم خواهد شد، و وی کسی را بر دیگری برتری نخواهد داد؛
(ب) یا کسانی که به اموال بیت المال کوچکترین تعرضی کرده باشند، به شدت برخورد خواهد شد، هر چند اگر آن اشخاص دو

فرزندش حسن و حسین علیهما السلام باشند، و اگر این اموال در کابین همنسران یا خرید کنیزان صرف شده باشد آنها را باز پس خواهد گرفت؛

ج) خنایم مجاهدان (فی)، مخصوص آنان است و دیگران را در آن حلی نیست، و این اموال به‌طور مساوی میان ایشان تقسیم خواهد شد. چنانچه خنصنهایی حقیقی یا حلقوی از این اموال که در آنها حلی نداشته‌اند، برای خود یا اقوام و خویشان خود سهمی برده‌اند، از آنها باز پس خواهد گرفت؛

د) اموالی که در زمان خلافتی پیشین به ناسخ بدل و بخشش شده است، باز پس گرفته خواهد شد.

این سببها را می‌توانیم از خطبهٔ ۵۷ تا ۵۹ و تکلیف علی علیه السلام به دست آوریم: ۴۱

نویسنده به خوبی زیر کلام، عدم ثبیت مساویه از علی علیه السلام را، با این اتهام که انتخاب حضرت از سوی القیبت صورت گرفته، مرجح دانسته است. ۴۲

(۱).

Vaglieri, L. Vecchia, Ali B. ABITALIB; The Encyclopedia of Islam; p. ۳۸۷

(۲) نهج البلاغه، خطبه ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰ و نامعانی ۳۲، ۳۱.

(۳).

Vaglieri, L. Vecchia, Ali B. ABITALIB; The Encyclopedia of Islam; p. ۳۸۷-۳
انتخاب علی علیه السلام به اجماع مسلمانان بوده است؛ چرا که نمایندگان و بزرگان آنان از مصر و عراق و حجاز در آن اجتماع حضور داشتند و با آزادی کامل، و حتی به اصرار زیاد، با علی علیه السلام بیعت کردند. ۱۱۰ اقرون بر توده مردم و بزرگان تابعین بسیاری از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام بیعت کردند؛ کسانی همچون عمار بن یاسر، جابر بن عبد الله الصغری، حسین بن عمار بن عبد الملک (مجاهد مدبری)، عقیل بن حارث (مجاهد مدبری)، ابو عیاش زوبی (از مجاهدان اجداد)، ابو سعید خدری، ابو ایوب انصاری، خرمیة بن ثاث (دو شهیدان)، زیند بن ارقم، ابو القهیتم بن فهله، یزید بن ثور (رسول خدا صلی الله علیه و آله بهشت را برای او تضمین کرده، عبادة بن صامت، مسطح بن اثابه، براد بن مزاین، سهیل بن حنفیه، عثمان بن حنفیه، مثنی بن عده، عمرو بن حنظل خرامی له بر کتف دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله تا پایان عمر، جوانی خود را از دست نداد؛) قیس بن سعد بن عباد، و نیز تمام شیعیان. ۴۱

علی علیه السلام نیز در نامه‌ای، برای معاویه نوشت: همانا کسانی با او بیعت کردند که با یو بزرگ و عمر و عثمان بیعت کرده بودند. ۴۲

روایات دیگری نیز مبنی بر بیعت اهل حرمین و عساکر مسلمانان گزارش شده است که می‌تواند مؤید این مطلب باشد. ۴۳

با توجه به مطلب یاد شده، بیعت نکردن شاری اندک در مقابل اکثریت قطع صحابه و تابعین - و نه اقلیت که مؤلف مدعی است- دیگر جای برای این سخن باقی نمی‌گذارد که مدعایی می‌توانست این انتخاب را غیر معتبر بداند. ۴۴

(۱) نهج البلاغه، نامه ۵۴ و خطبه ۱۳۷ و ۲۹۹.

(۲) محمد بن محمد (شیخ مفید)، الجمل، اقرون بر اساسی مزبور، شرح مفیده فهرستی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و تابعان را ارائه کرده است.

(۳) انصر بن مزاحم مغربی، وقعة صفین، ص ۲۹.

(۴) احمد بن یحیی بلاذری، اسباب الاشراف، ج ۳ ص ۸۸، ۱۱.

(۵).

Vaglieri, L. Vecchia, Ali B. ABITALIB; The Encyclopedia of Islam; p. ۳۸۷
مؤلف مدعی است طرفداران علی علیه السلام آماده بودند در برابر آنانی که از بیعت با وی سرباز می‌زدند، خشونت بروزند. ۱۱۰
شاید این ادعا بر گرفته از سخن طلحه و زبیر نیز روایت شده‌اند در این زمینه باشد، اما به هر روی از چند نظر قابل تأمل است:
۱. علی علیه السلام می‌فرمود: من هیچ کس را برای بیعت با خود مجبور نخواهم کرد و بیعت باید با رضایت مردم باشد. این فرمود امام علی علیه السلام، در هیچ جمعی مشاهده مردم برای بیعت با ایشان با ادعای اجماع خشونت نقضش دارد. ۴۱
علی علیه السلام برای آنکه این آزادی را از حالت کشنده خارج داشت بیعت با او مخفی نخواهد بود، و در مسجد پرگراز خواهد شد. ۴۲
۲. اگر اگر کسی در کار بود چرا اموال کسانی از جمله سعد بن ابی وقاص و اسامه بن زید را که بیعت نکرده‌اند، آزاد نگذاشت؟ ۴۳
هیچ شاعری در دست نیست که طرفداران علی علیه السلام اندک تعرضی به آنان کرده باشند. مروان نیز پس از جنگ جمل به علی علیه السلام التیام طلب داشت که با او بیعت نخواهد کرد، مگر اینکه او را مجبور سازد. علی علیه السلام فرمود: من تو را مجبور نخواهم کرد. ۴۴
طلحه و زبیر بر اگر در گفته خود صادق بودند، ۴۵ می‌توانستند بیعت نکنند. علی علیه السلام طلحه و زبیر را به این نکته رهنمون ساخت که اگر چنین است، چرا سعد بن ابی وقاص

.Ibid. p. ۳۸۸ (۱)

(۲) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱ ص ۹.

(۳) محمد ابو القفلل ابراهیم و علی محمد الجواد، ایام العرب فی الاسلام، ص ۳۹۹ احمد بن یحیی بلاذری، اسباب الاشراف، ج ۳ ص ۷ و ۱۱.

(۴) احمد بن یحیی بلاذری، اسباب الاشراف، ج ۳ ص ۸.

(۵) همان، ص ۵۸.

(۶) البته اخبار و فریادها فراوانی وجود دارد که آنان در گفته خود صادق نبودند و به علت مسائل سیاسی این ادعا را مطرح می‌کردند؛ چنان‌که علی علیه السلام و مالکنا و زبیر و یزید، به این مطلب تصریح کرده‌اند. ر. ک: کنذ بالله بن محمد، المصنف، ج ۸ ص ۶۳۲ ابن قتیبه دینوری، الامانة و السیاسة، ج ۱ ص ۷۵۵ احمد بن اظم كوفي، القتوح، ج ۲ ص ۲۶۱.

تصویر امامان شیعه، ص: ۶۱

و این عمر و محمد بن مسلمه را مجبور نکرده است؛ ۱۱۲. بنای امام بر این بود که مردم را به کفری که نمی‌خواستند مجبور سازد. ۴۱

۳ ادعای این افراد و شهادت آنان در ضد علی علیه السلام و طرفدارانش با درستی نیست؛ چرا که گذشته از طلحه و زبیر، وقاصی مثلثی صاحب است و چنان‌که در جای خود ثابت شده است، شهادت خصم پاینده نیست؛ از همین‌روی، اگر از سوی جوزجانی در جهت تصدیق چیزی نقل شود مرعوب است؛ چرا که وی تائیدی صلب بود. است. ۴۲

نویسنده مدعی است، حضرت پس از دروغی بر ضد عثمان، نمی‌بایست حکومت را می‌پذیرفته؛ چرا که با این عمل، خود را در معرض اتهام مدعیان یا طرفداران قرار داد. ۴۳

در پاسخ باید گفت: علی علیه السلام خود را نازد خلافت نکرده، بلکه مردم با اصرار زیاد با او بیعت کردند. ۴۴
علی علیه السلام بارها در سخنانش به این نکته تصریح کرده است. ۴۵
ایشان از مردم خواست تا او را رها سازند و در پی دیگری روند؛ ۴۶
با خدا قسم من به خلافت و ولایت نامایی نداشتیم، ولی این شما بودید که مرا بدان دعوت کردید. ۴۷

(۱) ابن قتیبه دینوری، الامانة و السیاسة، ج ۱ ص ۷۵۰ حتی بنا بر روایتی علی علیه السلام در نامه‌ای که به عثمان بن حنیف نوشته بود، اعلام کرد: اگر آن روز مدعی‌اشی که به زور بیعت کرده‌ام نمی‌تواند خود را از این بیعت منع کند، و آن یکی چیز دیگری نظر دارند. ر. ک: علی بن ابی کرم ابن ابراه، الکفالی فی التاريخ، ج ۳ ص ۲۱۵.

(۲) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲ ص ۲۲۱.

(۳) احمد بن محمد بن حجر عسقلانی، اسان القزان، ج ۱ ص ۱۲۲-۱۲۳ احمد بن محمد بن حجر عسقلانی، فتح الباری، ص: ۳۸۸ (۴).

Vaglieri, L. Vecchia, Ali B. ABITALIB; The Encyclopedia of Islam; p. ۳۸۷

(۵) تاریخ الطبری، ج ۳ ص ۴۵۵-۴۵۶ احمد بن یحیی بلاذری، اسباب الاشراف، ج ۳ ص ۸۰ علی بن ابی کرم ابن ابراه، الکفالی فی التاريخ، ج ۳ ص ۸۱۱ الامانة و السیاسة، ج ۱ ص ۶۶.

(۶) نهج البلاغه، کلام ۱۳۷ و خطبه ۲۱۹، ۱۲۷.

(۷) همان، خطبه ۸۲.

(۸) همان، خطبه ۲۰۵.

تصویر امامان شیعه، ص: ۶۱

نکته دیگر اینکه پذیرش خلافت در آن اوضاع از دو منظر قابل بررسی است: از سوی بنابر نظریه شیعه، علی علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و خلافت منصوب شده بود، و این انتخاب به اختیار و دلخواه علی علیه السلام بود تا بتواند آن را رد کند. بر اساس این دیدگاه چه مردم با وی بیعت می‌کردند چه نمی‌کردند، او جانشین و خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله بود. گرچه مردم ۱۵ سال او را کنار گذاشته بودند، ولی اکنون که به او رخصه و اعلام آمادگی کرده بودند، جایز نبود که وضعیت فعلیت یافته آن منصب لایح را ندیده بگیرد و از پذیرش آن سرباز زند. به همین دلیل، علی علیه السلام برای پذیرش خلافت فرمود:

و لا حضور الحاضر و قیام الخیوة بوجوه انصر... لأقلیبت جلیها علی غازیها و انصرها آمعها یاکبنا اولیها؛ اگر به این بود که جمعیت بسیاری گروه‌گرم با گرفته و به یازیم قیام کرده‌اند و از این جهت حجت تمام شده است. همین شتر خلافت را رها می‌ساختم و از آن صرف نظر می‌نمودم. ۱۱۰

اما بنا بر نظریه اهل سنت، گرچه برای علی علیه السلام، که اهل حل و عقد او را برای خلافت انتخاب کرده بودند، جایز بود این مسئولیت را بپذیرد - چون خلافت عهدی است و اجباری در قبول آن نیست- ۴۱- پذیرفتن چنین مسئولیتی برای پسر از مهم‌شدن در قبال پذیرفتن نیست. تمام کسانی که عثمان را رها ساخته و او دفاع نکرده بودند، از جمله سعد بن ابی وقاص و تمام قاعه بن، در معرض چنین اتهامی بودند. ۴۲
از سوی، طلحه و زبیر که از اعضای شورای شش

(۱) همان، خطبه ۳.

(۲) علی بن محمد موردی، الاحکام السلطانیة، ص ۷.

(۳) مؤید ابن مطبق، گزارش است که نصر بن مزاحم نقل کرده است، در این گزارش آمده است:

اعلی الله بن عمر و سعد بن ابی وقاص به همراه چند نفر دیگر که عثمان را برای نکرده بودند، نزد علی علیه السلام آمدند و سهم خود را از بیت المال درخواست کردند. علی علیه السلام به سعد گفت: چرا ما را رد

تصویر امامان شیعه، ص: ۶۳

نفره بودند، بیشتر در معرض اتهام و بلکه شریک عرم بودند. بنابراین باید نتیجه این می‌شد که اهل حل و عقد اختیار است را رها می‌کردند و جامعه دچار هرج و مرج می‌گشت. اقرون بر این، اگر قرار باشد صرفاً به این دلیل که کسی مورد اتهام قرار گرفته از مسئولیت شانه خالی کند، هیچ کس نباید مسئولیتی را بپذیرد؛ زیرا دستشان برای کنار گذاشتن لقب خود به هر پنهانی دست خواهد یافت.

تمام این جلها بر فرض به ناسخ کشنده عثمان بنبتی است که خود فریبهای درخیز تأمل است؛ زیرا در این ماجرا بسیاری از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و برخی شرکت داشته‌اند.

از جمله موضوعاتی که در این مقاله بسیار جلب نظر می‌کنند و نویسنده با عبارات مختلف و زیرکانه‌ای کشیده است آن را به خواننده القا کند، خودت را طلی علی علیه السلام در برابر مخالفت و تندروی نوم با من تلقی است، و از سوی کوچک‌گانه دادن اعمال معرانه مخالفان و بر حق داشتن مطالبات آنان؛ چنان‌که دربره جنگ جمل می‌گوید:

هذف دو حرب، پایان دادن مسألت‌آزم جنگ بود ولی علی مرعوب طرفان فراطی خود بود. از این‌روی هر چند با اصحاب جمل به توافق رسیده بود، آنان وی را به جنگ واداشتند. ۱۱۰

صلین و جمل باری نکرده؟ سعد گفت: چون عثمان کشید شد و ما نمی‌توانیم که خون او حلال بود یا حرام ... علی علیه السلام فرمود: آیا می‌دانید خداوند شما را به امر به معروف و نهی از منکر فرستاد و فرموده است: و ان تقاضان من اللودین اقتضوا فأصلحوا یصلحوا فان بنت اندامها علی الاخری فانکما التبی فیحی علی. فی امر الله. سعد گفت: ای علی، خشونتی به من نه ده که اکثری را از مؤمن بنماید. من نمی‌تسم که مؤمنی را بکنم و وارد جهنم شوم. علی علیه السلام فرمود: آیا شما نمی‌دانستید که عثمان امامی بود که شما بر اساس اجماعت حفصی با او بیعت کردید؟ پس اگر او نیکوتر بود چرا او را بخوار کردید و پاریش کردید؟ و اگر نیکتاز بود چرا با او نیکبندید؟ بنابراین اگر عثمان در آن اجماع خود به راه سعواب رفته بود پس شما به اجماع خود ستم کردید؛ و اگر نیکبند بود پس به کسانی که امر به معروف کردند ستم کرده‌اید... انصر بن مزاحم مغربی، وقعة صفین، ص (۵۵۲ - ۵۵۱)

برای آنان بیان کرد. اگر علی علیه التلام دشوگنک شد، به علت اسرار بی‌جای آنان بر اسیر کردن آنان بود. حضرت به آنان فرمود: حال که بر اسیری آنان امر دارید، چه کسی حاضر است عایشه، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آه را به کنیزی ببرد؟ آنان چون این مطلب را شنیدند، دیگر چیزی نگفتند. مؤلف با این جمله که برای مردگان گرسنه و حتی دشمنانش را دعا کرده، نفسه دار نگویید علی علیه التلام از کرده خود در جنگ با اسنحاب جمل پشیمان و اندوگن شده است. ولی آن شهاده و تحریف حقایق تاریخی است. علی علیه التلام بالای سر برخی کشتگان جمل، مانند عد الرمن بن حباب اظهار تهنوت کرده، زیرا شایسته نمی‌بود. برخی از کشته‌شدگان، در چنین جنگی شرکت کنند و در برابر او دست به شمشیر برند. این پشیمانان، که کوفلی می‌گوید به خواننده القا کند، نتیجه بی‌بافت سوا، بی‌ایه است. آنان خواسته‌اند جنگ‌های علی علیه التلام را در نظر مسلمانان غیررضی و بهبود بنمایاند. درحالی‌که علی علیه التلام، چنان‌که از خطبه‌اش در بصره و نیز از نامه‌هایش

(۱)

Vaglieri, L. Vecchia, Ali B. ABITALIB; The Encyclopedia of Islam; P. ۲۱۵
تصویر امامان شیعه، ص:۸۸ پس از جنگ جمل برمی‌آید، با قطعیت از موضع خود دفاع کرده و به ظالم بودن طرف مقابل خود تصریح فرموده است. ۸۱- همچنین نویسنده برای اثبات تادرس سینه‌های علی علیه التلام می‌گوید آن حضرت، به گناه بودن حکمت مقلد شد. مدارکهای پزشکی در منابع تاریخی، گواهی می‌دهند که علی علیه التلام در برابر خواسته ناحق خواجه، یعنی گناه شردن موضوع حکمت، تسلیم ننمود. کدام عقل سلیمی می‌تواند که امام علی علیه التلام، از یک سوی، حکمت را گناه شمرده و از سوی دیگر، با خواجه جنگیده باشد؟ امام علی علیه التلام در برابر خواسته خواجه فرمود:

أعد إيماننا بالله، و جهادنا مع رسول الله صلى الله عليه و آله أشدها على نفسي بالكثر؟ فقد ظنقت افا و ما تا من المهتين يا أيها

پس از ایمان آوردن من خدا و جهادم همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله، بر کفر خود شهادت دهم؟ او این صورت به گواهی رفاهم و از هدایت‌شدگان نینشمن.

نویسنده در ادامه حضرت را به باتوازی در درک حقیقات زمان متهم می‌سازد:

استخاگری افراتی، بر عقایدی ناسط داشته، و شاید به همین علت بود که دشمنانش او را تکلفتر توصیف می‌کردند. او به دلی آنکه به دشات بنامهرو [است پیامر صلی الله علیه و آه] بود، توانست خود را با مفضیات مومنین که بسیار مغفلات با زمان محمد صلی الله علیه و آه بود، سازگار کند. ۳۱-

کسانی که امام علی علیه التلام را، به این دلایل، تکلفتر می‌خوانند، اساسا به هیچ مسئله اصولی عقیده ندارند، و از همین‌روی، به هرکسی که همانند استباهی

(۱) علی بن حسین سمعونی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۷۱

(۲) نهج البلاغه، خطبه ۵۵ احمد بن داوود دیوبندی، الاخبار الطوال، ص ۲۰۸

(۳)

Vaglieri, L. Vecchia, Ali B. ABITALIB; The Encyclopedia of Islam; P. ۲۱۵
تصویر امامان شیعه، ص:۸۹ هرهری مذاهب، بر اساس منابع خویش، هر لحظه به سوی میل کنند، الهام تکلفی و «گمراه‌کنشی» و استت گزایی، می‌زند. اساس این تفکر، رسول خدا صلی الله علیه و آه نیز- الهاد به- تکلفتر بوده است؟ زیرا هر کفر با کفر قریش سر سازش نداشت. برای مثال، در سال نهم هجرت، نمایندگان قبایلی از اطراف برای پذیرش اسلام به مدینه می‌آمدند. آن آن جمله، نمایندگان قبایلی لقب حضور گزایی را می‌شرب‌باب شدند و گفتند که حاضرند اسلام را بپذیرند اما شروطی دارند (تلاشیکه نماز خوانند، و عمل منافی عباد، شراب‌خواری و بی‌پرستی تا سه سال برایشان جایز باشد)؛ اما حضرت بآزادند. پیامر اسلام صلی الله علیه و آه حتی با خواسته آنان، که حاضر شدند مدت چهارم بی‌پرستی را به یک ماه کاهش دهدند، موافقت نفرمودند. ۸۱- علی علیه التلام نیز به پیروی از سوره و جواز صلی الله علیه و آه نمی‌توانست خود را با و امام حکومت خود، از اصول دست بردارد (زیرا، اختلاف معلوم- بی‌دانه برای حکومت، که حکومت را برای اجرای دین می‌خواست- است)؛ و نیز به معنی درک نکردن مفضیات زمان نسبت به زیر پای علی علیه التلام آنجا که پای فروری از اصول در میان توده مردم است، یا توجه به اوضاع پدید آمده از برخی تصمیمات خود صرف نظر کرده است. عزول نکردن او، موسی‌شعری در مرحله اول، عزول قس این سعد بن سباده از حکومت، مصور جالوگری نکردن از خواندن نماز تراجم و ... نمونه‌هایی هستند که انتقاد بی‌بازی سیاسی علی علیه التلام و توجه او را به مفضیات زمان اثبات می‌کند.

(۱) عبد الملک بن هشام، سیره ابن هشام، ج ۵، ص ۱۸۴-۱۸۵؛ احمد بن عمر والقدی، المغازی، ج ۱، ص ۸۹۴-۸۹۸ احمد بن علی مطرفی، اشاع الاماع، ج ۱، ص ۸۶-۸۷

تصویر امامان شیعه، ص:۹۰

منابع و مأخذ

اثره

- ابن ابی الحدیث، عبد الحمید بن محمد، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو القحفل ابراهیم اسماعیلیان، قم.
- ابن ابی شیباه، عبد الله بن محمد، المصنف، تحقیق سعید محمد الحجاج، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، اسد الغاباء، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، تحقیق ابو القداء عبد الله بن القاضی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۸ق.
- ابن اعمقر کوفی، احمد، الفتح، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۶ق.
- ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، المنظم فی تاریخ الفلوک و الأسماء، تحقیق محمد عبد القادر عطاء، و مصطفی عبد القادر عطاء، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ابن حجر، احمد بن علی، لسان الموائذ، تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشی، دار احیاء التراث العربی و مؤسسة التاریخ العربی، بیروت، ۱۳۱۸ق.
- ابن حجر، احمد بن علی، لسان الموائد، مؤسسة الأعلمیة للطباعة، بیروت، ۱۴۰۶ق.
- ابن حجر، احمد بن علی، فتح الباری، تحقیق عبد العزیز بن عبد الله و محمد فواد عبد الباقی، چاپ دوم، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۳۱۸ق.
- ابن حنبل، شیثانی، احمد بن محمد، فضایل الصحابة، تحقیق وصی الله بن محمد عباس، دار العلم، مکة، ۱۴۰۳ق.
- ابن حنبل، شیثانی، احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، دار الفکر، بیروت.
- ابن حنبل، عمر، تاریخ مدينة المصورة، تحقیق محمد فهدی بقرت، دار الفکر، قم، ۱۴۱۰ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تحقیق یوسف النجاشی، دار الاضواء، بیروت، ۱۳۹۲ق.
- ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله، الاصلیة فی أسماء الصحابة، دار صادر، بیروت.
- ابن عبد ربه الغریبی، احمد بن محمد، القلق الفرید، تحقیق احمد امین و دیگران، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- ابن سهاک، علی بن الحسن، تاریخ مدينة دمشق، تحقیق علی شوری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
- ابن سهاک، علی بن الحسن، تاریخ مدينة دمشق (ترجمة الامام امیر المؤمنين علی بن ابی طالب علیه التلام)، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسة المحمودی، بیروت،

تصویر امامان شیعه، ص:۹۱

۱۳۸۸ق.

- ابن ابی دینوری، عبد الله بن مسلم، الإمامة و السیاسة، منشورات رومی و منشورات زاغدی، قم، ۱۳۴۶ق.
- ابن کثیر، اسماعیل، البداية و النهاية، تحقیق احمد ابو لمحم و علی عجب مطرفی، دار الکتب العلمیة و دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ابن مقفر، محمد بن مکرم، مختصر تاریخ دمشق و دار الفکر، دمشق، ۱۴۰۴ق.
- ابن معین (شیخ مفید)، محمد بن محمد، الجمل و الصخرة لسیدة العزرة فی حرب البصرة، تحقیق سعید علی میر شریفی، مکتب الامام لاسلامی، قم، ۱۴۱۲ق.
- ابن شاه، عبد الملک، السيرة النبوية، طبعة مصطفی البانی، مصر، ۱۳۵۵ق؛ انتشارات اربان، ۱۳۳۳ق.
- ابن ملاح نقلی کوفی، ابراهیم بن محمد، الفرائد، تحقیق سید جلال الدین محمد، الجین آثار علی، تهران، ۱۳۵۵.
- ابو حنیفه دینوری، احمد بن داوود، الاخبار الطوال، تحقیق عبد الصموم عامر، منشورات الرضی، قم، ۱۴۰۸ق.
- ابو یعلیٰ حوصلی، احمد بن علی، مسند ابی یعلیٰ المومالی، تحقیق عبد القادر عطاء، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۸ق.
- اشعری قسیمی، سعد بن عبد الله، الملائکة و القردة، به کوشش محمد جواد مشکور، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۰ق.
- بازاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار العلم، ۱۳۸۷م.
- بالادی، احمد بن یحیی، اسباب الاشراف، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسة الأعلمی، بیروت، ۱۳۴۴ق.
- بالادی، احمد بن یحیی، اسباب الاشراف، تحقیق سهیل زکاء، چاپ اول، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
- باجاقل، عمرو بن بصر، بیان و التبین، تحقیق علی ابو لمحم، دار مکتبة الهلال، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- جوزی، ابراهیم بن محمد، فرائد السطنین فی فضایل المرعشی و القول و السطنین و الأسماء طبعم السلام، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسة المحمودی، بیروت، ۱۳۸۸ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۸ق.
- حطینی، علی بن ابراهیم، السيرة الطلیة، دار المعرفه، بیروت.
- حسینی، باقرت، معجم الایباء، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- تصویر امامان شیعه، ص:۹۲
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، دار الکتب العلمیة، بیروت.
- خلیفه بن خازم، تاریخ خلیفه بن خازم، تحقیق سهیل زکاء، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- خوارزمی، موفی بن احمد، مقل خوارزمی، مکتبة الشیفة، قم.
- داره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاتب موسوی جلودی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۳۹ق.
- دار قطنی، علی بن عمر، المقل الفرادی فی الاحادیث النبویة، تحقیق محطوط الرحمن ابن الله الشافعی، دار الطیبة، الطبعة الاولى، مکة.
- ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و ولیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، تذکرة الحفاظ، تحقیق شیخ زکریا عسیرت، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، رسائل طراز حدیث من کتب مولاه، فهذا علی مولای، تحقیق سعید عبد العزیز طباطبائی، انتشارات دلب، قم، ۱۳۷۸ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد الجابری، دار الفکر، بیروت.
- سبط ابن جوزی، یوسف بن فرعی، تذکرة الخواص، مکتبة نیوی الحدیث، تهران.
- سلاویه زان، مایرعل تاریخ شرق اسلامی، ترجمه توش آرزین انصاری المصقل، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶ق.
- سید رومی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صحنی صالح، مرکز البحوث الاسلامیة، قم، ۱۳۹۵ق.
- سویطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، تحقیق رجاوب خضر حاکوی، مؤسسة مزالدین، بیروت، ۱۳۹۷ق.
- شمس الدین شامی، سل الهادی و الزاد فی سیرة غیر المشاء، تحقیق عادل محمد عبد الموجود و علی محمد معزی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، الملل و النحل، تحقیق محمد بن فتح لله مؤذنداری، منشورات شریف الرضی، قم.
- شیخ الاسلام، ابن مقدسی، محمد بن الزاهد، الاحادیث المختارة، تحقیق عبد الملک، بن عبد الله دعینتی، مکتبة العیفة الحدیث، مکة، ۱۴۱۰ق.
- طباطبائی، سید عبد العزیز، القندیر فی التراث الاسلامی، دار البیروت العربی، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- طریسی، فضل بن حسن، مجمع بیان فی تفسیر القرآن، تحقیق سید هاشم رسولی معلائی و سید فضل الله زیدی طباطبائی، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- تصویر امامان شیعه، ص:۹۳

معاویه نسی‌الجماد، و حال آن‌که:

اولاً بعت بر اساس کتاب و سنت صورت گرفته و به دلیل اینکه همه چیز در این دو جمع می‌شود امام علیه التلام شرط جنگ را که از سوی طبع مدعیهوده دانسته آن را رد کرد بنابراین، گزارش بلاذری که مردم سوگند خوردند تا در جنگ و مسلح او را همراهم کنند با گزارش بلا-سازگاری ندارد. بر فرض صحت گزارش مزبور نیز مردم از این سخن متنبه نشده‌اند بلکه عمده‌ای که اختلاف را خارج بوند- گفتند:این سخن را بنگفت مگر به این دلیل که هوای صلح با معاویه را در سر دارد. ۴۱- نویسنده دقیقاً همین سخن را در قالب سؤال و شبهه مطرح کرده و نشان داده که چگونگی بعت تأثیر سخن این گروه واقع شده است. اما حقیقت این است که دلیل طرح این موضوع از سوی امام جعین علیه التلام، یعنی بیعت گرفتن از مردم(آنجهان‌که بلاذری می‌گوید)ا بر اساس چنین شرطی

۱۱) ترجمه مدخل، ص ۹۹ از همین کتاب.

۱۲) احمد بن یحیی بلاذری، اسباب الانصار، ج ۳ ص ۲۹۹

تصویر امامان شیعه ص:۱۲۲

ابن‌شیراز جنگ و صلح را، این گمان خواجه، با این شبهه نویسنده توده است: بلکه امام جعین علیه التلام می‌خواست این بنابر هرگونه پهنه‌ای را از دست مردم و به ویژه خواجه، بگذرد تا در حسیاس‌ترین موقفت، حوادثی چون ولع‌ا صلبن نکرار نشود امری که سرانجام باز هم از سوی خواجه نکرار شد و امام رد همدانه امیر مومنان علیه التلام به دلیل ابشیر صلح تحلیلی تکثیر کردند و بر او خنجر زدند

ثانیاً، گزارش تاریخی گروه آن است که امام حسن علیه التلام هر چند در ابتدا از معاویه خواست تا بعت او را بپذیرد و در صلح درآید و خون مسلمانان را نرود پس از اینکه نامه‌ها و هیجتهایش اثری نتخشد و پاسخیهای معاویه نشان از سرکشی داشته و نیز مشاهده کرد که وی جاسوسان خود را به بصره و کوفه فرستاده است، برای سرکوب او برخاست و مردم را به جهاد با معاویه فراخواند ۱۱

ثالثاً، سخنرانی امام جعین علیه التلام، که سبب تعجب و بدگمانی عمده‌ای شد، به نخستین روزهای خلافت او بازن نمی‌گردد بلکه چنان‌که خود در مورد ارائه اداه کرده این سخنرانی به سیاق مدعان مربوط است. هرچند اصل این سخنرانی نیز، خود، جای تأمل و کاوش دارد

رابعاً نویسنده شافعه و دلیلی برای این مدعا نمی‌آورد که تئوری جعلی هزار تفری امام حسن علیه التلام به اعتقادات سیاسی خویش سرخاسته پاینده بوده باشند، تا بتواند نامدل امام را به صلح با معاویه مجبور بدارد. در عرصه خود باید از این مطلب را- حتی پس از چند گفتو- نقلی کرده و تلاطمی بر بی‌ثباتی بلکه عجزات آنان مطرح ساخته است: مانند پاسخ ندادن گویان پس از دعوت امام به جهاد با معاویه، و نامتگاری سران قباذل با معاویه برای ادان گرفتن. شمار لشکر امام نیز قابل قبول نیستند زیرا چنانچه جعلی هزار نفر حاضر به

۱۱) ابو الفرج اصفهانی، مقاتل الظالمین، ص ۳۳

تصویر امامان شیعه ص:۱۲۳

نیز در بحث هنگامی که امام آنان را به جهاد با معاویه فراخواند، به یا می‌خواستند، درحالی‌که به نوشته اغلب مورخان حتی یک نفر ندای امام را پاسخ نداد. این رقم بر گرفته از گزارش است که می‌گوید در آخرین لحظات خلافت طعی علیه التلام، جعلی هزار نفر برای امر با معاویه آماده شده بودند، و نشود که همین تعداد نیز در رکاب امام حسن علیه التلام حاضر بودند. حال آنکه اصل خبر دروغ آرزوی امام این شبهات زری است که در ادامه به او خواصم پرداخت. جعل چنین آماری با توجه به آنکه فرماندهی این تعداد را قیس بن سعد بن عباده بر داشته، بدان جهت است که راوی امر از دره سیامت امام حسن علیه التلام و قس را دوگانه نشان دهد. وی حتی تصریح می‌کند که امام جعین علیه التلام علیه خولاف قس، خواصام صلح با معاویه و تکب امتیاز او را برای خود توده است. او همین روزی، با آنکه مورخان مانند ابو الفرج، شمار افراد را همان روزده هزار نفر دانسته‌اند، نویسنده تحت تأثیر گزارشات دروغی، بوسمه بر اساس این روایات همان اهداف اخبار ساختگی را یی می‌جوید.

۲- نویسنده از امام قس بن سعد بن عباده را به همراه عبد الله بن عباس، در مقام مشاور نظامی او، در جهت تصمیم از پیش گرفته امام حسن علیه التلام بر صلح با معاویه می‌شمارد و می‌گوید: امام خورسته است قس را که شایسته گروهی جان بر کف بود از مواضع خود دور سازد، این تحلیلی بسیار دقیقانه و خلاص واقع و درست و موکس تحلیلی نویسنده، با تحلیلی است که وی به ظری نسبت داده است. این، همان جهت‌گیری کلی نویسنده در این مقاله است که می‌خواهد عامل اصلی صلح را تصمیم شخصی امام حسن علیه التلام و نه عوامل تئوری معرفی کند.

چنان‌که باز در همین باب، بدون هیچ مقدمه‌ای بیان می‌دارد که امام در سیاق مدعان نیز سخنانی گفت که موجب تراضی بارش شد.

نمی‌توان از نویسنده انتظار داشت که از نگاه یک شیعه و حتی یک مسلمان به

تصویر امامان شیعه ص:۱۲۴

حوادث خلافت امام حسن علیه التلام بگذرد، اما او می‌بایست از منظر محققان آزاد و بی‌طرف مسلط را تحلیل می‌کرد؛ زیرا اولاً چنانچه عجزات عبد الله و سیاه هشت هزار تفری او را در نظر می‌گرفت و اضاف می‌داد، نه تنها چنین تحلیلی ارائه نمی‌کرد با تحلیل ظری را به نقد می‌کشید؛ بلکه به هوش و ادراک سیاسی امام اعتراف می‌داد می‌تپجه می‌گرفت که اموم قس با توجه به حساسیت موقعیت، برای فرمت کامل از اوضاع ضرورت داشته است زیرا با شناختی که از او داشت و صداقت و سرسختی و راسخ بودن وی در دفاع از امام وفاداری به او احتیاط کامل داشت. این تحلیل نه تنها مخالف نظر نویسنده است، که نشان‌دهنده مرم امام جعین علیه التلام بر جهاد با معاویه و رسیدن به هدفی است که برادر بزرگوارش علی علیه التلام در پی آن بود.

ثانیاً، ظری چنین نظری بیان نکرده است. این تحلیل، روایتی است که ظری نقل کرده و چنانچه نویسنده محترم به سنت روایات ظری توجه می‌کرد، می‌بافت که این خبر دروغ محض یا دست‌کم کوفه‌فیل احماده است، و حتی بر اساس اصول حدیث اهل سنت باقرینی نیستند زیرا ظری این خبر این شبهات زری است، ۱۱- که دشمنی اهل بت مطهوم التلام و دوستی و پیوند با امویان مشهور است. چنین روایتی به این دلیل که راوی در جعل آنها انگیزه دارد، از نظر اصول حدیث بی‌طرفه نیست.

سخنرانی امام در سیاق مدعان نیز که نویسنده بدان اشاره کرده است، هرچند شیع مند و برخی دیگر از منابع تاریخی آن را نقل کرده‌اند، صحیح به نظر نمی‌آید زیرا لشکری که ابتدا با او تپهیا و سخنرانیهای امام حسن علیه التلام و عدی بن حاتم برای جنگ با معاویه بیرون آمده پیش از هر چیز نیازمند امید به پیروزی

۱۱) محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵ ص ۱۵۸

تصویر امامان شیعه ص:۱۲۵

است، نه سخنانی که پوری باس و تسلیم دهد. این سخنرانی به هیچ وجه با آن همه ترپهیا سازش ندارد.

بر فرض صحت این خبر نیز بیان نویسنده محترم ناقص است؛ زیرا همان مباح از جمله شیع مدعی تصریح می‌کند که انگیزه اصلی امام حسن علیه التلام از اراده چنین سخنانی امتحان اران خود و آشکار ساختن نیتهای واقعی آنان بود است.

با توجه به این مطالب، به نظر می‌رسد مطالبی در این گزارشها از قلم افتاده است. بطوری این افتادگی را بیان کرده است. وی می‌نویسد:

وقتی امام حسن علیه التلام به سیاق مدعان وارد شد، معاویه گروهی را به ریاست مفره بن شعبه برای پیشنهاد صلح به سوی امام روانه کرد.

آنیان امر از نزد امام بیرون آمده‌ند، برای تحریک خواجه و ایجاد اختلاف در سیاه، به گروه‌ای که مردم پشتونند گفتند: خدا به وسیله فرشتی پیامبر سلفی الله علیه و آله خون مردم را حفظ کرده و فقه را آرام ساخته و او صلح را بپذیرفت.

بعقوبی می‌گوید: با این سخن سیاه مضطرب شد و مردم در راستگویی آنان تردید نکرندند، و در نتیجه به پار و به امام حاضر شدند. ۱۱

به این ترتیب آشکار می‌شود که بدگمانی آنان به امام، و در پی آن حمله و وی متأثر از شایعات و توطئه معاویه بوده است ولی نویسنده گزارشات مربوط به اموم نشانگان معاویه را پس از معرفی حمله به امام آورده است. او در اینجا تحت تحت تأثیر اخبار ساختگی- می‌نویسد: مذاکرات میان امام و معاویه به نتیجه رسید؛ مذاکراتی که از پیش، با مردم مختلف امام حسن علیه التلام، آغاز شده بود. ۱۱

با صرف نظر از اینکه مذاکرات پیشین کجا صورت گرفته و چه کسی چنین

۱۱) احمد بن وافص، تاریخ بعلبوع، ج ۷ ص ۲۱۵

۱۲) ترجمه مدخل، ص ۱۰۲ از همین کتاب.

تصویر امامان شیعه ص:۱۲۶

مطلقاً تا گفته است، این گروه تاریخ‌نویسی را باید رونویسی تاریخی نامید، نه تحقیق تاریخی. حتی این نوشته را نمی‌توان رونویسی تاریخی نامید؛ زیرا اگر نویسنده به اخبار دیگر نیز نظری می‌انداخت، دست‌کم در کنار این مطلب بیان می‌داشت که اخبار دیگر نیز گویای همراهِی و موافقت با صلح امام حسن علیه التلام با سیاستهای برادر خود بوده است. ۱۱

شرایط توافق صلح

همان‌گونه که نویسنده توانسته بود در بخش حوادث پیش از صلح، اخبار ساختگی را از اخبار صحیح تمیز و تشخیص دهد، در این بخش نیز تأییدی نویسنده از اخبار ساختگی کلاً نمایان است. او به گروه‌ای به شرایط صلح پرداخته که تنها چیزی که امام حسن علیه التلام را به صلح واداشته، نه مشکلاتی بوده که او را به اینجا کشانده، بلکه تنها دستایی به درآمدی برای خود بوده، و با وجود این، شمار هم ضرورت شده و شبیمان بوده که چرا امتیازهای بیشتری از معاویه نگرفته است. از این‌روی تنها چیزی را که به عنوان شرایط صلح مطرح کرده و نقل از افرادی نگرفته است، موضوع یک میلیون درهم مستثنی برای خود و پنج میلیون غرامی است که باید از خزانه کوفه برداشته می‌شد.

نویسنده برای اینکه پهنه‌اشتهای خود را توجیه کند، شرایط مهمی را که در مباح تاریخی برای صلحانه نقل شده است، در ساخته گشایی می‌شمارد که کوشیده‌اند اقتضاد وارد بر امام حسن علیه التلام را کاهش دهد و نشان دهند با مشکلات خاص و بزرگی روبه‌رو بوده و بر دیدگاه خویش (خلافت برای خود و جنگ با معاویه) پارتجا بوده است. ۴۱.

۱۱) در نقد مدخل امام حسین علیه التلام از همین نویسنده، به این موضوع پرداخته می‌شود.

۱۲) ترجمه مدخل، ص ۱۰۲ از همین کتاب. تصویر امامان شیعه ۱۲۷ شرایط توافق صلح ص...: ۱۲۶

تصویر امامان شیعه ص:۱۲۷

این مطالب نشان می‌دهند که چگونه نویسنده می‌کرده تا ابشیر صلح را خواست نخستین و حقیقی امام حسن علیه التلام جلوه دهد؛ درحالی‌که مطالبی که خود او درباره فرار فرماندهان و انصار و سوی معاویه و امامان گرفتن او و تأیید تأییدی سیاه از شایعات جاسوسان معاویه و جدایی خواجه از امامت و قصد زور آن حضرت مطرح می‌کند عطف بخلاص است بر جهت گیریها و تصورات او.

نویسنده مدعی است امام به این دلیل که امتیازات بیشتری در صلحانه قید نکرده بود تأسف می‌خورد است. اولاً نویسنده هیچ منبع و مأخذ تاریخی برای این مدعی خود مطرح نکرده است؛ ثانیاً، تأسیف در صورتی جای داشت که طرف مقابل به اجرای شرایط پاینده بود باشد؛ اما وقتی معلوم هنگام ورود به کوفه اعلام می‌کند که تمام صلحانه زیر پای من است، چنین تأسفی معنا ندارد؛ ثالثاً، نویسنده با ابشیر فرض ساختگی بودن گزارشهای ناظر بر شرایطی که مورخان به مزک مقام صلحانه، مطرح ساخته‌اند، چنین ادعایی کرده است؛ در حالی‌که کوچکترین دلیلی بر صحت این مدعای خود ارائه نداده است.

از جمله شرطهای صلحانه، که نویسنده مدعی ساختگی بودن آن است موضوع تکلیف خلافت پس از معاویه است. معاویه باید قدرت را پس از مرگ خویش به امام حسن علیه التلام بازگرداند. دلیل نویسنده بر جعلی خواندن این شرط آن است که ایاده جانشینی تا آن زمان هنوز مطرح نشده بود، و به همین دلیل امام علیه با مشکلاتی مواجه بود تا بتواند این ایده را به جامعه مسلمان بپوشاند. او همین‌روی، معاویه از جانب خود معهدی به گردن گرفت. ۱۱

در این‌باره نخستین مطلبی که باید روشن شود این است که چنین شرطی را مورخان نقل کرده‌اند؛ ۱۱، و حتی این عبد الله احمال بر وجود چنین شرطی را مدعی

۱۱) همان.

۱۲) احمد بن اعظم کوفی، الفرج، ج ۱، ص ۱۵۸، احمد بن یحیی بلاذری، اسباب الانصار، ج ۳ ص ۱۲۶، ابن ابی الحدید، شرح

نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۲۱ این عبد‌الرب‌الاستیجاب، ج ۱، ص ۲۲۸، ۲۲۹.

تصویر امامان شیعه، ص:۱۲۸.

شده است. ۱۱) تأیید حتی اگر امام حسن علیه التیلاچ چنین شرطی را مطرح نکرده باشد، تصریح شده که عبد الله بن نوفل یا خود معاویه آن را مطرح ساخته است. که این امر خود مخالف نظر نویسنده است. که گویا می‌خواهد بگوید شیعیان برای کماغت انتقادات بر امام حسن علیه التیلاچ چنین شرطی را مطرح کرده‌اند.
تأییداً، گویا بموضوع برای نویسنده کاملاً خط شده‌است چرا که ایبه نعیین جانشین، پیش از امام حسن علیه التیلاچ سابقه داشته است. ابو بکر صر را پیش از مرگش جانشین خود اعلام کرده صر تعیین خلیفه پس از خود را به شورای شش نفری واگذار کرد؛ امام علی علیه التیلاچ فرزند خود را جانشین خود معرفی کرد. اموموسی که بدان اشاره خواهد شد؛ متکل معاویه، حا ناخداخت این ایده میان مسلمانان یزیده است؛ بلکه برعکس تصور نویسنده، که این شرط را ساختگی دانسته، دلیل به شهادت رساندن امام به دستور معاویه و با مباشرت جعده همسر امام، همین شرط بوده است؛ زیرا تا امام زنده بود، معاویه نمی‌توانست خلافت پس از خود را به پسرش یزید انتقال دهد. در مرحله بعد، متکل معاویه شخص یزید بود که بر روی هسق و شرانخوار بود و با وجود بزرگان بنی هاشم از جمله امام حسن علیه التیلاچ و دیگران طرح جانشینی یزید طرحی بسیار مضحک می‌سود. آنچه تا آن زمان سابقه نداشته و نویسنده درباره آن غلط کرده است، در حقیقت دلیل خلافت به امواتوی قیصری و کسریای بود. معاویه می‌خواست خلافت را به صورت انحصاری و موروثی درآورد، و بدون اینکه فرزندانش شرایط لازم را داشته باشند، و یزید بدون شرایط مردم و به هر شکل ممکن او را بر کرسی خلافت بنشاند. این ایده‌ای بود که در جامعه مسلمانان سابقه نداشت.

نویسنده نقل دیگری را که برای تعیین خلافت حتی به صورت شورای میان

۱۱) این عبد‌الرب‌الاستیجاب، ج ۱، ص ۲۲۹.

تصویر امامان شیعه، ص:۱۲۸.

مسلمانان که در برخی منابع از مفاد صلحنامه نقل شده، ۱۱) با این نکته ره کرده است که معاویه در فکر جانشینی پسرش نبود و نمی‌توانست هم باشد. ۱۲)

نویسنده با معاویه را شناخته و با نا بر اجتهادات می‌دلی خود گذاشته است؛ زیرا آنان که با معاویه و حزب اموی ادگی آشنایی دارند، می‌دانند حکومت او از آن خود می‌انستند. او سفیان پس از به خلافت رسیدن عثمان در تعیین امویان، که عثمان نیز در آن حاضر بود، گفت: دیگر نگذارند این گوی خلافت از دستان آن خارج شود. ۳) معاویه نیز در وصیت خود به فرزندش حلف اصلی خود را آشکار ساخت؛ او نوشته بود تمام گوندگان حزب را برای پذیرش خلافت او به زیر نداشت. است. ۴) معاویه

یست سال گوید؛ تا حکومت او برای خود و خاندانش مستقر کند.

امام حسن علیه التیلاچ - که نویسنده می‌گوید از هوش براهی نداشت- با شناخت کامل معاویه و امویان، به خوبی می‌دانست که یست سال دیگر، معاویه پس از خود پسر شرانخوارش را بر کرده مسلمانان خواهد فرستاد. واپستی مستی در تاریخ رخ جای می‌گذاشت تا خیانت چنین کسی که خود را حاکم و خلیفه مسلمانان می‌دانستند، برای آیندگان آشکار شود. اتفاقاً با توجه به گزارش سیاسی- مذهبی مردم و آگاهی خلافت به ثورا آستان‌ترین راهی بود که امام حسن علیه التیلاچ می‌توانست به مدد آن بهانه را از دست معاویه بگیرد.

شرط دیگری که نویسنده آن را ساختگی دانسته است، عدم وصل به کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره خلفای صالح است. بر اساس تصور نویسنده به این دلیل که نیکو اخیر این شرط محکوم کردن سیره عثمان، معاویه نمی‌توانست آن را پایزود. ۱۵)

۱۱) احمد بن اطم کوفی، الفتح، ج ۴، ص ۱۵۹.
۱۲) ترجمه مدخل، ص ۱۰۳ از همین کتاب.
۱۳) محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۲۸.
۱۴) همان، ج ۸، ص ۱۱۵۱ این ابی‌الحسن، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۳.
۱۵) ترجمه مدخل، ص ۱۰۳ از همین کتاب.

تصویر امامان شیعه، ص:۱۲۸.

معاویه با توجه به اوضاعی که برای امی و سیاه عراق پیش آمده بود، می‌توانست با اندکی فشار نظامی، امام حسن علیه التیلاچ را شکست دهد و عراق را تصرف کند؛ اما او می‌خواست با صلحنامه و شرطهایی به حکومت خود وجهه قانونی بخشد. پس چرا شرایطی را که می‌دانند بدانها عمل نخواهد کرد می‌پایزود؟ او با وجوده تلاشهای طولانی برای دستیابی به خلافت، شرط واگذاری خلافت پس از خود را به ثورا پذیرفته بود، و حتی در مرحله نخست، بر که سفید امضا شد؛ای را برای امام فرستاد تا هر شرطی را که می‌خواهد تعیین کند. ۱۱) بر این اساس، چه مامی نارد که یکی از مفاد صلحنامه، صل به سیره خلفای صالح باشد؟ ۱۲) معاویه می‌توانست بر اساس عدم تصریح به این خلیفه صالح، بزمع خود عثمان را مصداق این ماده بداند، هرچند هرچنان چنین تصور می‌توانست بداند.

شکایتک دیگر و البته بسیار مهم نویسنده، درباره مفاد صلحنامه به پرداخت دو میلیون درهم به امام حسن علیه التیلاچ باز می‌گردد، که وی مدعی است این ماده بدان سبب ساخته شده که نشان دهد امام حسن علیه التیلاچ به فکر راندرش بوده است؛ روشن نیست که هدف نویسنده از این نقد چیست. اگر هدف وی این است که امام حسن علیه التیلاچ به دلیل مخالفت امام حسین علیه التیلاچ با صلح خوراست او را پرداخت این وجه آرام و مقاعد سازد، بسیار به خطا رفته است. (چنان‌که این موضوع در بخش نقد مفاد صلح امام حسن علیه التیلاچ توضیح داده خواهد شد.) برخی محققان اساساً شرط پرداخت مالی چه به امام حسن علیه التیلاچ و چه بطور کلی به بنی هاشم و حل مقدم آنان بر بنی امیه، را رد کرده‌اند؛ اما نه بدان دلیل که نویسنده مطرح کرده است، بلکه به این دلیل که اولاً، به سبب جهت‌گیری سیاسی این شرط است که می‌خواهد بگوید صلح امام حسن علیه التیلاچ برای کسب امور دنیوی بوده است؛ ثانیاً، گزارش تاریخی دیگر تصریح می‌کند که طرح این شرط از سوی عبد الله بن

۱۱) احمد بن یحیی بلاذری، اسباب الانزاع، ج ۳، ص ۲۸۶.

تصویر امامان شیعه، ص:۱۲۸.

توفل بود و وقتی امام حسن علیه التیلاچ این موضوع را شنید فرمود: معاویه نمی‌تواند در بیت‌الئال مسلمان تعهدی را برای من پایزود. شاهد اینکه چنین شرطی در میان یزیده آنکه مسلمانان بر سرده خزامی در اعتراض به امام گفتند چراسمی ری خود در عطا قرار نداده است. ۱۱)

نویسنده پس از موضوع انعقاد قرارداد صلح، ماجرای توطئه معاویه برای خریدن عبد الله بن عباس و عیادت وی و پانصده شدن

هشت هزار نیروی تحت امر او به معاویه با مطرح کرده است. ۱۲)

نویسنده با نوشتن ترتیب حوادث بدین‌گونه، در حقیقت همان نفسی را ترسیم کرده که معاویه به مدد شایعات توانست برای

فروپاشی سیاه امام پایید آورد. این شایعات به صورت روایت تاریخی در منابع متعکس شده است.

بیان حوادث بدین ترتیب، به معنای خوراست صلح از سوی امام است بدون اینکه از سوی نیروهای او مشکلی پیش آمده باشد؛ زیرا حتی اگر عبد الله بن عباس و نیروهای او پانصده شده‌اند؛ اولاً، در اصل پذیرش صلح تأییدی نداشته است. و ثانیاً، مسیب اصلی این واقعه همان صلح زود هنگام بود است.

حیات عبد الله و نیروهای او پیش از انعقاد صلح صورت گرفته است.

بلاذری می‌نویسد:

وقتی معاویه در افریقه امر نیروهای عبد الله فرود زد، عبد الرحمن بن سمره را دو بار نزد عبد الله فرستاد که به او بگوید امام حسن علیه التیلاچ با او صلح کرده است، و سرانجام معاویه وی را فریبید. این فریبش نبود؛ زیرا ۱) موضوع خیانت عبد الله پس از معاهده صلح رخ داده باشد، دیگر جلب نظر عبد الله از سوی معاویه وجهی نداشت.

۱۱) رسول جعفریان، تاریخ خلفای ص: ۳۸۲.

۱۲) ترجمه مدخل، ص ۱۰۳ از همین کتاب.

تصویر امامان شیعه، ص:۱۲۸.

بر اساس نقل ابو الفرج اصفهانی و بلاذری معاویه پس از خیانت عبد الله و نیروهایش، و پس از آنکه نتوانست قیس بن سعد را نیز فریبده حتی به سوی امام حسن علیه التیلاچ فرستاد تا پیشنهاد صلح را پایزود. ۱۱) این موضوع کاملاً آشکار می‌سزاد که معاویه تنها برای فریب عبد الله چنین دروغی گفته و این امر به همین گونه در منابع تاریخی راه یافته است.

قیس پس از فرار و خیانت این نیروها به امام حسن نامه نوشت و موضوع را با ایشان در میان گذاشت. امام حسن علیه التیلاچ نیز در سخنرانی خود که پس از آن با معاویه اعلام کرد که مردم خیز نداد که سیاه او به وی خیانت کرده و به معاویه پانصده شده است. ۱۲) نویسنده، به انجمن شیعیان اشاره می‌کند که پس از گذشت چند سال از صلح، ناخوفی خود را از امام به دلیل عدم دریافت تعهد کتبی در معاویه افراز کرده؛ تعهدی که بنابر آن خلافت را پس از مرگش به امام حسن علیه التیلاچ واگذار می‌کرد.

پیش‌تر به استناد منابع تاریخی بیان شد که موضوع واگذاری خلافت به ثورا یا به امام حسن، در صلحنامه آید است. بنابرین چنین گزارشی درست نیست.

برعکس، بنابر روایت دیگری، شیعیان پس از چند سال به خطای خود و صحت بیاسات امام مجتبی علیه التیلاچ درباره صلح اعراف کرند. ۳)

آخرین موضوهی که نویسنده درباره صلح مطرح کرده، عوامل پذیرش صلح است.

اما در اینجا نیز بر اساس همان تیغیات و شایعات معصر امام که در منابع تاریخی راه یافته و نویسنده آن آنها تأیید پذیرفته است، نخستین و مهم‌ترین انگزه و عامل، علاقه امام به صلح و آرامش و بی‌میلی به سیاست و مداخلات مربوط به آن دانسته شده است.

توضیح در این‌باره و بطلاظ نظر به نویسنده در قسمت اول بیان شد.

۱۱) احمد بن یحیی بلاذری، اسباب الانزاع، ج ۳، ص ۲۸۶، ابو الفرج اصفهانی، مقاتل القاسمین، ص ۲۴-۲۳.

۱۲) احمد بن اطم کوفی، الفتح، ج ۴، ص ۱۵۷.

۱۳) ابو حنیفه دینوری، الاخبار الطوال.

تصویر امامان شیعه، ص:۱۲۸.

مهرسان امام حسن علیه التیلاچ

یکی از اهداف تاریخی که امویان و عباسیان با هدف خدشه‌دار کردن چهره سیاسی و مذهبی امام مطرح ساختند موضوع مهرسان امام حسن علیه التیلاچ و خلافتی بیسته آنان است. این اتهامات به وسیله شایعات و با کمک مورخان همسو با امویان و عباسیان، آن قدر در جملعه پرکنده شده بود که برخی از منابع شیعه دا نیز تحت تأثیر قرار داده است.

بر این اساس، شیعیان است مستثنی چون ولری، که دیدگاهی کاملاً علوی و بلکه متأثر از صلح اولی سواد تود، اهداف مورخان اموی و عباسی را تکرار کند. او می‌گوید: امام حسن از صلح، زندگی توأم با قلباً شیوی داشته و پرابدا مهرسان خویش را طلاق داده و دوباره ازدواج کرده است؛ به گونه‌ای که مطلقاً خزانده می‌شده است. نویسنده شمار زنان امام را هشت، هفتاد یا نود همسر دائمی و بیستد یا چهار صد همسر عمه دانسته است؛

این اتهام نیز از جمله شایعات برداشاری است که امویان و عباسیان برسانخته‌اند، و در منابع اعلی سنت و حتی پاره‌ای منابع شیعی راه یافته است.

در این‌باره باید به متنا این هشت و منابع مربوط به آن پرداخت.

الف) متنا این اتهام، هم امویان و مورخان همسو با آنان، هم عباسیان، بیابان اصلی این اتهام‌اند. بنابر نقل طبری و مسعودی، نخستین بار تصور عباسی برای تحقیر مسادات حسنی این هشت را در میان مردم شایع ساخت. وی پس از دستگیری عبد الله بن حسن، در برابر انبوه مردم سخنرانی کرد و پس از دشنامها و بدگوییها و هتاهات بسیار در حق علی علیه التیلاچ و امام حسن علیه التیلاچ، به انگیزه خلافت از سوی امام مجتبی علیه التیلاچ به معاویه اشاره کرد و گفت: به خدا سوگند که او مرد نبود، وقتی اموال او را هر فرقه شد آنها را پذیرفت. معاویه با بی‌تنگی به او وعده داد که ولعقبش می‌کند، و بدین ترتیب او را بر کار ساخت.

تصویر امامان شیعه، ص:۱۲۸.

و همه چیز وی را گرفت و همه کارها را به او واگذارده و به زینان روی آورد. او امروز با یکی ازدواج می‌کرد و فرود دیگری را طلاق می‌داد و همچنان بدین کار مشغول بود؛ این‌که در بیشتر مرد. ۱۱)

ب) منابع این اتهام، شمار مهرسان و موضوع طلاق آنان در منابع اعلی سنتش، و پس از آن در برخی منابع شیعه به سه منبع تاریخی باز می‌گردد:

۴۰

۵.توسنده از طبقات ابن سعد نقل کرده که امام حسن علیه السلام به دلیل دست داشتن محمد بن ابی بکر در قتل عثمان او را قاتل می‌خواند. ۴۰

ابن یعلی موصلی، مستند ج ۱، ص ۳۵۵ این جنان، صحیح، ج ۱۵، ص ۴۱۳،۴۱۱، طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۳، ۲۲۷ و ج ۱۹، ص ۱۲۲.
(۱) شرح نوح البلاغ، ج ۱۶، ص ۱۳.
(۲) ترجمه مطبوع ص ۹۹ از همین کتاب.
(۳) ابو الشیخ انصاری، طبقات الصحابین، اسبستان، ج ۱، ص ۱۹۱، محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۲۶، ابو نعیم اسیطانی، ذکر اخبار اسبستان، ج ۱، ص ۳۳ این طبرونه، العمیر – (تاریخ ابن بطرول)، ج ۱، ص ۵۳
(۴) ترجمه مطبوع، ص ۹۸ از همین کتاب.
تصویر امامان شیعه ص:۱۴۰
این ادعا برخاسته از برداشت نادرست و آتاشناسی توسیسته با تعبیر احسن، در انسان بحمدالله و مورخان است. وی تصور کرده منظور از آن، امام حسن علیه السلام است، درحالی که مراد ایشان حسن بصری (م ۱۱۰) است که اغلب او به احسن، تعبیر می‌کنند، و در روایت ابن سعد، ابو الانسب از او این مطلب را نقل کرده است، و همچنان که ترجمه‌وسان تصریح کرده‌اند ابو الانسب جعفر بن خیان عطاردی بصری (م ۱۹۵) راوی احادیث حسن بصری است. ۱۱۰. البته چنین توسیسه‌گانی که تحت تأثیر اخبار اموی می‌خوانند امام حسن علیه السلام را به گزینهای موافق یا دشمن، یا حتی مانند حسیب، ایشان را دشمنی مذنب جلوه دهند، ممکن است فشارهای هجولاه و دور از وقت و تأملی مانند این نمونه داشته باشند.
۶.توسنده می‌گوید: عبد الله بن عباس برآمد و با به پیمت با امام حسن علیه السلام دعوت کرد. ۴۰.
هرچند بر برخی گزارش‌ها چنین آمده است، بنابر روایت مشهور عبد الله بن عباس صحیح است. ۴۱. از نظر جایگاه علمی و اجتماعی عبد الله و تربیت برآمد به پیمت با امام نو همین روایت مشهور صحیح می‌نماید. به نظر می‌رسد روایاتی که عبد الله بن عباس را نقل کرده‌اند، در پی آن‌اند که بر اساس برخی روایات ساختگی بگردند این عباس، که پیش از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام امروا، بصره و زبردشت و از امام جدا شد، در زمان خلافت امام حسن علیه السلام حضور نداشته است. ۴۱

(۱) بخاری، تاریخ الکبیر، ج ۲، ص ۱۹۹، ابن ابی حاتم رازی، المعرج و التعديل، ج ۲، ص ۴۶۶، میزان الامتداد، ج ۱، ص ۴۰۵ این جعیر سملانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۵۱۱
(۲) ترجمه مطبوع، ص ۹۹ از همان کتاب.
(۳) ابو الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۳ شیخ مفید، الارشاد، ج ۶، ص ۸، نقل بن حسن، اعلام الزوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۴۰۷، اربلی، کشف الغطاء، ج ۱، ص ۱۵۶.
(۴) بنگرید: محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۵۸.
تصویر امامان شیعه ص:۱۴۱
۷.توسنده درباره دربار داراب جرد زبید داشته که از زنا است یا اغوا؟ ۱۱۰. در حالی که آشکار است که این شهر از فارس است نه خوزستان ۴۱.

۸.توسنده به روایت منسوب به پیغمبر منسلی الله علیه و آله اشاره می‌کند که ایشان صلح میان دو گروه از مسلمانان به دست امام حسن علیه السلام را پیش‌بینی می‌فرماید. ۴۱. اما برخی محققان درباره این روایت زبید برآ داشته‌اند. ۴۱.
۹.توسنده مدعی است امام حسن علیه السلام چون مؤمنان داشته که چه کسی او را مسوم کرده و خوارست و این امراس خون بی‌گناهی ریخته شود از کرم قاتل خوداری کرد. توسنده این توضیح را در نقد روایاتی آورده که به صراحت بیان داشته‌اند.
اجدهت بت اشعیه یا توپته معاویه او را مسوم کرده است. ۴۱.
این بیان صحیح نیست؛ زیرا هرچند موضوع مؤمنان یا اشاره در برخی روایات مطرح شده است، بنابر روایات قابل توجهی، امام نه تنها در این باره مؤمنان نداشته، بلکه قاتل خود را نکلا می‌شنخته و به برداش امام حسن علیه السلام مومند: من می‌ملم چه کسی مرا مسوم کرده و آشخور این توپته از کجا و چه کسی است. ۴۱.
۱۰.توسنده، امام حسن علیه السلام را یکی از خصمیتهای اصلی در نمایشهای مذهبی ایران (عرب) دانسته است. ۴۱. آشکار است که امام حسن علیه السلام از خصمیتهای اصلی در تعبیه است، نه امام حسن علیه السلام.

(۱) ترجمه مطبوع، ص ۱۰۶ از همین کتاب.
(۲) بگری، المعجم با استنبیح ج ۲، ص ۱۶۸، باقرات حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۱۹.
(۳) ترجمه مطبوع، ص ۱۰۵ از همین کتاب.
(۴) ر. ک. عالم معروف الحسینی، سیرة الائمة الاثنی عشره، ج ۱، ص ۵۲۷-۵۳۰.
(۵) ترجمه مطبوع، ص ۱۰۵ از همین کتاب.
(۶) شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۷، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۰۲، قتال زینبیدری، روضة الواعظین، ص ۱۱۳۷، اربلی، کشف الغطاء، ج ۱، ص ۲۰۸، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۵۶.
(۷) ترجمه مطبوع، ص ۱۰۸ از همین کتاب.
تصویر امامان شیعه ص:۱۴۲

منابع و ماخذ

» نوح البلاغ.

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن محمد، شرح نوح البلاغ، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم اسماعیلیان، قم.
۲. ابن ابی حاتم، عبد الرحمن، المعرج و التعديل، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۱.
۳. ابن ابی شیبه، عبد الله بن محمد، المصنف فی الاحادیث و الآثار، تحقیق سعد محمد النعمان، دار الفکر، ۱۴۰۹.
۴. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، زاد السیر فی علم الکبری، المکتب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۲.
۵. ابن حبان، محمد، کتاب الثقات، جلد ۱، آید دکن، ۱۳۸۸.
۶. ابن حجره احمد بن علی، لسان المیزان، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۸.
۷. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت.
۸. ابن سعد، محمد، ترجمة الامام الحسن علیه السلام، تحقیق السید عبد الغزیز الطاطبائی، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از محققان، مطبعة الجواریر، نجف، ۱۳۲۷.ق.
۱۰. ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله، الاستیجاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق علی محمد معوض و عدان احمد عبد المجید، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵.
۱۱. ابن سهارک، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۷.
۱۲. ابن قتیبه، ابو محمد، عبد الله بن مسلم، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، دار المعارف، قاهره.
۱۳. ابن کثیر، اسماعیل، البداية و النهاية، تحقیق احمد ابو محلم و دیگران، دار الکتب العلمیة، بیروت.
۱۴. ابن ندیم، ابو الفرج محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقیق رضا نعد.
۱۵. ابو الفرج اصفهانی، علی بن الحسین، الاغانی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۷.
۱۶. ابو الفرج اصفهانی، علی بن الحسین، مقاتل الطالبیین، دار الکتبای، قم، ۱۳۸۵.
تصویر امامان شیعه ص:۱۴۳
۱۷. ابو حنیفه یدوری، احمد بن داود، الاخبار الطوال، تحقیق عبد الصمیم عامر، دار احیاء الکتب العربیة قاهره، ۱۹۶۰.
۱۸. ابو حنیفه یدوری، احمد بن داود، الاخبار الطوال، تحقیق عبد الصمیم عامر، منشورات الرضی، قم.
۱۹. احمد بن حنبل، مسند، دار صادر، بیروت.
۲۰. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغطاء فی معرفة الائمة، دار الاحیاء، بیروت، ۱۴۰۵.
۲۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، تاریخ الکبیر، به کوشش عبد البعد خان، دار الفکر، بیروت.
۲۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، تاریخ الکبیر، مکتبه الاسلامیة، بیار بکر.
۲۳. بلذری، احمد بن یحیی، اسباب الانشاء، تحقیق محمد باقر محمودی، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۳۴۴.
۲۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد از مدینه السلام، دار الکتب العلمیة، بیروت.
۲۵. ذهبی، ابو عبد الله محمد بن احمد، بیع الزان الانفال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد الجباری، دار الفکر، بیروت.
۲۶. ذهبی، ابو عبد الله محمد بن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد الجباری، دار المعرفه، بیروت، ۱۳۸۲.ق.
۲۷. نبط ابن جوزی، یوسف بن فرطی، تذکره الخواص، مکتبه ینوی المدینة، تهران.
۲۸. صفار، صلاح الدین علی بن ابی‌نگ، الوافی بالوفیات، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۱.
۲۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج دوم، تحقیق حمدی عبد الحمید الشافعی، دار التراث العربی، بیروت.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الزوری باعلام الهدی، تحقیق مؤسسه آل البیت، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۷.
۳۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، رواج التراث العربی، بیروت.
تصویر امامان شیعه ص:۱۴۴
۳۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت.
۳۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، چاپ سوم، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۰.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، البیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۵. حنبلی، احمد بن عبد الله، تاریخ الثقات، تحقیق عبد المحطی قسیمی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۵.
۳۶. کاتبی، محمد بن یحزق، الکافی، تحقیق النبیج محمد الاصحری، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۵۰.ش.
۳۷. سمرقندی، ابو الحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، مؤسسه دار الجهوره، قم، ۱۴۰۹.
۳۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، تحقیق مؤسسه آل البیت، تحقیق التراث، دار الشفاء، قم.
۳۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، التراث، النشر العلمی، لائقیة الشیخ الشفاء، قم، ۱۴۱۲.
۴۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الحمل و القصره لسید العزرة فی حرب القصره، تحقیق سید علی شریغی، المؤتمر العلمی لائقیة الشیخ الشفاء، قم، ۱۴۱۲.
۴۱. منقری، نصر بن مزاحم، وقعة سملین، تحقیق عبد السلام محمد هارون، منشورات مکتبه آیت الله العظمی، مرعشی، قم، ۱۴۰۳.
۴۲. منقری، نصر بن مزاحم، وقعة سملین، تحقیق عبد السلام محمد هارون، مؤسسه الثریة الحدیث، ۱۳۸۲.
۴۳. عالم معروف الحسینی، سیرة الائمة الاثنی عشر، انتشارات الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۹.
۴۴. یعقوبی، احمد بن راضی، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت.
تصویر امامان شیعه ص:۱۴۵

امام حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام

الشهره

توسنده: ال. ویجا واری،Il Vecchia Vaglieri.

ترجمه: حسین سعودی

تصویر امامان شیعه ص:۱۴۷

[متن ترجمه]

حسن بن علی بن ابی طالب [علیه السلام]

او نوه پیغمبر و پسر فاطمه [علیه السلام] است. شهرت او به سبب پیام وی در کربلا به تاریخ دهم محرم ۶۸۰م است که پایانی فاجعه آمیز داشت.

دوران کودکی و جوانی

تصویر امامان شیعه،ص:۲۲۱

نقد و بررسی

اناره

محسن زنجیر

تصویر امامان شیعه،ص:۲۲۳

نقد و بررسی مقفله یا عنوان زین العابدین (زینت عبادت‌کنندگان) علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، ۱۱ در دایره المعارف اسلام به قلم بی. کنر، گنگشته شده که بسیاری از مطالب آن مخدوش، وارونه و ناپایرفتی است. اما پیش از پرداختن به آن، توجه به این نکته لازم است که در بسیاری از موارد اگر نگوییم در همه موارد، از طریق مطالعه متن و آثار مؤلفان و مورخان اهل سنت بوده است و اگر در پارای موارد، نویسندهگان علوم دینیه درایه المعارف اسلام با شیعه دوازده امامی و فرهنگ شی آن آشنایی اجتهالی و تخصصی داشته‌اند، را به نامه یکی از فرقه‌ای در کنار فرقه‌های دیگر شیعه و در ضمن، فرقه‌ای از فرق اسلام، به شمار آورده‌اند بدون آنکه با مطالعه ژرف و وریشه‌ای محققانه در معارف ازشیعت شیعه، به جوهر و اصالت معارف اسلام تاب محمندی پی بزنند.
پیاده طبعی این گروه آشنایی با اسلام و فرهنگ آن- که از طریق اهل سنت صورت گرفته، نه از راه شناخت معارف اهل بیت طهیم التلام- این است که آنان به تنها نتوانند با

..(۱)

ZAIN AL- ABIDIN" ornamental the Worshippers" ALI B. AL- HUSAYN B. ALI B. ABI TALIB

تصویر امامان شیعه،ص:۲۲۴

فرهنگ اصیل اسلام و روحیات و ویژگیهای جامعه مسلمان آشنایی چندانی پیدا کننده، بلکه از فرهنگ شیعه و شخصیت و ویژگیهای معنایی مؤثران واقع آن پس از پیامبر، یعنی امامان معصوم طهیم التلام، هیچ گونه آگاهی نداشتند باشند. در نتیجه، هرگونه گزاره تاریخی را که منابع اهل سنت درباره امامان نوشته‌اند، پذیرند، و تنها برای آنکه نوشته‌هاشان به فرطعی و آکادمیک بودن مهم نشود، برخی از اخبار شیعه را در رد یا تشکیک گزارشهای منع اهل سنت می آورند. نوشته کنفرگ نیز از همین قیل است. در این مقاله، دیدگاههای این مستشرق درباره امام سجاد علیه التلام بررسی و نقد می‌شود.

۱. سرودت مازن امام سجاد علیه التلام

نویسنده درباره سرودت مازن امام سجاد علیه التلام می‌نویسد:

مرخص می‌گویند او پس از جنگ کربلا خود را بدون فرات گذاشت، اما مرخص می‌گویند وی در میان بازماندگان کربلا بود.

درباره این دو ادعا باید گفت گرچه برخی منابع ادهای اول را گزارش کرده‌اند، ۱۱۱ بنابر پارای روایات معتبر شیعه، مازن امام سجاد علیه التلام هنگام تولد ایشان در حالت نفسی از دنیا رفته و ۲۱ و یکی از کنیزان امام علیه التلام عهدمد برستانی امام شده، همانند مادری دلشوز و فداکار، به امور حضرت رسیدگی می‌کرد. این امر، این گمان را در مردم بر انگخت که وی مازن امام علیه التلام است و چون حضرت وی را شوهر داده فهمیدند که او دایه امام او نه مازن او! بوده است. ۳۳ بنابرین مازن امام نبوده است تا در کربلا حضور داشته باشد.

محققین درباره همین مازن رضایی یا دایه یا امام گفتند:
باینکه تو از

۱۱) محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۲.

۱۲) ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، حوض اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۸ علی بن حسین مسعودی، اثبات الرضا، ص: ۱۷۰.

۳) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۸.

تصویر امامان شیعه، ص:۲۲۵

نیکو کارترین مردم هستی چرا هیچ‌گاه با مادرت هم غذا نمی‌خوری؟! حضرت فرمود:

بسم آن‌کدام که دستم به لقمه‌ای دراز شده که پیش از من، چشم او به آن افتاده باشد، یا اگر من زودتر از وی آن را بخورم می‌برسم او را تراخت کرده باشم. ۱۱۰

۲. موعص امام زین العابدین علیه التلام در برابر اموان و زینبان

توسیم سیمایی مسألت‌آموز و آرام از امام علیه التلام در برابر اموان و زینبان از دیدگر اشیاعات نویسنده است:

علی ابن الحسین! ای عسد و آنگاه‌ها که هرگونه درگیری با حاکمان اجتناب کرده، در برابر اموان و زینبان ضد خلافت، موضع سکوت اختیار کرد...

اما باید دانست که سنته این قیل ادعاها تنها گزارشهای برخی نویسندهگان اهل سنت است. این سعد در این‌باره نوشته است:
علی بن الحسین، میان‌دورترین مطیع‌ترین و معصوم‌ترین فرد خاندان خویش ازده مروان و عبد الملک بود، ۲۰.

ولا! این ادعا نیز نادرست است- چنان‌که در خلال پاسخ به دیگر ادعاهای نویسنده روشن خواهد شد.

ثانیاً، حتی اگر پذیرفته شود که در روزی روش امام در برخورد با اموان و زینبان به ظاهر مسألت‌آموز و سناش‌گراانه بوده است، چنان‌که خود نویسنده نیز در ادامه ادعای خود می‌نویسد، این رفتارها از سر تقیه و خوف از به زلف افتادن جان یا عرض و آبرو بوده است- نویسندهگان شیعی معتقدند که رفتار علی ابن الحسین علیه التلام! با حکام مبنی بر تقیه بوده، ۳۰.

۱۱) ابو العباس مودت الکامل فی اللغة و الاصل، ج ۱، ص ۱۲۲.

۱۲) محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵ ص ۲۱۵.

۱۳) ترجمه مدخل، ص ۲۱۳ از همین کتاب.

تصویر امامان شیعه، ص:۲۲۶

۳. دوستی امام علیه التلام با خلفای مروانی!

اناره

نویسنده با استناد به برخی از گزارشهای منابع اهل سنت، ادعا می‌کند که رابطه امام سجاد علیه التلام با مروان و عبد الملک دوستانه بوده است. او برای اثبات ادعای خویش، به چند گزارش از منابع تاریخی اهل سنت، استشهد می‌کند که از این فرزند القدر مروان پدلی به امام علیه التلام می‌بعد تا با آن کنیزی بخرد و پیش از مرگش فرمان داد که وارثانش نباید آن را از او طلب کنند.

ب. عبد الملک درباره رضایی که از امیرانو نوشتن دریافت کرده بود، با علی ابن الحسین علیه التلام! مشورت کرد.

اما باید توجه داشت ادعای یاد شده، بر گزارش ابن کثیر از اصمعی مبنی است، ۱۱.

در این‌باره چگونگی می‌توان پذیرفت رابطه امام با مروان دوستانه بوده است، در حالی که مروان و خاندانش هیچ‌گاه سر تسلیم در برابر پیامبر و خاندان فرود نیاوردند و بیوسمه علم مخالفت در برابر ایشان بر می‌فرارفتند. بنابر مروان، حکم ابن ابی العاص، پس از فتح مکه اسلام آورد، و پیامبر صلی الله علیه و آله او را به سبب اعمال خلافش به تنگنا تبعید کرده‌د. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، نه با نگر و نه صدمه هیچ بنگت جزوت نگردند. رسول مکه خدا صلی الله علیه و آله را تلقین کنند و بنابر مروان را به مدینه پیاز گردانند، اما عثمان در زمان خلافت خود، او را بازگرداند. مازن مروان که به زلفه، حضرت داشت، از زنان بدکاره محصر جاهلیت بود، و از این‌رویی، به مروان و بردارانش، فرزندان زلفه، (چشم زلف) می‌گفتند. لوزن و ابن اخبار قراوی در فن ابو العاص و فرزندان او از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است، ۲۱.

بسیاری از اعمال خلاف مروان در دستگاه خلافت به نام خندان تمام می‌شد و او سرجام در شورش و تحریک مسلمانان بر ضد عثمان، نقش اساسی ایفا کرد.

۱۱) ابو الفدا اسماعیل بن کنیز دمشقی، البداية و النهایة، ج ۸، ص ۱۲۲.

۱۲) ابن ابی الحدید، شرح منبع البلاغه، ج ۵، ص ۱۵۰.

تصویر امامان شیعه، ص:۲۲۷

در عری، امیر مویان علیه التلام درباره فرجام زندگی او فرمود:
او پرچم کفر اهری را به دوش خواهد کشید، پس از آنکه موش سفید می‌شود، و حکومتی کوتاه خواهد داشت آن قدر که سگی بتیاش را می‌کشد- ۱۱.

مروان در یکبارگی فرموده، چه سبیه عالیته بود، و در یکبارگی بر ضد علی علیه التلام جنگید و سرجام اشیر شد، امیر مویان بر او منت گذاشته او را آزاده کرده اما او این لقب امام را ناپایده گرفت، ۲۱. و زمانی که حاکم مدینه بود، بارها امیر مویان را سب کرد. ۳۰ در زمان حکومت معاویه، مروان به دستور وی، تزده جسد و راه او را فرارفت تا امام حسن علیه التلام را مسوم کند. همچنین در ماجرای خاکسپاری امام حسن علیه التلام، نه تنها مانع دفن ایشان در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله شد، دستور داد تا یکبار باک ایشان را تیرباران کنند.

در واقعه حربه مروان مشاور و مؤثر بنامر بن علیه در قتل عام مسلمانان و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و تنگ محرت زنان و دختران آنان بود، و مسلم در نامهای به یزید از کشمکش و راضعیه‌های او قدرانی کرد، ۳۰. وقتی مروان به شام رفت نیز یزید از وی تشکر کرد و او را تزیینک خود جای داد. الله قتل عام توابین نیز در زمان مروان صورت گرفت.

بنابر آنچه به اختصار گفتش، روشن شد که مروان یکی از مغرض‌ترین خلفای مروانی زده نانه بوده است. از این‌رویی، چگونگی می‌توان پذیرفت امام سجاد علیه التلام با چنین فردی که در تمام عمرش لطمه‌ای از دشمنی با اهل بیت طهیم التلام باز نداشت، رابطه دوستی داشته است.

۱۱) محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۵.

۱۲) ابو حنیفه نعمان بن محمد نبیسی مغربی، شرح الاحبار، ج ۳، ص ۱۶۱.

۱۳) ابن ابی، الکامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۱۱۲، و ج ۸، ص ۲۶۱.

۱۴) محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۹.

۱۵) همان.

تصویر امامان شیعه، ص:۲۲۸

افزون بر این، یکی از محققان معاصر، به این ادعا و ادعاهای مشابه پاسخ گفته، ۱۱۰ که با قیاس از آن و به اختصار، برخی از آنها می‌توانیم:

اولاً، چه دلیل مروان مسکوت است، در پی زیاد کردن نسل علی بن الحسین بوده باشد؟! زیرا- چنان‌که گفتند- مروان هیچ‌گاه از دشمنی با بنی هاشم و خاندان علی دست برداشته و بارها امیر مویان علیه التلام را بر سناش لعن کرده.

ثانیاً، امام سجاد علیه التلام بسیار ژورمند بوده است و بر اساس استاد و منابع تاریخی، بر دوگان برداری را از اموال خود خرید و پس از مدتی آنها را آزاده کرده است. ۳۰ پس از واقعه عاشورا نیز هزینه زندگی صد نفر از خاندان عید متان را در مدینه عهدمدار بود. ۳۰ و فرقی بازده هزار دیناری در حدود پنجاه تن زید. ۳۰ و بدهی پسر صمویی خود عبد الله بن حسین ۵۰ را بر عهدم گرفت، و به زلفه قاضی که در مدح وی شعری سرود، دوازده هزار درهم بخشید. ۵۰.

افزون بر این، مستندسان بسیاری در مدینه بودند که با صدفات یقینی امام روزگار می‌گذرانند. از بخششها و دستگیری‌های امام زین العابدین علیه التلام در تأخذ کهن زبهری تاریخی فراوان سخن به میان آمده است، چنان‌که حتی بیان فهرستی از آنها در مرصعه این نوشتار نیست. بنابراین امام علیه التلام به دریافت پول از مویان هیچ نیازی نداشت است.

ثالثاً، در گزارش یاد شده روشن نیست که مبلغ حذر بخشیده شده از طرف

۱۱) جعفر مرتضی‌عسلی، الامام علی بن الحسین علیه التلام و اموال مروان، در دریافت و جوتک فی التاريخ و الاصلاح، ج ۱، ص ۲۲۱- ۲۲۶.

۱۲) سید بن طاووس، الاصلاح، ج ۱، ص ۲۴۶- ۲۴۵.

۱۳) محمد بن سعد، کاتب و فقهی، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۲۲، ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، المصالح، ص ۶۱۷.

۱۴) محمد بن نعمان اشبح شیبه، الاصلاح، ج ۲، ص ۱۲۹.

۱۵) محمد بن یعقوب کتیبی، الفروع من الکتابی، ج ۵، ص ۲۷.

۱۶) محمد بن نعمان اشبح شیبه، الاصلاح، ص ۱۱۲- ۱۱۴.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۲۹

مروان،بشار نموده است یا درهم، و به هر روی،حتی اگر درهم نیز فرض شود،باز در قیاس ما ارزش یکگه منطقی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در آن زمان درهم و دینار الگ و بسیار ازبستهٔ بوده است. بنابراین بهای خرید یکسزار کمتر از این مقدار بوده است؛چنان که معاذ بن عمرو در حضور عمر، پنج کبوتر را و هزار و پانصد درهم خرید،۱۱ و به نظر می‌رسد از آن زمان تا عصر امام سجاده علیه السلام(که کمتر از نیم قرن است)،بهای کبوتر چندان بالا رفته باشد؛ واعلا تقای این گزارش،اصحی است که این شهر آشوب دربار وی می‌توسد؛ اصحی یا امیر موشان دشمن بود از این‌روی که حضرت صامت دست من ظهور جاذ اصصی را به سبب زودی قطع کرده بود.۱۲ دربار امام دومی نویسنده نیز که خواسته است،با استناد به یک گزارش تاریخی،رابطهٔ دوستانهٔ امام را با عبد الملک اثبات کند، باید گفت اولاً در مقابل گزارش یاد شده،در منابع تاریخی گزارشهای پرشماری به چشم می‌خورد که از موضع گرفته و دشمن ستر امام علیه السلام در برابر عبد الملک حکایت دارد. پاره‌ای از این گزارشها عبارتند از:

الف.بی‌اعتنایی امام سجاده علیه السلام به عبد الملک

سالی عبد الملک در مراسم حج شرکت کرد. هنگام طواف،امام سجاده علیه السلام را دید که پیشانی او مشغول طواف است و به او هیچ توجهی ندارد. عبد الملک با آنکه حضرت را می‌شناخت،برای حفظ موقعیت،برای حفظ موقعیت،برسد؛این کسب که پیشانی ما طواف می‌کند،و به ما بی‌اعتناست؟ وقتی گفتند او علی بن الحسین علیه السلام است.

۱۱) ابو الفرج بن جوزی،صفة الصفوة ج ۱، ص ۲۱۸.

۱۲) محمد بن علی بن شهر آشوب،مناقب آل ابی طالب،ج ۳، ص ۱۲۲؛ محمد تقی شوشتری،قاوس الرجال ج ۳، ص ۱۷۰.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۳۰

امام علیه السلام را اختصار کرد و گفت: ای علی بن الحسین،من که قاتل پدرت نیستم چرا پیش ما نمی‌آی؟ امام علیه السلام فرمود:اقلی بدمم با عیض دنیای خود را تاه کرد و آخرش را نیز پدرم بریان خواهد کرد. تو هم اگر دوست داری مانند او باشی،باش.

عبد الملک گفت: منظور این بود که با و از دنیای ما بفرمات شو.

امام داری خود را بهین گرد و فرمود: اخذایا،حرمت و موقعیت اولیایت را به او نشان ده، تاگاه داری امامی پر از درهای درخشان شد و امام خطاب به عبد الملک فرمودند: کسی که چنین مقامی نزد خدا داشته باشد،به دنیای شما چه احتیاجی دارد.۱۳

ب. نوبهٔ دیگر

زمانی عبد الملک،امام علیه السلام را به شام فرخواند.والی دست‌نشاندهٔ عبد الملک در مدینه، حضرت را در ظل و زخبر به سوی شام روانه ساخت. امام در بین راه به قدرت اعتماد، خود را از قید و بند آزاد کرد؛زد عبد الملک حاضر نشده و با تشدی به او فرمود:مرا یا تو چه کار؟

عبد الملک گفت: پیش ما میان.

امام پاسخ داد: دوست ندارم. سپس از نزد وی خارج شد،در حالی که عبد الملک به شدت ترسیده بود.

اگر رابطهٔ امام با عبد الملک دوستانه بود،عبد الملک از سوی امام احساس خطر نمی‌کرد و کاره‌گیری ایشان از حکومت، آن قدر برای وی اهمیت نمی‌داشت که با تهدید و اصرار،خواستار رابطهٔ با امام باشد.

۱۱) قطب الدین ربانزی،الخراج و الخراج،ج ۱، ص ۲۵۵.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۳۱

ج.پایخ به نامهٔ نظیر امیر عبد الملک

امام علیه السلام با یکی از کنیزان خود که آزادش کرده بود،ازواج کرد. عبد الملک از ماجرا باخبر شد،علی‌نهای این اقدام امام علیه السلام را ناپسند نمود، و به گزوه‌ای خواست این عمل حضرت را تحقیرآمیز جلوه دهد. امام علیه السلام چنان پاسخ دندان‌شکنی برای عبد الملک نوشت که وقتی سلیمان پسر عبد الملک،نامهٔ حضرت را خواند،به پادش گفت:عقلی بن الحسین،حجب نقابخبری بر تو کرده است.۱۴

د.پایخ گرفته‌شده امام در برابر پشیمان عبد الملک

عبد الملک در رسالتی شورش‌پختن پیشتر به حکومت خویش و صلح مخالفان- که امام سجاده علیه السلام و بنی هاشم در رأس آنان قرار داشتند- به افتاد وگری دست زد وخواست بعضی از حججه و دلائل امام بر امامت، از جمله شمشیر پاسر علی الله علیه و آله را از ایشان بگیرد. از این‌روی،علی‌نهای تهدیدآمیز،از امام علیه السلام خواست شمشیر پاسر مسلی الله علیه و آله را به او بچلشد، وگرنه مستصری او را قطع خواهد کرد.امام در پاسخ نوشته:«خداوند برای باتقویان خروج از گرفتاریها یا از طریق که گمان نمی‌کنست،مسئلت کرده است.»

و در آخر فرمود: او عداوی علوی فرمود؛أل الله لا یحب کلَّ مؤمن کفرأ ۲۰۱.خداوند هیچ حیانتگر نیگاسی تا دوست نداده.اکنون بیگر کدام یک از ما به این آه سرزاوریم.۱۵

طرح استنلال قضائی امام علیه السلام

مورخان دربار، گزارش نویسنده در باب مشورت عبد الملک با امام سجاده علیه السلام،

۱۱) محمد بن یعقوب کشی،الفرع من الکافی،ج ۵، ص ۳۴۴-۳۴۵.

۱۲) حج (۴۱۲)، ص ۳۲.

۱۳) محمد بن علی بن شهر آشوب،مناقب آل ابی طالب،ج ۳، ص ۱۶۵.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۳۲

نوشته‌اند: در زمان عبد الملک،پارچه‌هایی به روم صادر می‌شد که بر روی آنها شعار الله لا اله الا الله،محمد رسول الله نوشته شده بود. این موضوع بر حاکم کافر روم گران آمد. از این‌روی،در تنهای تهدیدآمیز به عبد الملک اعلام کرد که اگر این شعار را از روی پارچه‌ها حذف نکند،نام پاسر صلی الله علیه و آله را به زشتی بر روی سکه‌ها خواهد نگاشت. عبد الملک،که از حل این مشکل ناآوان و مردانده بود، از امام کمک خواست.

امام سجاده علیه السلام نیز همچون دیگر امامان،حکومت امویان را نامشروع و عاصب می‌دانست و روش حکومتی آنان را مردود می‌خواند؛ اما اگر زمانی کوفان اسلام و عزت و آزوی جامعه اسلامی در معرض تهدید بیگانه‌گان قرار گرفت، برای حفظ عزت مسلمانان،از هیچ اقدامی فرگانگی نمی‌کرد. از همین روی،برای حل این مشکل به عبد الملک فرمود سکه‌های رومی را مشروع سازد و به جای آن، سکهٔ اسلامی بزند.۱۱ با این طرح امام علیه السلام،تیرنگ رومیان کارساز بنیاد و عزت و استقلال قضائی جامعه اسلامی محفوظ ماند.

۴. حضرت نون قسیده فرزدی

نویسنده پس از نقل ماجرای قسیدهٔ فرزدی در مدح امام سجاده علیه السلام،دربارۀ اعتبار و اصل بودن آن می‌نویسد: اما همه با یقین این قسیده که به شکلهای گوناگون روایت شده است، هم بر اصل و نامعتبر است.

در پاسخ باید گفت: شایسته بود نویسنده، اهل غیر اصل و نامعتبر بودن این

۱۱) محمد بن جمال الدین مکی عامل شهید اول،البیان، ص ۱۷۵؛ ابن کثیر،الدایة و التهایذ ج ۸، ص ۱۲۲. برای آگاهی بیشتر در این‌بار، در کتد: جعفر مرتضی‌عاملی،«تفسیر فتوای الاسلام،در مراسم و محوت فی التاریخ و الاسلام،ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۴. جعفر شهیدی، تاریخ تجلیلی اسلام، ص ۲۰۸-۲۰۸. آگاهی سید جعفر شهیدی،معداتی برای ابن قتیبه بیان کرده است. سید جعفر مرتضی‌عاملی،در مقاله یاد شده،ضمین رد این معدمات و اشکالات دیگری که دربارهٔ اصل این قسیده مطرح شده است،اصل آن را برای امام سجاده علیه السلام اثبات کرده است.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۳۳

قسیده را بیان می‌کرد. اما به هر روی، می‌توان حسنی زد که چرا دربارهٔ این قسیده چنین ادعایی شده است.

به نظر می‌رسد آنچه دربارهٔ این قسیدهٔ مطرح است، همانا نکاتی باشد که برخی نویسنده‌گان معاصر دربارهٔ سیرت و تعداد ایات آن و اینکه در مدح چه کسی سروده شده است، تشکیک کرده‌اند.۱۱ اما در پاسخ این ادعاها و تشکیکها،یکی از محققان ثابت کرده که این قسیده را فرزدی شاعر در مدح علی بن الحسین علیه السلام سروده است، و شاعر آن آن بسیار پیش از هفت بیست است که برخی نویسنده‌گان پذیرفته‌اند.۱۲

۵. ازواج سکنه یا معصب بن زبیر

یکی دیگر از ادعاهای نویسندهٔ آن است که امام سجاده علیه السلام با ازواج خواهرش سکنه یا معصب بن زبیر، موافق مدح علی بن زبیر موافق بوده است؛تا جایی که او را عراق هم‌نامی کرده است. نویسنده ادعا می‌کند امام هدیه‌هایی به صلح جعل مراد دختر از عبد الله دریافت کرده است؛ اما باید توجه داشت که اولاً گزارشگر این ادعا، ابو الفرج اصفهانی، مورخ اموی است،۱۳ و چنین گزارشهایی در منابع شیعیه یافت نشد. دربارهٔ گزارش این مورخ اموی باید گفت،وی اخبار متلفظی را در این‌باره آورده است که محتوای آنها را نمی‌توان با هم آشت داد. برای نمونه، ابو الفرج،تخصیص به نام اصعب مروان، را با یک بار شوهر نخست سکنه دانسته و بار دیگر شوهر چهارم او، بدون آنکه از این دوگانگی اجتناب سخن به میان آورد.

دربارهٔ زندگانی زناشویی سکنه نیز گفتگفت آنکه وی دختری از معصب به دنیا

۱۱) جعفر شهیدی،زندگانی علی بن الحسین علیه السلام، ص ۱۱۵-۱۱۴.

۱۲) عباس طهروی،الخطابی دربارهٔ شخصیت فرزدی و قسیدهٔ مویه او،در کیهان‌دینش، ص ۵۱-۱۳۲. ش، ص ۱۷۷. و نیز از همین نویسندهٔ تجزیه و ترکیب و بلاغت قرآن،ج ۱، بخش پنجم، ص ۲۸۱-۳۴۵.

۱۳) ابو الفرج اصفهانی،الاعلی،ج ۱۶، ص ۱۵۰.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۳۴

می‌آورد که با عبور خود، پسر زبیر، معصب، ازواج می‌کند؛ همچنین جای تعجب است زبای هسبر امام حسین علیه السلام، که در اندوه فراغ همسرش یکک سال پس از وفاته معاشر او در دنیا رفته است؛پس از سال مفاد قمری، در ماجرای کشته شدن معصب زنده شده و ازواج دخترش سکنه علیه السلام را با کشتهٔ معصب در می‌کشد.۱۴

ثانیاً، اندکی آشنایی با روابط خاندان زبیر و بنی هاشم، روشن می‌سازد که فرزندان زبیر به هیچ روی سرسازگار با اهل بیت مطههٔ قلام نباشنده‌اند؛چنان‌که پیامبر از این موضوع خبر داد و فرمود زبیر با ما خواهد بود تا اینکه فرزندش زرگ شود.۱۵ یکی از فرزندان زبیر عبد الله است که در زمان خلافتش در حجاز، در خطبه‌های نماز جمعه، از مسلمات و درود فرستادن بر پیامبر خوداری می‌روزیبد، و چون سبب این کار را پرسیدند،گفت: پیامبر خویشخواندندی دارد که هنگام بودن نام او،گردن خویش را بر می‌فرزاند!۱۶

اما دربارهٔ معصب بن زبیر نوشته‌اند: وی شیجان عراق را قتل عام کرد و حتی به زندان رنجو کرد.۱۷ بنابراین چگونه می‌توان پذیرفت که امام سجاده علیه السلام با ازواج خواهرش با کسی موافقت کند که خود و برادرش از دشمنان سرسخت بنی هاشم بودند.

بنت الشامی، یکی از نویسندگان اهل سنت نیز در ده‌یادگاه ابو الفرج می‌نویسد، من می‌گویم فولی که شیعه و آن است، این است که سکنه جز با پسر عبوی خود، عبد لله بن حسن ازواج نگردد؛ و بر این قول شیعه، بسیاری از اهل سنت نیز موافقت دارند.۱۵. حجب‌تر از آن ادعای دریافت هدیهٔ جعل مراد بنیادری از عبد الله است که نشان آذآشنایی کامل این مستشرق با شخصیت و ویژگیهای امامان مطههٔ قلام است.

۱۱) جهت آگاهی بیشتر در این‌بار، در کتد: علی محمد علی دخیل، سکنیه، دختر امام حسین علیه السلام، ترجمهٔ فرورد حریریچ، ص ۱۰-۲۱.

ابو جعفر محمد بن علی بن زمان، از بزرگ‌ترین سنگدان پیرو امام صادق علیه التّیلام است.
دفاعیه‌های پرشمار او از مذهب تشیع در کتب مختلف نقل شده است.
در جمله‌ای به نام اطلاق الحادیل، در کوفه به صرافای مشغول بود، و در شناخت سگ‌های سالم از معيوب به قدری خبر بود که اصحاب مردم را برمی‌انگیخت.
از همین روی، به کتاب، او را اشطان الطالق، می‌خواندند.
بعدها همین لقب دستگیر محافلان او شد تا واژه شیطان را به صورت نومی مذمت برای او به کثر برنده اما در مقابل، شیطان او را مؤمن الطالق، خواندند.

او نظر کلامی، به ویژه در باب توحید، کاملاً به آموزه‌های امام جعفر صادق علیه التّیلام ایمان داشت، و در کتب شیعی میج‌گردد.
عده‌ای که نشان‌دهنده نومی نظام اسنادنگاری خوانده (حجیه)باشند، از او مشاهده نمی‌شود، و شیطان تشاب این نوع عقاید را به وی از جملات دشمنان تشیع علیه او، بر می‌شود.
جلوه دادن اصحاب امام علیه التّیلام و بائع مکتب او داشته‌اند.
۱۰-... مسئله قدر بین جبر و اختیار است... ۳۲

این تعبیر درست است.
امام صادق علیه التّیلام درباره جبر و اختیار می‌فرماید:
لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین.
نویسنده خواسته است به این حدیث شریف، که موضوع آن از مسائل مهم کلامی و مورد مناقشه در آن زمان بوده است، اشاره

۱۱-... حسان.

۱۲-... بعضی نوشته‌اند:
ر: کذا،
حیدر،
الإمام الصادق علیه التّیلام و المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۴۹- ۶۶

۱۳-... ترجمه مدخل، ص ۲۸۸
ز: همین کتاب

تصویر امامان شیعه،ص:۳۰۲

کنند.
اما باید توجه داشت که در آموزه‌های شیعی از این حدیث با عنوان «امر بین الامرین» یاد می‌کنند تا قدر، همچنین باید توجه

داشت که در این روایت در مقابل جبر، واژه تفویض به کار رفته است، نه واژه اختیار.

در واقع شارح ترمیم دقت امام علیه التّیلام نظر نهایی شیعه در این مسئله در یک سوی آن معیودین کامل انسان، و در سوی دیگر تفویض و واگذار شدن همه افعال انسانی، به فرار دارد.
افزاد به نومی اختیار است که نه نمانی آزادی انسان است و نه خداوند را، به منزله محصورکننده، انسان در تمام افعال خیر و شر خود می‌شمارد.
۱۱

۱۱- مسئله جانشینی اسماعیل

نعمین اسماعیل در مقام جانشین از سوی امام صادق علیه التّیلام مبنی است که اسماعیلیه مدعی آن‌اند و شیعیان امامی به معی وری آن را نمی‌پذیرند.
آن‌ان در عرض تفصیر و تفسیرحات قرآنی را شاهد می‌آورند که در آنها امام علیه التّیلام بر جانشینی امام موسی کافم علیه التّیلام تأکید وارد.

مسئله جانشینی اسماعیلی، با گزارشهایی نیز که از روش و منش اسماعیل در منابع تاریخی آمده سازگار نیست.
بنابراین گزارشها، اسماعیلی با گروه‌های تندروی نسبت و برخاست داشت که نظرد امام علیه التّیلام بودند.
۱۲-... که امام جعفر (علیه التّیلام) از امام پنجم می‌ماندند... ۳۴

بیرون محمد بن اسماعیل امام جعفر صادق علیه التّیلام را مانند شیعیان امامی، امام ششم می‌دانند، و محمد بن اسماعیلی را هفتین امام و مهدی موعود، ۳۴

۱۳-... حدیث الله برادر اسماعیل را که از مادر یکی ... ۵۱

این سخن کاملاً اشتباه است.
سألم است که پدر عبد الله و پدر اسماعیل امام

۱۱) برای تالی، ر: کذا،
محمد باقر مجلسی، بحار الآوار، ج ۲۸

۱۲) برای اطلاق بیشتر، ر: کذا،
دایره المعارف بزرگ اسلامی، مقاله «اسماعیل».

۱۳) ترجمه مدخل، ص ۲۸۸
ز: همین کتاب

۱۴) برای اطلاق بیشتر، ر: کذا،
دایره المعارف بزرگ اسلامی، مقاله «اسماعیلیه».

۱۵) ترجمه مدخل، ص ۲۹۰
ز: همین کتاب

تصویر امامان شیعه،ص:۳۰۳

جعفر صادق علیه التّیلام است.

۱۴-... حدیث الله چند خفته بعد در گذشت... ۱۱

طبق نقل منابع شیعی، عبد الله تا هفتاد روز پس از وفات پدر زنده بود، ۲۱ و پس از آن در گذشت، و معمولاً برای هفتاد روز جهنم علقه به کار نمی‌رود.

۱۵-... ششپنجه... ۳۴

صحیح آن سسپنجه یا سسپنجه است؛ گروهی به ریاست ابیحی بن ابی السسپه، که محمد، فرزند امام صادق علیه التّیلام را امام می‌دانستند و امامت را در فرزندان او موروثی می‌شمرند.
۳۴

۱۶-... کهانت، سحر و جادو ... مسئله مرموز خطر ... ۵۱

در برخی از کتب روایی شیعه هنگام تکرار منابع علم امام علیه التّیلام از اموری همچون سحیفه، جنر، جهمه و جمع صفاة فاطمة علیها التّیلام سخن به میان آمده که اینجا نسل به نسل از امامی به امام دیگر منتقل می‌شده و امام علیه التّیلام از مطالب آنها استفاده می‌کرده و مرادی را به صراحت منبع برخی از معلومات خود می‌خوانده است.

منابع مزبور بنابراین روایات عددی تا شامل احکام فقهی حلال و حرام، علم الهیاتی، علم دانشمندان بنی اسرائیل و پیشگویی‌های درباره حوادث آینده بوده است، ۳۶ و در خصوص جنر در روایتی مشروب به امام صادق علیه التّیلام، تعریفی به این فرار آمده است:
وعلم من آدم قبل علم النبین و الوصیین و علم العلماء، الذین یطوفون من بنی اسرائیل، یطوفون منی است از چرم که پامیراند، اوصیا و علم دانشمندان گذشته بنی اسرائیل در آن است.

در معیج منبع شیعی و بلکه غیرشیعی سختی از وجود اموری همچون کهانت،

۱۱-... حسان.

۱۲) ابو محمد حسن بن موسی توحی، فرق الشیعه، ص ۸۹

۱۳) ترجمه مدخل، ص ۲۹۰
ز: همین کتاب

۱۴) حسان، ص ۲۷

۱۵) ترجمه مدخل، ص ۲۹۰
ز: همین کتاب

۱۶) محمد بن یعقوب کتبی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۴- ۲۵۰

تصویر امامان شیعه،ص:۳۰۳

سحر و جادو در این کتب، به میان آمده است.

۱۷-... همچنین یکی از بزرگان صوفی به شمار می‌آید، ۱۱

با مروری بر زندگانی امام صادق علیه التّیلام درمی‌یابیم که او در زندگانی خود نه تنها مشتی صوف و رازنگرند، بلکه در مقابل برخی سران صوف در زمان خود، همچون سفیان ثوری و حداد بن کثیر صبری، موضع گرفت و باره‌های آن همچون قوم پویشان کیش خشن را به نقد می‌کشید.
۲۱

اما به هر روی، بعداً برخی از صوفیه برای مشروعیت بخشیدن به سلسله‌های خود، آن حضرت علیه التّیلام را یکی از اقطاب خود معرفی کرده‌اند چنان‌که درباره دیگر امامان علیه التّیلام و به ویژه امام علیه التّیلام نیز چنین سوء استفاده‌هایی صورت گرفت.

۱۸-... چنین روایاتی برای نعمین نظرات واقعی او در زمینه‌ای خاص تقریباً بی‌فایده است... ۳۴

می‌فایده‌های تعمیری ورمفصلانه درباره حجوم روایات پرشمار امام صادق علیه التّیلام در علوم گوناگونی همچون فقه، تفسیر و کلام است؛ به گونه‌ای که شیعه امامیه هويت مستقل فقهی و کلامی خود را با آن حضرت علیه التّیلام به دست آورده است و در منابع عظیم فقهی و کلامی خود هر مسئله می‌گوشد تا به سختی از آن حضرت علیه التّیلام اشتقاق کنند.

در منابع روایی، فقهی و کلامی شیعه پیشترین استناد به اقوال آن حضرت علیه التّیلام باز می‌گردد.
روایات منقول از آن حضرت علیه التّیلام حتی در علوم گوناگون قرآن است که برخی دانشمندان شیعی مانند شیخ صدوق (۳۸۱ ق) در عقاید، کسی مانند التوحید نگاشته‌اند و به روایات آن حضرت علیه التّیلام پیش از دیگر امامان استناد کرده‌اند.
همچنین کتبی مانند اصول کافی کتبی (۳۲۹ ق) منقول از روایات آن حضرت علیه التّیلام در مسائل مختلف کلامی است که بسیاری از این روایات با نقل‌های مستدی و مجزایی قابل اثبات بوده، استناد به آنها موجه است.

۱۱) ترجمه مدخل، ص ۲۹۰
ز: همین کتاب

۱۲) محمد باقر مجلسی، بحار الآوار، ج ۴۷، ص ۳۶۱- ۳۶۰

۱۳) ترجمه مدخل، ص ۲۹۰
ز: همین کتاب

تصویر امامان شیعه،ص:۳۰۵

منابع و مأخذ

- اربابی، علی بن حبیب، کشف القمّة فی معرفة الأئمّة، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
- حندی، عبدالمجید، الإمام جعفر الصادق علیه التّیلام، تحقیق شیخ احمد جاسم النابکی، المجمع العلمی القطریب بین المذاهب الاسلامیة، طهران، ۱۳۴۴ ق.
- حیدر، اسد، الإمام الصادق علیه التّیلام و المذاهب الأربعة، چاپ سوم، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- عربی، سید ابو القاسم، معجم رجال الحدیث، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- صفری، نعمت الله، نقش نقشه در استنباط بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ ق.
- کتبایی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح سید حماد مصطفوی.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الآوار، مؤسسة لوقاد، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- موسوی مجتهدی، کتلم، دایره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۴۹ ق.
- توحیدی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، تعلیق سید محمد صادق بحر العلوم.

تصویر امامان شیعه،ص:۳۰۷

امام موسی بن جعفر، اکتاف علیهما السلام

اناره

نویسنده: ن: کتبر گگ Kohlberg. E.

ترجم: حسین سعیدی

تصویر امامان شیعه،ص:۳۰۹

[عین ترجمه]

موسی کافم علیه السلام

موسی کافم (علیه التّیلام) کسی که خویشتراری می‌کند، یا کسی که ساکت می‌ماند، امام عظیم شیعیان دورهٔ امامت امانی است. او با کتبه‌ها و القابی چون ابو الحسن اول (یا نامی)، ابو ابراهیم، ابو طلی، و حد صالح، شناخته می‌شود. او در ایوان (بین مکه و مدینه) یا در مدینه و در ۷ صفر سال ۱۸۸ ق/ ۸ ترمیر ۶۶۵ م، متولد شد.

تاریخچه‌های دیگری که مطرح کرده‌اند از این فرزند:
دورهٔ الحجه سال ۱۲۷ ق/ سپتامبر ۶۵۰ م، قی ۱۲۹ ق/ ۶۶۶- ۶۶۷ م، مدورش حیدره (یا حیدیه) بنت ساعد بنیه (با القبشیه) یک‌ام ولد بود، که از یک بردفروش بربر خریداری شد.
ظان از او با لقب مسفله (یعنی پاک شده) یاد می‌کنند.

از دوران اولی زندگانی [امام] کافم اطلاعات ناچیزی در دست است. در اثری از زندگی نامر آشورش (متوفای ۳۰۴ ق/ ۹۱۷ م) آمده است که [امام] کافم در قیام محمد بن عبد الله علیه عیاشیان در سال ۱۲۵ ق/ ۶۶۶ م، شرکت کرده است. لقب.

W. Madelung, Der Imam al- Qasim ibn Ibrahim, Berlin ۱۹۵۰، ص ۱۶۰.

۱ همچنین ر: کذا،
ابو الفرج عسقلانی، ص ۱۲۷.
ابو ابی‌الوفین بیان هنگام وفات پدرش [امام] جعفر صادق در سال ۱۸۸ ق/ ۶۶۵ م شهرت یافت. این واقعه به ایجاد اشعاب و چند دستگه در جامعه شیعه بر سر مسئله جانشینی [امام] صادق

تصویر امامان شیعه،ص:۳۱۰

الجمیهد، پسر [امام] صادق به نام اسماعیل، که به جانشینی او تعیین شده بود، پیش از پدرش درگذشت؛ اما پسر دوم [امام] صادق به

از نتیجه‌های بسیار مهم زندگی امام موسی بن جعفر طیبهما التیلام حیات علمی و فکری آن حضرت است که در این مقاله به گونه‌ای بیسته کانون توجه قرار گرفته، و نویسنده به معرفی چند اثر مشرب به امام کاظم علیه التیلام پیسته کرده است؛ در حالی که در مصادر حدیثی پیسته، اصابت بردشاری در باب گسترده و تریع علوم آن حضرت به چشم می‌خورد.

امام جعفر صادق علیه التیلام در این باره فرموده است: ان ابی‌هنا ذو ناسک هذنا نوح صما بین فقی المصنف لاجلک بقه بقمه ۱۱۰ و همچنین آن حضرت فرمودند: وانه عالم علم العلماء. ۴۱.

امام کاظم علیه التیلام وزارت حوزه علمی بزرگ پندش، امام جعفر صادق علیه التیلام بوده حوزهای که در آن چهار هزار نفر در علوم مختلف پورشی یافتند، امام هفتم نیز برزانه علمی پندش را بی گرفته و حوزهای- اما نه به وسعت حوزه علمی پندش- تشکیل داد و به تربیت شاگردان بزرگ در علوم گردانید پندش.

سید بن طاووس در این زمینه می‌نویسد:

«گروه بردشاری از یاران و شیعیان خاص امام کاظم علیه التیلام و یحسان خاندان هاشمی در محضر آن حضرت گرد می‌آمدند و سخنان بسیار مهم و پاسبهای ایشان به بردشهای حاضران را پابدهاشش می‌گردند و هر حکمی را که در مورد پشامندی صادر می‌فرمود، فسط می‌گردند.» ۴۱

۱۱) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۴.

۱۲) همان، ص ۲۱.

۱۳) شیخ عباس فسی، الاترار الفیه، ص ۱۷۰.

تصویر امامان شیعه، ص۳۳۰

بعد علمی آن حضرت بدان پاه بود که تا به نقل شیخ مفید طیبه‌ترین اهل زمانش به شمار می‌آمد. ۱۱۰ این حجر حیثی، محدث معروف اهل ست در الصراف المخرقه می‌نویسد:

موسس کاظم علیه التیلام وزارت علوم و دانشهای پندش و دارای فضل و کمال بود. ۴۱ وی در امامه می‌نویسد: کان اعبداً اهل زمانه و أعلیهم و أسماهم. ۴۱.

آن حضرت به علمی نعت، تاریخ، نجوم، فقه، تفسیر، طبه و ... آگاهی داشت. ۴۱ تریع و گسترده علمی طوم آن حضرت چنان بود که بین رویان به اعلام معروف و مشهور بود.

شیوه‌رئی امام کاظم علیه التیلام

موضوع مهم دیگری که در حیات امام کاظم علیه التیلام مطرح است، شیوه‌رئی ایشان است.

آن حضرت به برهی یاران روینک خویش اجازه می‌داد تا در دستگاه حاکم کار کنند.

علی بن یزین یکی از این افراد بود که با اجازه امام در دستگاه هارون ست وزارت را بر عهده داشت تا خارج یوسان را برآورد و سلاز روایت شده است که علی بن یزین از امام اجازه خواست تا دستگاه هارون را ترک کند، اما امام اجازه نداد و فرمود: لا تغفل فان لک الله و الاخوانک یکک مراد، و سسی ان یجر الله یکک کسرا و یکسز یکک فتره المصالحین من اولیایه، یا علی کفاراً امثالکم الاحسان الی المؤمنین، الله واحد، الله لکن لا اله الا الله، فمن انی لا تقی احداً من اولیاینا الا فقتب حاجته و اکثره، و

۱۱) محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۵.

۱۲) ابن حجر حیثی، الصراف المخرقه، ص ۲۰۳.

۱۳) همان.

۱۴) برای آگاهی بیشتر در این باره، ر. کت: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۱۰۰ الی عباس حبیبی، قرب الاسناد، ص ۱۱۴ این شهر آذرب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۱۱ محمد بن یعقوب کتبی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۳ طرسی، الاحیاج، ج ۲، ص ۱۵۹.

تصویر امامان شیعه، ص:۳۳

افسن لک ان لا یفلک سفن سفن اهداء و لا ینلک حد سفین ایداء و لا ینقل الفکر سفینک ایداء یا علی من مؤتاهه بالله یداء و یاتی مسألی الله علیه و آله شی و یناشد، ۱۱۰ فضل بن یونس نیز یکی دیگر از این افراد بود که با اجازه امام در دستگاه حاکم باقی ماند. ۴۱

در مقابل، امام کاظم علیه التیلام برهی دیگر از یاران خویش را از کار کردن در دستگاه حاکم باز می‌داشت؛ و این در مواردی بود که کار کردن در دستگاه، فله جز سود شخصی برای آن شخص نباشت.

ارتباط با شیعیان

رودههای برقراری ارتباط با شیعیان یکی از مباحث مهم در حیات امام هفتم است. ایشان در این باره رودههای زیر را به کنار می‌گرفت:

گاهی اصحاب امام علیه التیلام به ایشان نامه می‌نوشتند و گاه نیز امام علیه التیلام با ارسال نامه به اصحاب با آن ارتباط برقرار می‌کرد. در برخی مواقع، امام علیه التیلام اصحاب و شیعیان را به جانشین خود امام رضا علیه التیلام ارجاع می‌داد. گاه نیز این ارتباط با یک ملاقت سزی برقرار می‌شد.

اما مهم‌ترین شکل برقراری ارتباط، از طریق وکلا صورت می‌گرفت. ششک ازینلی وکالت (سزیمان وکالت) ازبای برهی برقراری ارتباط امامان با شیعیان در زمان عباسیان بود. امام علیه التیلام نماینده گان وکلایی را در مناطق مختلف بدین منظور تعیین می‌کرد. هدف اصلی این سازمان جمع آوری خسی، زکات، نذورات، هدایا، و ... از مناطق مختلف توسط وکلا و تحویل به امام، و پاسب پاسخ‌گیری امام به بردشهای فقهی و عقیدتی شیعیان و توجیه سیاسی آنان توسط وکیل امام بود.

این سازمان کاربرد مؤثری در پشیرا اهداف و مقاصد امامان داشت. دوران امام

۱۱) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۲۴.

۱۲) همان، ص ۱۰۹.

تصویر امامان شیعه، ص:۳۳۱

کاظم علیه التیلام عصر ارج‌گیری سازمان وکالت بود سزایشی که بخاطر مستقیم زیر نظر امام کاظم علیه التیلام فعالیت می‌کرد. اما در این مقاله به فعالیتهای این سازمان هیچ اشارهای نشده است؛ جز آنجا که به مغل اشعاب و تقیبه از شیعه اشاره می‌کند. نویسنده در آنجا چند ن از وکلایی امام علیه التیلام را که با موضوع اشعاب مرتبط است، نام می‌برد.

امام کاظم علیه التیلام و مبارزه با الحرفات فکری

روداوروی امام با الحرفات فکری عصر خود، از دیگر مباحث مهمی است که مقاله پندان زیاده‌است. امام هفتم در برابر مکتب فکری احرافی، مانند فلاس، ۱۱۰ عمل‌کنندگان به رای، و ۱۰۰ مشیه ۴۱ ایستاد و با این الحرفات مبارزه کرد.

ب) اشکالات محزایی

اشاره

گذشته از اشکالات ساختاری، مطالبی در مقاله به چشم می‌خورد که اساساً مخدوش و قابل نقد است. اکنون به برهی از این موارد اشاره می‌شود:

۱. علوم کاظم:

در آغاز مقاله، یکی از معانی کاظم (قبب امام مفید) را کسی که ساکت می‌داده دست است. اما سفقت آن است که مسلمانان به ویژه شیعیان، امام را به دلیل برداری در برابر معلمان و فرزندانش فقط و خشم خویش در مقابل مستان به این لقب خواندند. ۴۱ بنابراین پشیراست کاظم را به کسی که خشم خود را فروری‌ننداده، ترجمه کنیم.

۱۱) محمد بن حسن طوسی، رجال الکتبی، نجف، آذرب، ص ۴۰۸.

۱۲) الطاروی، سند الامام الکاظمی، ج ۱، ص ۲۲۴.

۱۳) محمد بن یعقوب کتبی، الکافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر باب مجلسه اعلی المعاصی.

۱۴) ر. کت: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۲۲ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۹ ابن حجر حیثی، الصراف المخرقه، ص ۲۰۳.

تصویر امامان شیعه، ص:۳۳۱

۲. شرکت امام کاظم علیه التیلام در قیام محمد بن عبده‌الله

نویسنده مقاله از شرکت امام علیه التیلام در قیام محمد بن عبده‌الله (فقی زکیه) بر ضد عباسیان در سال ۱۲۵ غیر راده است. اما با توجه به اینکه این قیام در عصر امام صادق علیه التیلام رخ داده است، و از طرفی آن حضرت هیچ کب با هادامات سادات بنی الحسن موافق نبود، بعد به نظر می‌رسد که فرزند وی، امام کاظم علیه التیلام در این قیام شرکت کرده باشد. ۱۱۰

امام صادق علیه التیلام در ماجرای قیام محمد بن عبده‌الله از مدینه خارج شدند و پس از سرگیری قیام به دست عباسیان به مدینه بازگشتند. ۴۱.

پیش از قیام محمد بن عبده‌الله تصور از فتیانگویی عبده‌الله بن حسن و فرزندانش نژد امام صادق علیه التیلام گاه کرد. حضرت اختلاف میان خود و آنها را پادآور شدند و آبه دوازدهم سوره حشر را فرات فرمودند؛ لکن اضرحو لا یخرجون معهم ۴۱. وانگهی اگر امام کاظم علیه التیلام در این قیام شرکت می‌داشت، پس از سرگیری قیام، منصور از ایشان را به الهام شرکت در قیام دستگیر می‌کرد، درحالی‌که چنین ودهایی در تاریخ ثبت نشده است.

۳. تعیین اسماعیل بن جعفر به جانشینی امام صادق علیه التیلام

نویسنده مقاله پس از آنکه درگذشت امام صادق علیه التیلام را مغل و روز اشعاب و

۱۱) اختلاف میان فرزندان امام حسن و امام حسین طیبهما التیلام زمانی پدید آمد که عبده‌الله بن حسن بن حسن، فرزندش محمد را قائم آل محمد معرفی کرد. پس از آن در اشکالات شدت یافت، تا جایی که در جریان بیعت طویان و عباسیان با فقی زکیه، امام صادق علیه التیلام حضور نداشت، و فقی در آن محفل از امام صادق علیه التیلام سخن به میان آمد. عبده‌الله بن حسن، پندش زکیه، گفت حضور جعفر ضرورتی ندارد؛ زیرا او کار نسا را خراب می‌کند (ابو الفرج اصفهانی، مناقب القاسمین، ص ۱۲۹ فاضل نعمان مغربی، شرح الاخبار، ص ۲۹۹ -۳۰۰).

۱۲) علی بن عسبی اربلی، کشف الغمه، ص ۳۸۳ -۳۸۴.

۱۳) ابو سعید ابی، تثر الدر، ج ۱، ص ۳۵۵.

تصویر امامان شیعه، ص:۳۳۳

چند دستگیری در جامعه شیعه می‌شمارد، ایسر امام صادق علیه التیلام به نام اسماعیل که به جانشینی او تعیین شده بود، پیش از پندش وقت یافت.

تعیین اسماعیل به جانشینی امام صادق علیه التیلام، اساساً قابل مناقشه است؛ زیرا اقرون و اینکه از دیدگاه شیعه اثنا عشوی امامان دوازده‌گانه از جانب خداوند منصوب، و روایات رسیده از رسول گرامی التیلام سفلی علیه و آله و دیگر امامان معصوم طیبهما التیلام به ایسانی آنان تصریح شده است. ۱۱۰ روایاتی نیز از خود امام صادق علیه التیلام بر جای مانده که جانشینی اسماعیل را انگار و به جانشینی امام کاظم علیه التیلام تصریح می‌کند. در این مقام به چند نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

۱. فقی بن مختار می‌گوید: روزی خدمت امام صادق علیه التیلام بودم. آن حضرت در فسن برخواستی که پیش آمد تصریح کرد که اسماعیل جانشین او نیست. در امامه این روایت آمده است که امام صادق علیه التیلام فرزندش امام کاظم علیه التیلام را در مقام جانشین خود به فقی بن مختار معرفی کرده ۱۱۰.

۲.احسان بن عمار سیرمی می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام به امامت اسماعیل اشاره کردید و امام شکر فرمودند: ۳۱

۳.در روایت آمده‌است که ولید بن مسیح به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

عده الخلیف به من گفته که شما اسماعیل را اوصی خود قرار داده‌اید. امام علیه السلام این امر را انکار و امام کاظم علیه السلام را جانشین خویش معرفی کردند. ۴۱

۱۱). در حدیثی از رسول گرامی آمده‌است: «انا نسبت النبی و علی سید الوصیین و ان اوصیای بعدی انا مشر اولهم علی و

آخرهم الهادی» شیخ سلیمان بن ابراهیم فتاوی حنفی، پنج البوده فتاوی الرقی، ج ۳ ص ۱۲۴. گفتگوش فتاوی باب ۹۴ کشیش را به ذکر امامت رسیده درباره مهدی موعود (جمع) اختصاص داده که اکثر آنها از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است.

۱۲). محمد بن حسن طوسی، رجال کشی، ص ۳۵۵ ش ۶۳۳

۱۳). محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۶۶

۱۴). محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۲۲ برای آشنایی بیشتر، در کتبه محمد بن یعقوب کشی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۸-۳۱۱-۳۱۰-۳۱۱. محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۶

تصویر امامان شیعه،ص:۳۳۳

افزون بر آنچه گذشت، در جامع حدیثی شیعه و برخی منابع اهل سنت، در موضوع معرفی امام کاظم علیه السلام به جانشین پدر در سنین کودکی و نوجوانی، احادیثی ثبت و ضبط شده است:

۱. ابن صیغ مالکی، در الفصول المهمه می‌نویسد:

روزی منصور بن حازم به امام صادق علیه السلام عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت هر پاسبان و سپین چاهایی را در پیانده‌ام اگر چنین پندامی شد، امام کیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود: اگر چنین شد، او امام شمساست، و دست بر شانه راست امام موسی کاظم علیه السلام نهاد.

منصور بن حازم می‌گوید: امام کاظم علیه السلام در آن زمان سالخ ساله بود ۱۱

۲. در حدیث دیگری آمده است: فطی بن مختار گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم که چه کسی پس از شما امام ماست؟

فطی بن مختار می‌گوید: در این هنگام امام کاظم علیه السلام که در آن زمان پسر چهاری بود وارد شد و امام صادق علیه السلام با

اشاره به امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: وی امام و صاحب شمساست، پس به او تسلیت جوید۱۲

۳. در حدیث دیگری نیز که عبد الرحمن بن حجاج از امام صادق علیه السلام درباره امام پس از ایشان می‌پرسد، حضرت، امام کاظم علیه السلام را معرفی می‌فرماید: ۴۱

۴. در روایتی دیگر آمده است: یعقوب سراج می‌گوید:

نزد امام صادق علیه السلام رفتم، دیدم کنار گهواره پرش موسی ایستاده

محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۲-۳۲۶. محمد بن حسن طوسی، رجال کشی، ص ۳۵۵ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۲۰

۱۱). ابن صیغ مالکی، الفصول المهمه، ج ۲، ص ۲۲۲ محمد بن یعقوب کشی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۶

۱۲). ابن صیغ مالکی، الفصول المهمه، ج ۲، ص ۸۳

۱۳). همان.

تصویر امامان شیعه،ص:۳۳۵

بود و سستی با وی را می‌گفت. آن‌گاه که از روز گفتن فرایع شد، نزدیکش رفتم و به من فرمود: نزد مولایم برو و بر او سلام کن. من کنار گهواره رفتم و سلام کردم. موسی بن جعفر علیه السلام که در آن هنگام کودکی در گهواره بود با کمال شیطانی جواب سلام مرا داد و فرمود: پر آن نام را که در روزی در دعوت نهایی عرض کنی، از خداوند آن نام را بپسندد می‌داده. یعقوب سراج گوید: دختری برام به دنیا آمده بود و من نام وی را حسینا نهاده بودم. امام صادق علیه السلام فرمود: برو و به دستور و اوصی من جعفر علیه السلام رفتار کن تا هدایت یابی. گوید: رفتم و نام خنوم را عرض کرده ۱۱

۵. در روایتی از نقل از فضل بن عمر آمده است:

روزی امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام را که در آن هنگام کودکی بیش نبود، نام برد و فرمود: این است آن فرمودی که در خاندان ما برای شیعیان ما یا برکشتر از آن باید نامیده. سپس به من رو کرد و فرمود: به اسماعیل جلو درشت کنیید. ۱۱

۲. اقتباس الکتوی عیبت آخرین امام از واقعه نوسه نینه انا مشری

توسینده آنچه که اقتساب واقعه را از شیعه برمی‌رسد، می‌گوید: واقعه، ظاهراً در اواخر قرن سوم یا انا مشری که دیگری واقعه را در عیبت آخرین امام اقتساب کردند، درهم آمیخته‌اند.

این ادعای توسینده کلاماً می‌باید و اساس استند (زیرا دینشبه عیبت آخرین امام، پیش از ظهور واقعه در شیعه وجود داشته است، و ظاهراً یکی از

۱۱). محمد بن یعقوب کشی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۷. محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۹. ابو علی فضل بن حسن طوسی، اعلام الزری، ص ۲۹۹

۱۲). محمد بن یعقوب کشی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۶

تصویر امامان شیعه،ص:۳۳۳

عقل تشعبت واقعه وجود همین تشبیه در میان شیعیان بوده است؛ لیکن در تعیین مصداق امام طالب به اشتباه و تشبه زبیر بر اساس احادیث متواتر در جامع حدیثی شیعه، آخرین امام که از نظر ما طالب می‌شود دوازدهمین امام است. در این زمینه از رسول گرامی اسلام و دیگر امامان پیش از امام کاظم علیه السلام با ذکر اسامی امامان دوازده گانه احادیث پرشماره و بجای ماندند، و برخی از این احادیث به عیبت آخرین امام اشاره شده است. ۱۱. برای نمونه: یحییٰ بن ۱۹ سوره نساء، ۲۴. نازل شد جابر بن عبد الله الصاری از پیامبر برسیه: اولی الاچه کسانیه هستند؟ پیامبر فرمود: ایشان جانشینان من و امامان مسلمانان هستند. نخستین آنان علی بن ابی طالب، سپس حسین و حسن و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی، و سپس، مهتاب و هم که می‌رند کسی که از شیعایش طالب خواهد شد. ۴۱

چنانکه در ملاحظه می‌شود در این حدیث رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با تصریح به اسامی امامان دوازده گانه، عیبت امام دوازدهم را نیز مطرح کرده است.

مهیچیز در کتاب کمال الدین و تمام النعمه، از علی علیه السلام روایت شده است: فقامت عیبتی طولانی داده و او وقتی پیام کند میعت کسی در گردن او نینستد از این روی، هم عیوش محلی است. اوصاف یاد شده در این روایت، کلاماً بر حضرت مهدی (جمع) منتسب است، و امام کاظم علیه السلام ۴۱

۱۱). در این زمینه احادیث پرشماره وجود دارد. برای اطلاع بیشتر، در کتبه محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۶، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۳. محمد بن نعمان (شیخ مفید)، رسائل فی الغیبه، ج ۲، ص ۱۲۳ محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۱۹۹، ۱۹۵، ۱۹۸. مهیچیز، در کتظف الله صفای گویاگنجی، منتخب الار فی امام الثاني عشر، ص ۲۱۶-۲۱۷-۲۱۴.

۱۲). یا ایها الذین آمنوا اطیبا الله و اطیبا الرسول و اولی الامر منکم.

۱۳). محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۰۳، ۲۰۸.

۱۴). کتظف الله صفای گویاگنجی، منتخب الار فی امام الثاني عشر، ص ۲۱۶-۳۱۷.

تصویر امامان شیعه،ص:۳۳۳

باز در کتاب کمال الدین و تمام النعمه، از امام صادق علیه السلام روایت شده که عیبت، در ششمن فرزند وی که دوازدهمین امام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است، واقع می‌شود. ۱۱

در کتابیة الار نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت قائم (جمع) از صلب وی و فرزندش امام کاظم علیه السلام است، و اینکه امامان دوازده نرند و اگر از دنیا برون یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌گرداند تا قائم ظهور کند. ۴۱

بنابراین اعتقاد به عیبت آخرین امام نزد شیعیان انا مشری، به هیچ روی، اقتباس از واقعه نینست، و بر اساس روایات متواتر، پیش از ظهور فرقه واقعه چنین اعتقادی وجود داشته است.

البته باید به یاد آورد توسینده، پس از آنکه دیگری عیبت آخرین امام را نزد شیعیان انا مشری اقتباس از واقعه می‌شمارد، می‌گوید: مرخصی، به نظر می‌رسد که آموزه انا مشری در باب عیبت "سفر" ال "کبرا" الحسنگهی واقفی داشته باشد، و عرض، در روایات از آن خبر داده شده است. اما روایتی که بدان استناد می‌کند، بنا بر داشت خود توسنده، به دو موقعیتی اشاره کرده که امام کاظم علیه السلام از مدینه بیرون برده خواهد شد و امام صادق علیه السلام با توجه به این دو موقعیت، پیش‌بینی می‌کند که پسرش در بار طالب خواهد شد.

بنابراین عیبت روایتش خود توسنده، روایت متیور به عیبت امام دوازده (آخرین امام نزد شیعیان انا مشری) ربطی ندارد، و از این روی، باید گفت آموزه انا مشری در باب عیبت "سفر" و "کبر" به نظر توسنده، حسنگهی واقفی ندارد. و می‌بایست به روایاتی استناد می‌جست که به عیبت آخرین امام نزد شیعیان انا مشری اشاره کرده و اگر نظر توسنده جز این باشد و دیگری عیبت

۱۱). محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۳

۱۲). کتظف الله صفای گویاگنجی، منتخب الار فی امام الثاني عشر، ص ۳۱۸

تصویر امامان شیعه،ص:۳۳۸

آخرین امام را نزد شیعیان انا مشری، اقتباس از واقعه بدانند، در آن صورت روایاتی که برشمردیم، در در نظریه وی کافی به نظر می‌رسد.

۵. امام کاظم علیه السلام و ابقای نقل در میان نلات

در بحثی از مقاله آمده است: امام کاظم علیه السلام تقاضی همس در میان برخی نلات ایفا کرد، سپس در ادامه و در تأیید این اظهار نظر خویش یاد آورد می‌شود که نقل بن حمر جعفر عطیعی در زمانان بغداد با امام ملاقات و از وی مراقبت می‌کرد، و امام کاظم علیه السلام، او را بنا بر خود خود نامیده است.

اگر مقصود توسینده این باشد که امام کاظم علیه السلام در برابر تفکار الحرفی غلات هیچ گونه واکنشی از خود بروز نمی‌داد، و بلکه برعکس بوند کارهای آنان بود، مدعیان کلاماً می‌باید و اساس استند زیر امامان مطهم السلام، از جمله امام کاظم علیه السلام، با تفکار و دینشبه‌عقلی غلات به شدت مبارزه می‌کردند. در این زمینه احادیث پرشماره بر فکر و افکار غلات دلالت دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. من علی علیه السلام، بنی الکفر علی ریح دعواتهم الفسق و الشک و الشبهه ۱۱۱. اکثر بر چهچهار ستون فسق، ظلم، شک و شبهه استوار است؛

۲. در حدیث دیگری آمده است امام صادق علیه السلام محمد بن مفلحس کوفی، یکی از رهبران غلات را لعنت کرد، و به همه پادله نامه نوشت تا از وی برائت جویند و لعنتش کنند. ۴۱. اصحاب خود را نیز به قطع ارتباط با غلات مظلوم کرد و فرمود:

لا تقادوموه و لا یزاکوموه و لا تشابروهم و لا تصالحوهم و لا یزاکوموه؛ ۴۱

۳. باز از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

۱۱). محمد بن یعقوب کشی، اصول کافی، ص ۳۶۹

۱۲). نعمان بن محمد (قاضی نعمانی) دعوات الاموال، ص ۶۲-۶۳

۱۳). اسد جلود الاموال و المناقب و الشذاهب، الاربعه، ج ۴، ص ۱۵۱

تصویر امامان شیعه،ص:۳۳۸

«کویچکترین چیزی که انسان به واسطه آن از ایمان خارج می‌شود، ششمن مر مجلس نظرکننده گان و گوش دادن به سخنان تسندی گفته‌های ایشان است. پدرم، در حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله برابیم نقل کرد که فرمود: بود خائفه از اوست، من [یعنی] غلات و قدریه از اسلام برهاری ندانند.» ۴۱

۴. روایت کرده‌اند امام کاظم علیه السلام، محمد بن بشر را که یکی از غلات بود و به الوهیت امام کاظم علیه السلام دعوت

می‌نشانند مأمون لقب هارون را برای پسران فرزند زبیرا او ولایت همدی حقیق را پایتخت و میدان خشود شده است. حضرت فرمود: به خدا سوگند، هر دو می‌گریند و نسبت نژاد می‌دهند؛ بلکه خاندان پیامو را رضا نامیده زبیر و پسران او در آستان از او راضی و پیامبر و امامان و دولت زمین از او خوشنودند.

روایتگر حدیث از امام می‌رسد مگر این ویژگی پسران توده است؟

امام فرمود: چرا ولی پیامو را بیک مشخصه از اجدادمان ممتاز ساخته بود زبیر مخالفان نیز همچون موافقان از او راضی بودند. از این روی، تنها او هارون نامیده شده است. ۴۰

۴۱) ترجمه مفصل، ص ۲۶۶ از همین کتاب.

۴۲) ابن ابویه فی الشیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۵۱

۴۳) ابن ابویه فی الشیخ صدوق، عیون اخبار الرضا ج ۱، ص ۱۱.

۴۴) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹ ص ۲

تصویر امامان شیعه،ص: ۴۶۰

آنان که مدعی اند لقب هارون از سوی مأمون تعیین شده است، آن را به جریان ولایت همدی مربوط ساخته‌اند، درحالی که در اسناد مربوط به دوران قل ولایت همدی همین لقب دیده می‌شود. از جمله در نامه‌ای که از سوی قفل بن سهل برای حضرت ارسال شده و در آن از امام علیه السلام دعوت شده تا به طوس حرکت کند؛ لقب هارون آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَعَلِّي بِنُ مِوسَى الرَّضَاءِ... مَن وَفَى الْقَفْلَ بِنِ سَهْلِ... ۴۱

بر اساس روایها و مدارکهای یاد شده می‌توان اطمینان یافت که لقب رضا به ماجرای ولایت همدی باز نمی‌گردد. ۴۲

۴۳ مأمون ... صرفا علی بن موسی الرضا علیه السلام را به دلیل ویژگیهای فردی، به منزله مناسبترین شخص، به جانشینی خود منصوب کرد. ۴۳

تویسنده تنها با تکیه بر متن سند ولایت همدی به صداقت و راستی گفتار مأمون ایمان پیدا کرده و متعقد است همچنان که در عهدنامه آمده است، امام رضا علیه السلام را با دلی ویژگیهای شخصیتی‌اش جانشین خود معرفی کرده است. اما شواهد و دلایلی فراوانی وجود دارد که عدم صداقت مأمون را ثابت می‌کند و انگیزه‌های سیاسی او را از این ظاهر سازی و حوافر بی رویش می‌سازد:

برای مثال، چرا مأمون هنگامی که امام علیه السلام در مدینه بود ایشان را به خلافت منصوب نکرد و حضرت را با آنکه در تحت نظر مأموران به مرو آورد؟ ۴۴ درحالی که می‌توانست در مرو به نام امامی بخواند و خطبه بخواند و خطبه ایران را به نمایندگی از سوی حضرت نگاهداری کند؟

۴۱) جعفر مرتضی‌ عاقلی، الحیاه السیاسیه للامام الرضا علیه السلام، ص ۴۶۶

۴۲) برای توضیح بیشتر، کذا:محمد جواد معینی و احمد نزاری، امام علی بن موسی الرضا ندای توحید و امامت، ص ۱۷.

۴۳) ترجمه مفصل، ص ۲۶۶ از همین کتاب.

۴۴) محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد ج ۲، ص ۲۵۸

تصویر امامان شیعه،ص: ۴۶۱

یا چرا دستور داد تا امام را از ضرره و اهواز و فارس که اتفاق راضی سخت و گرم و ناراحت کننده بود عبور دهند؟ ۴۱

یا چرا در نخستین دور مذاکرات که به امام پیشنهاد خلافت می‌داد، خود را ولعهد خواند، ۴۲ در صورتی که می‌بایست ولایت همدی را پس از حضرت رضا علیه السلام به امام جواد علیه السلام واگذار می‌کرد یا دست‌کم به اختیار امام می‌گذاشت؟

اگر مأمون از سر اعتقاد و ایمان چنین تقاضای کرد، چرا وقتی با امتح امام علیه السلام رویرو شد، ایشان را تهدید کرد و حضرت را با حیر و اکراره به قیول ولایت همدی وفاد ساخت؟ ۴۳

یا چرا وقتی امام رضا علیه السلام شهید شده، مأمون که همان ارادت را به امام جواد علیه السلام نیز اظهار می‌کرد، مأم ولایت همدی را به آن حضرت تقبض کرد؟

و چرا مأمون در ماجرای مشهور نزار علی، حضرت را از زینم ده بازگردانید و نخواست توجه توده مردم به آن حضرت جلب شود؟ ۴۴ و ...

مأمون در برابر اعتراض هارون‌احسان حکومت عباسی در باب ولایت همدی امام رضا علیه السلام، مطلقا بی بیان کرد، که خطوط اصلی سیاست وی را در این‌باره روشن می‌سازد او گفت:

«این مرد [امام رضا علیه السلام] گزیده‌ای خود را از ما پنهان کرده و مردم را به امتداد خود می‌خواند، ما او را بسین جهت ولعهد فرادادیم که مردم را به خدمت ما خواندند، به سلطنت و خلافت ما اعترف کنند، و در ضمن، فرهنگشان بداندت که او آنگان که ادعا می‌کند نبیست، و این امر (خلافت) خالصانه ماست نه او؛ و همچنین تردیدیم اگر

۴۱) جلیل هراقل‌منش، تحرفای تاریخی حضرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو، ص ۴۹ به بعد.

۴۲) محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد ج ۲، ص ۲۵۸

۴۳) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹ ص ۱۶.

۴۴) محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد ج ۲، ص ۲۶۶ بن مقبوب کاتبی، اصول کاتبی، ج ۲، ص ۴۰۹

تصویر امامان شیعه،ص: ۴۶۱

او را به حال بد نگذازدیم، در کنار ما شکافی پدید آورد که توانیم آن را بر کتیب و کتیبه‌های علی ما بکنند که ثابت نمونش را نداشته باشیم. اکنون که با وی این شیوه را پیش گرفته و در کنار او مرتبک خطا شده و خود را با بزرگ کردن وی در قبه بنگار فراداده‌ایم، باید، در کنار او سهل‌الگیر کنیم بدین سبب باید کم‌کم از شخصیت و عظمت او کاهیم تا او را تود مردم به صورتی درآوریم که از نظر آنان شایستگی خلافت را نداشته باشد؛ سپس دربره او چنان چاره بیندیشیم که از عظمت او که ممکن بود گریزناش را بگیرد، جلوگیری کرده باشیم. ۴۱

بناراین می‌توان هدفهای مأمون را از سیران ولایت همدی به امام رضا علیه السلام، چنین فهرست کرد:

۱. کشش از تفکاد طویان یا عباسیان؛

۲. فرودشدن پنهانها؛

۳. نظارت بر امام و محدود ساختن آن حضرت؛

۴. محدود ساختن قدرت امام علیه السلام؛

۵. مشروع جلوه دادن خلافت؛

۶. یافتن پایگاه اجتماعی؛

۷. ... و ...

تیین هر یک از این موارد مجال گستر دیگری می‌طلبد.

۴۱) ابن ابویه فی الشیخ صدوق، عیون اخبار الرضا ج ۲، ص ۱۶۷- ۱۶۸.

۴۲) علامه سید جعفر مرتضی، اندیشمند و محقق برجسته تاریخ اسلام در کتاب پرورش الحیاه السیاسیه للامام الرضا علیه السلام، یازده نگاه و نه منزله انگیزه‌های اقدام مأمون در واگذاری اجباری ولایت همدی به امام رضا علیه السلام بیان کرده و برای هر کدام شواهد و قرائنی برشمرده است که خوانندگان برای اطلاع بیشتر می‌توانند به این کتاب مراجعه کنند.

تصویر امامان شیعه،ص: ۴۶۱

ازون بر این، امام با الخلفا نواضعی مطلق در برابر توفه و توفند مأمون، بر همگان روشن ساخت که مأمون در واگذاری ولایت همدی، صداقت عمل نگرده است و این کار را تنها برای حفظ منافع سیاسی خود انجام داده است.

۱. امام تا وقتی در مدینه بود از پذیرفتن پیشنهاد مأمون خودداری ورزید و آنقدر سرسختی نشان داد تا بر همگان معلوم بدارد که مأمون به هیچ روی از او دست برنمی‌دارد. متون تاریخی نیز به صراحت گواهی می‌دهند که دعوت امام از مدینه به مرو، به ن به اختیار ایشان، بلکه با اجبار صورت گرفته است. ۴۱

۲. چراغی آنکه مأمون از امام خواست بود از خاندانش هر کسی را می‌خواست همراه خود به مرو بیاورد، امام با خود هیچ یک از اعضای خاندان، حتی فرزندان امام جواد علیه السلام را نبرد. ۴۲ درحالی که سفر و تأموریتی بزرگ و طولانی در پیش بود و نیاز ادعای مأمون، رهبری امت اسلام به امام واگذار می‌شد.

۳. امام در نیشابور و در میان ایوب مردم منتظر که نشته نشینان سخنان ایشان بودند، یا آن روایت معروف لقبه، دهایی همه مسلمانان را به وجد و کسندت بخش توحید نتیجه ساخت و همه دردها و مشکلات و نابسامانیها را در فراموش شدن این گزهر گزاینها خلاصم کرد و آن‌گاه داد، آن‌گاه داد، آن‌گه توحید شرطهایی دارد و من از جمله شرطهای آن هستم.

بدین ترتیب امام بعد از نودگی از توحید را برای مردم شرح کرد و بر مسئله پادشاه دیگری تأکید ورزید که همان ولایت بود. امام بر همه حاکمیتهای غیر امامی خط مطلق کشید و فلسفه حاکمیت اسلام را اطلاق کفله حق دانست، که این امر تنها در پرتو ولایت امکان‌پذیر است.

۴۱) بیشتر منابع تاریخی این امر را تأیید می‌کنند. برای نمونه، در کذا: ابو الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۷۵

۴۲) ابن ابویه فی الشیخ صدوق، عیون اخبار الرضا ج ۲، ص ۲۱۷.

تصویر امامان شیعه،ص: ۴۶۱

۴. امام پس از آنکه به مرو رسید، ماهها گذشت و همچنان از موضع مطلق یا مأمون سخن گفت. ایشان به پیشنهاد خلافت را پذیرفت و نه پیشنهاد ولایت همدی را؛ تا آنکه مأمون با تهدیدهای مداوم به قصد جانش برخاست.

امام با چنین موضع گیریهایی به گزیده‌ای زمینجینی کرد که مأمون را زورجوی حقیقت فراداد ایشان به این نیز بسنده نگردد، و در هر فرصتی تأکید می‌ورزید، که مأمون او را به اجبار و تهدید به قتل به ولعهدی رسانده است. ۴۱

حتی امام از نجات خود به دست مأمون خبر داد و پیشاپس مردم را از اعتقاد و توطئه‌های مأمون آگاه ساخت. ۴۲

۵. امام برای پذیرفتن مأم ولعهدی شرطهایی گذاشت و طی آنها از مأمون خواست بود هرگز به کسی را مطلقا نگذارد و نه کسی را حرج کند، و رسم و سنتی را بردارد و نه چیزی از وضع موجود را دگرگون سازد، بلکه از دور مشاور امر حکومت باشد. مأمون نیز تمام این شرطها را پذیرفت. بنابراین می‌تیم که امام بر پاره‌ای از هدفهای مأمون خط مطلق کشید؛ زیرا این وضعگیری دلیلی گزیده بود بر اینک:

الف) امام علیه السلام برای حکومت مأمون مشروحت قائل نیست؛

ب) سیستم موجود هرگز نظر امام را به منزله یک نظام حکومتی تأمین نمی‌کرد؛

ج) مأمون برخلاف آنچه در دست، با قیول این شرطها، نمی‌توانست کارهایی را به نام امام یا به دست او انجام دهد؛

د) امام هرگز حاضر نبود تصمیمهای قدرت حاکم را اجرا کند. ۴۳

۴۱) ابن ابویه فی الشیخ صدوق، امامی، ص ۲۲

۴۲) ابن ابویه فی الشیخ صدوق، عیون اخبار الرضا ج ۲، ص ۱۲۳ ابن ابویه فی الشیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۶

۴۳) سید جعفر مرتضی، الحیاه السیاسیه للامام الرضا علیه السلام، ص ۴۶۸- ۴۸۳.

تصویر امامان شیعه،ص: ۴۶۵

منابع و مأخذ

۱. ابن ابویه، احمد بن قاسم، عیون الاخبار، اصدار دار الکتور بیروت، ۱۳۶۶

۲. ابن ابویه فی الشیخ صدوق، محمد بن علی، امالی، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۲۰ ق.

۳. ابن ابویه فی الشیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، مکتبه الجبوریة، نجف شرف، ۱۳۵۰ ق.

۴. ابن ابویه فی الشیخ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، مطبعة الجبوریة، نجف، ۱۳۲۰ ق.

۵. ابن ابویه فی الشیخ صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، مکتبه الملیقیة، قم.

۶. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، المنظمة الرضائیة، مصر.

۷. ابن نعمان (شیخ مفید)، محمد بن محمد، الارشاد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، ۱۳۱۳ ق.

۸. ادیب، عادل، نقش امامان معصوم در حیات اسلام، ترجمه منیا جبارید، تهران، دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵

۹. اصفهانی، ابو الفرج، مقاتل الطالبیین، مشورات المکتبه الجبوریة، نجف، ۱۳۸۵ ق.

۱۰. امین، احمد، فشی الاسلام، مکتبه الفیقهة النضریة، مصر.

۱۱. جوادی آملی، عبد الله، علی بن موسی الرضا علیه السلام و الفیلسفة الالهیة، دار الایراء الفتنیة، قم.

- ↑ جز ماملی، محمد حسین، کلمات حدیث قدسی، ترجمه زین العابدین کاشفی، فقه کاشفی، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- ↑ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دار المعتمد، نجف، ۱۳۸۶ ق.
- ↑ عاملی، جعفر طهرانی، المعاد السیاسیه للامام الرضا علیه السلام، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق. تصویر امامان شیعه ۳۶۵ منبع و مآخذ... ص: ۳۶۵
- ↑ عرفان منشا، جلیلی، جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا از مدینه تا مرو، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی مشهد، ۱۳۷۴.
- ↑ قرنی، باقر شریف، حواجی الامام الرضا علیه السلام، سعید بن جبیر، قم. تصویر امامان شیعه، ص: ۶۶۶.
- ↑ کاشفی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، تهران.
- ↑ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- ↑ مبینی، محمد جواد و زاری، احمد، امام علی بن موسی الرضا سادی توحید و امامت، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۶.
- ↑ تصویر امامان شیعه، ص:۳۶۷

امام محمد بن علی الجواد علیه السلام

اناره

نویسنده: دیلیو، مادلورنگ،iW Madelung

ترجمه: حسین سعیدی

تصویر امامان شیعه، ص:۳۶۸

[**من ترجمه**]

محمد بن علی الرضا (علیه السلام)

محمد بن علی الرضا بن موسی بن جعفر، ابو جعفر الجواد یا الثقی، هفتمین امام شیعه اثناعشری است. او در رمضان سال ۱۹۵ ق، زون ۸۱۱ ه‍. در ملک صربا (۱) متعلق به پدر زرتشت در تودنگی مدینه به دنیا آمد. مادرش کتیری به نام سبکه و اهل تویه (سرزمینی باستانی که در مصر و سودان امروزی قرار داشته بود که گفته‌اند از خاندان ماریانی قطعی - کتیر پیامبر و مادر پسرش ابراهیم- بود.

پایر سایر اقوال، نام اصلی وی ذمه بود و امام رضا (علیه السلام) او را خیزران می‌نامید.

محمد (علیه السلام) تخصص سیاست‌پوست توحیف شده و ظاهراً تصمیم حلیفه مأمون برای ترویج دخترش ام القفل را وی، تا حدودی به همین دلیل مورد انتقاد قرار گرفته است. بهرحال، مخالفت عباسیان با این ازدواج همبویزی داشت و آن مخالفت با سیاست‌های طوی‌گرایانه مأمون بود. در زمان وفات (امام رضا (ع ۲۰۳ ق/ ۸۱۸ ه‍.م، محمد (علیه السلام) که تنها پسر فو، فقط هفت سال داشت. چاشنی او، امامت، درحالی‌که عرس‌مانی نایب بود، مشاجرات فریونی را در بین یزوان پادش ونگفت. عده‌ای از آنان، برادر (امام رضا یعنی احمد بن موسی را چاشنی وی دانستند. گروهی دیگر به واقعه پیوستند که (امام) موسی کاشف را آخرین امام می‌دانستند و منتظر بازگشت وی بودند. دیگری که پس از تصعب

تصویر امامان شیعه، ص:۳۷۰

(امام) رضا به چاشنی خلافت، بنابر دلایل فرستگانه از امامت وی حمایت می‌کردند، به جامع وسیع و زیدی خود بازگشتند. از میان کسانی که محمد (علیه السلام) را در مقام امام (په رسمیت) شناختند، عده‌ای معقه بودند. وی از زمان چاشنی خود- بدون ملاحظه سن و سال - علم کامل و مورد نیاز مسلمانی دینی را از طریق الهی دریافت کرده است؛ اما مدبران ناکیده دانستند که او هنگامی که به بلخ رسید، این علم را از کاهن‌های پادشاه به دست آورد. عقد ازدواج محمد (علیه السلام) با ام القفل در توداو منعقد شده درحالی‌که وی هنوز یک‌کند بود. طوی (ع ۳ ص ۱۰۰۹) این ازدواج را در ذیل واقع سال ۲۰۲ ق/ ۸۱۷ م گزارش می‌دهد. که در آن زمان مأمون دختر دیگرش ام حبیب را نیز به ازدواج (امام)رضا درآورد. اما بطبری (ع ۲، ص ۵۵۶-۵۵۶ این ازدواج را پس از ورود مأمون به بغداد در سال ۲۰۴ ق/ ۸۱۹ م ذکر می‌کند. ازدواج واقعی در سال ۲۱۵ ق/ ۸۳۰ م صورت گرفت، یعنی زمانی که مأمون محمد (علیه السلام) را از مدینه فرخواند، و سر راه خود برای فرستادن حاکمی علیه بیژان، با او در نکریت در ماه صفر/ آوول، ۸۳۰ م خلافت کرد. مأمون به او دستور داد که با ام القفل در یک جا زندگی کنند و این دود، تا رسیدن فصل زیارت (اژدر) به ۸۳۱ م، در منزل احمد بن یوسف که یکی از منتضه‌های مأمون بود، در ساحل رود دجله در بغداد سگایا گردیدند. آن‌گاه امام به همراه خانواده و سنگانش عازم مکه شد و سپس به مکهش در حوالی مدینه بازگشت. پسر و چاشنی او علی (علیه السلام) در سال ۲۱۲ ق/ ۸۲۸ م، از یک کتیز متولد شده بود، و ازدواج با ام القفل بدون فرزند باقی ماند. ائت که ام القفل درباره تبعیضی که محمد (علیه السلام) بین او و کتیزان خود قایل می‌شد، به پادش شکایت کرد، اما مأمون نکلیت او را رد کرد. چاشنی مأمون، یعنی معصوم، یک‌سال پس از به قدرت رسیدن، به دلایل نامعلوم امام را به بغداد فرخواند. او در محرم ۲۲۰ ق، زانو به ۸۲۵ ه‍.م، وارد بغداد شد و اواخر همان سال در آنجا وفات

تصویر امامان شیعه، ص:۳۷۱

یافت (به نظر می‌رسد که ۶ ذو الحجه/ ۳۰ تومار ۸۲۵ ه‍.م، تاریخی است که بیشتر مورد تأیید است). ظاهراً سعیدی (مروج، ج ۱، ص ۱۱۵- پیوسته ۱۳۷۸) که تاریخ وفات او (۲۱۸ ق/ ۸۳۳ م) ذکر کرده، دچار اشتباه شده است. تاریخ دیگری که او ذکر کرده (ج ۲، ص ۱۷۱- پیوسته ۱۳۵۵) پس در زمان خلافت ولایت (۲۲۰- ۲۲۲ ق/ ۸۲۷- ۸۲۷ م) ظاهراً از روایات اشتباه شده ستی و اینکه برای (اژدر) مسلمت در ۲۲۰ ق/ ۸۳۳ م، بر یک‌گام بنامز تونند. برخی از منابع شیعی، معصوم با ام القفل را به موسوم کردن او متهم ساخته‌اند، اما شیخ مفید این مطلب را به صراحت تکذکر می‌کند. او در نزدیک پادش زرنگی (امام) موسی کاشف در مقام قریش در ساحل غربی رود دجله دفن گردید؛ مکانی که سرانجام، حرم کاشفین، مرقده هر دو امام را در خود جای داد.

تصویر امامان شیعه، ص:۳۷۲

منابع و مأخذ

- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۳ ص ۵۴- ۵۵
- سیوط بن العزوی، تذکره القصاص، چاپ مع صادق بحر العلوم، ص ۳۵۸- ۳۵۹، نجف ۱۳۴۳، ۱۹۶۴
- طبری، ج ۳ ص ۱۱۰۲- ۱۱۰۳.
- ماملی، امین‌الشیعه، ج ۲، ف ۲، ص ۱۱۵- ۱۱۵، دمشق، ۱۹۶۵.
- کلبینی، الکافی، چاپ ع. ا. الطاقی، ج ۱، ص ۳۲۰- ۳۲۲، ۳۲۶- ۳۲۷، تهران، ۱۳۸۱ ق/ ۱۳۶۱ م.
- مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۶ م.
- Ibn Abi Tahir Tayfur. K. Baghdad. ed H Keller. Leipzig. ۱۰۸، ۱۲۱، ۳۰۷

۸

Mufid, al. Irshad, ed. Kazim al- Musawi al- Miryamawi, Tehran ۱۳۷۷
۱۲۹۰- ۸، ۳۰۷، tr. I. . K. A Howard London ۱۹۸۱، ۲۸۰- ۹۵

Nawbakhti, Firak al- shi'a ed H retter. Istanbul ۱۹۸۱، ۳۶۱- ۳۷۸

تصویر امامان شیعه، ص:۳۷۳

نقد و بررسی

اناره

سید محمد حسین مرید الهی

تصویر امامان شیعه، ص:۳۷۵

نقد و بررسی

چکیده

امام علیه‌السلام در سه‌دههٔ رمضان یا رجب ۱۹۵ ق در مدینه به دنیا آمد. دربارهٔ رنگ پوست ایشان آرای گوناگونی بر جای مانده است. ولی آن‌گونه که «مادولونگ» گمان کرده نمی‌شود حضرت را سیاه‌پوست دانست. ازدواج حضرت با ام القفل، نیز با اسرار مأمون صورت گرفت. مادولونگ به عرس فراع اهما کرده که ازدواج در تود حضرت صورت گرفت و زندگی مشترک آنان نیز به سال ۲۱۵ ق آغاز شد، ولی بنابر روایات مشهور، این ازدواج در سال ۲۰۴ و با حضور حضرت صورت گرفت و بنابر قراین تاریخی، آن حضرت پیش از سال ۲۱۵ زندگی مشترک خود را با ام القفل آغاز کرد.

امامت حضرت، بنابر نظر مشهور، هفده سال طول کشید، و اگرچه من حکم حضرت، مشکلات را باید آورد، به زودی با توجه به تصریح‌های حضرت رضا علیه‌السلام بر امامت آن حضرت و برسرراهی که شیعیان به عبودت آرزایش، برای آن حضرت مطرح می‌کردند مسئله امامت ایشان مسلم و قطعی گردید و صفای

تصویر امامان شیعه، ص:۳۷۶

تاریکی که مادولونگ بدون مقدمه و بررسی جوانب مسئله، برای خواننده ترسیم می‌کند واقعیتهای ندارد. سرانجام نیز آن حضرت، بنابر قول مشهور، با توجه معصوم و به دست ام القفل در ذو القعدة یا ذو الحجه ۲۲۰ ق شهید و در کار خدش موسی بن جعفر علیه السلام در کاشفین به خاک سپرده شد.

شیخ مدینه نیز اگرچه از شهادت حضرت اظهار بی‌اطلاعی کرده است، منابع پیش از او (مانند عیاشی و ابن بابویه) و منابع پس از او به شهادت حضرت تصریح دارند.

نگاه کلی

امامان شیعه علیهم‌السلام جدی از بعد معنوی و روحانی‌شان، و اینکه واسطهٔ فیض خداوند تعال و آدمیان هستند، و همچنین جنت‌های خدا بر خلق و کامل‌کنندهٔ دین به شمار می‌روند، به واسطهٔ کثیر شرک‌هایی که در دنیای اسلام از خود بر جای گذاشتند همواره کانون توجه مورخان، محققان و سیرت‌نویسان اسلامی- اعم از شیعه و سنی- بوده‌اند، و آنان در آثارشان، گاه مغلط و گاه مختصر به شرح حال و حتی نقل برخی کلمات حکیمانهٔ ایشان نیز پرداخته‌اند.^۱

تذکرهٔ الخواص از ام القلم عبد الرحمن بن العزوی (۹۶۹ ه‍.م، مطابق الشروق از محمد بن طلحه هاشمی (۹۶۴ م، القصور المجلده از ابن سنیاح بلخکی (۹۵۵ ه‍.م، الشذرات الذمیه از ابن طوقان (۹۶۳ م) و ۹۱۰ ه‍.م، تاریخ طوی (تاریخ الرسل و الامم و الملکوت) از محمد بن جریر طبری (۹۳۱ م، تاریخ بغداد از خطیب بغدادی (۹۳۴ م، الکامل فی التاريخ از ابن اثیر (۹۳۰ م) و تاریخ الامم- ذمهی (م ۷۷۸) از جمله آثار گردآوری‌اند، که به ترجمه و شرح حال امامان معصوم علیهم‌السلام نیز

۱) محض نمونه و کذا: بخش آخر این نوشتار.

۲) دربارهٔ آثار اهل سنت که در آنها به شرح حال امامان معصوم پرداخته شده، ر: کذا: رسول جعفریان، تاریخ اسلام، ص ۲۲۷ به بعد.

تصویر امامان شیعه، ص:۳۷۷

پرداخته‌اند. در این میان مستشرقان اروپایی نیز از این قاعده مستثنا نوده، در آثار خود، که اغلب برگرفته از منابع اهل سنت است، به معرفی و شرح حال امامان معصوم علیهم‌السلام پرداخته‌اند. مادولونگ، ۹۱، از جمله مستشرقانی است که به ترجمه و شرح حال اهل بیت علیهم‌السلام، و از جمله امام جواد علیه‌السلام، پرداخته و در مقالهٔ خود دربارهٔ آن حضرت، عمدتاً به سه محور از زندگی آن حضرت اشاره کرده است:

- مشخصات فردی آن حضرت (تاریخ و محل تولد، نام پدر و مادر، رنگ پوست و شامیل، و تاریخ و جغرنگی وفات)
- ازدواج امام
- اختلاف امت پس از شهادت امام رضا علیه‌السلام بر سر امامت آن حضرت.
- مادولونگ به ایعاد دیگر زندگی آن حضرت پرداخته و در مواردی نیز که بدان اشاره کرده کلام او خالی از مناقه و تأمل نیست، و شایسته بود وی دست‌کم به بعضی از کلمات حکیمانهٔ آن امام که از منبع وسیع سرچشمهٔ گرفته و دانشمندان اسلامی و غیراسلامی با تأمل در آنها توانسته‌اند به معارف بلند و اسرار ژرف و عمیق آن بی‌پردانهٔ اشاره کنند.

ما در این نوشتار، ضمن نقد و بررسی به محور یاد شده، محض نمونهٔ بعضی از کلمات آن حضرت را از منابع اهل سنت آورده‌ایم.

ملایط کرد. در این ملاقات مأمون بر حضرت امر کرد که با دخترش ام الفضل

- (۱) شیخ مفید این حدیث را به نقلی در الإرشاد، ج ۲ ص ۲۸۱–۲۸۸ آورده است.
- (۲) محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) عون اخبار الإرشاد ج ۴، ص ۱۲۷.
- (۳) محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۵ ص ۱۲۵.
- (۴) محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۸۱–۲۸۸.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۸۴

زندگی رازشویی را آغاز کند، خانه احمد بن یوسف را که در ساحل رود دجله بود برای آن در نظر گرفت. حضرت تا امام مع در آنجا بودند و سپس با اهل و عیال خود رخصتار کرد، ششصد و بیس از پادان فرامسج به مدینه بازگشتند. ۱۱۰ این گنجه طبری ظاهراً درست نیست؛ زیرا گنجه‌ش از اینکه با گنجه‌های پیشین یکی سازگاری ندارد، فرقی دیگری بر د آن نیز در دست است. شیخ مفید می‌گوید: هنگامی که آن حضرت با ام الفضل در مدینه بودند، ام الفضل ندانی به پدرش نوشت و شکایت کرد که ابو جعفر کتیر اختیار کرده و هوو بر سر من می‌آورد. پس مأمون در پاسخ او نوشت که ما تو را به ازواج او در نیاوریم که حلال را بر او حرام کنیم، و از این به بعد این‌گونه شکایت‌ها را پیش ما نیاور. ۱۱۰ از طرفی در متاع آمده است که مادر امام علی بن محمد بن علی بن موسی (امام هادی علیه‌السلام) کتیری به نام جانه ۴۰ یا سنامه بود، ۴۰ و آن حضرت در نیمهٔ قحطه ۱۲۱ق، ۵۰ و بنابر بعضی دیگر از روایات در رجب سال ۲۱۴ که امام علیه‌السلام با دختر مأمون حج به جای آوردند فرستاد شد، ۴۰ و این گویای آن است که مدعی‌های طبری، یعنی اینکه زندگی مشترک امام با ام الفضل از سال ۲۱۵ آغاز شده، درست است.

امامت حضرت جواد علیه‌السلام ۱۰۰

با شهادت امام رضا علیه‌السلام در صفر سال ۲۰۳، مقام امامت به آن حضرت رسید، ۸۱ که در حالی که از سن ایشان هفت سال و چند ماه می‌گذشت، ۹۱ من کم حضرت سبب

- (۱) محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۵ ص ۱۸۱.
- (۲) محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإرشاد، ص ۲۸۸، مادلونگ در مقاله خود به این حدیث اشاره کرده است.
- (۳) علی بن حسین سموعی، اثبات الرضیه، ص ۱۲۳.
- (۴) محمد بن یعقوب کتیبی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۲۲. محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإرشاد، ج ۳، ص ۱۲۷. محمد بن قائل نیشابوری، روضه الواضین، ص ۲۲۶.
- (۵) همان.

- (۶) علی بن حسین سموعی، اثبات الرضیه، ص ۱۹۳. علی بن عیسی اربلی، کشف الغم، ج ۴، ص ۳۶۶.
- (۷) سونیم محور از مباحث مطرح شده در مقاله مادلونگ.
- (۸) محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۲۷.
- (۹) علی بن حسین سموعی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۶۶. محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإرشاد.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۸۵

اختلافات و مشاجراتی میان اصحاب و کسانی شد که در عهد حضرت رضا علیه‌السلام مدعی پیروی آن حضرت بودند، و شاید گروهی من کم حضرت را بهانه‌ای کرده بودند برای جدا شدن از پیگروه شیخ و ایجاد اختلاف در میان شیعیان، زیرا(۱) اگرچه انتقال امامت به شخص دیگری تا آن زمان سابقه نداشت، لیکن امام رضا علیه‌السلام پیش از شهادت خود با تصریحات متعدد و امام حجت بر شیعیان به نحای گریزناگرم نوشته بود این مسئله را تا حدی بر همگان مسلم و روشن سازد.

محضر نموده:

۱. هنگامی که صفوان بن یحیی خدمت امام رضا علیه‌السلام رسید و از حضرت پرسید: اگر حله‌های برای شما رخ دهه پس از شما امامت بری چه کسی خواهد بود؟ امام رضا علیه‌السلام درحالی که حضرت جواد علیه‌السلام مقابلش نشسته بود و پیش از سه سال نداشت به او اشاره کرد، عنوان گفت: فدایت شوم، او سه سال پیش نداد.
- حضرت فرمود: چه اشکالی دارد؟ حیی علیه‌السلام حجت خدا بر خلق شد، دجالی که کمتر از سه سال نداشت. ۱۱۰
- یحیی بن حبیب نقل می‌کند که گروهی نزد حضرت رضا علیه‌السلام بودند.
- هنگامی که قصد رفتن کردند، حضرت به آنان فرمود یا (ابو جعفر)، ملاقات کنید و به او سلام دهید و با او تجدید عهد کنید.

۱۱. تائید همان‌گونه که نوحی(از دانشمندان ثرن سوم هجری) می‌گوید، عدلی به سبب دیباقتی و به صورت تصحیح امامت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام را پذیرفتند، با اینکه پیش از تر مرجه و اهل الحدیث

ج ۲، ص ۱۲۳. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۲۶۱. در برخی منابع دیگر، من حضرت جواد علیه‌السلام هنگام وفات پدرش شش سال و چند ماه ذکر شده است. ر: کذا علی بن حسین سموعی، اثبات الرضیه، ص ۱۹۲.

- (۱) محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۲۷، ۲۲۹.
- (۲) همان، ص ۲۸۰.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۸۴

بودند، ولی هنگامی که حضرت رضا علیه‌السلام از دنیا رفت به رأی پیشین خویش بازگشتند و اینها عمدتاً نام گرفتند. ۱۱۰ به هر روی، آن‌گونه که نوحی در قی الشیعه و مادلونگ در مقاله خود اشاره کرده است، پیروان امام رضا علیه‌السلام پس از شهادت

آن حضرت به چند فرقه و سه تفسیم شدند:

الف) زوفاهی به امامت امام جواد علیه‌السلام قائل شدند؛

ب) زوفاهی با امامت احمد بن موسی بن جعفر معتقد شدند و گفتند پدرش امام موسی بن جعفر علیه‌السلام او را پس از برادرش امام رضا علیه‌السلام وصی قرار داده است؛

ج) مؤلفه: که به امامت امام رضا علیه‌السلام عقیده داشتند و چون حضرت وفات کرد، دربار امامت حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام به توفیق معتقد شدند و دربارهٔ وصفی گفتند؛

د) محدثه: که ذکر آن گذشت؛

و زوفاهی از زبیدی، که چون مأمون با عوان ولایت مهدی، با امام رضا علیه‌السلام بیعت کرد، به امامت حضرت معتقد شدند، ولی پس از حضرت رضا علیه‌السلام به عقیده پیشین خود بازگشتند. ۱۱۰

اما کسانی که به امامت حضرت قائل شدند نیز در کیفیت ظلم امام اختلاف کردند. پاره‌ای گفتند: امام ناگهیر و به‌طور قطع باید عالم باشد و علم او از پدرش به او رسیده؛ زیرا دجالی که چهار سال و اندی از سن او می‌گذشت پدرش را به خرامان برد و ولی خداوند هنگام بلوغ، علمی که لازمه مقام امامت است به او تعلیم می‌کند. بعضی نیز گفتند: او پیش از بلوغ امام است و هنگامی که بیایع شد، علم او را نه از طریق الهام و انعام و لقب و شهادت سماعی فرشته، بلکه از راه مطالعه کتابهای پدرش به دست خواهد آورد چرا که وصی منتظر گشته است.

- (۱) حسین بن موسی نوحی، فوق الشیعه، ص ۸۵.
- (۲) همان، ص ۸۶.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۸۷

گروه سوم نیز (که راه مواب رفتند) گفتند: جایز است امام در ظاهر، فوید تابعی، حتی بک ساله، باشد؛ چه او محقق الله است و قدرت و قوه او از جانب خداست؛ و علم بود او در این و الهام شدت بر او از جانب خدا و رؤیای صادق و شنیدن او از فرشته و غیر اینها جایز و ممکن است، همان‌گونه که یحیی ابن زکریا و عیسی بن مریم در کودکی، حجت خدا بر مردم بودند. ۱۱۰

الف) بعضی می‌نماید، که این گروه البته اندک شمار بودند، و برای بسیاری از مردم حتی کسانی چون یونس بن عبد الرحمن، مسئله علم امام در آن سن کم، بی‌سابقه باقی بود، اگرچه اصل امامت آن جانب را پذیرفته بودند. در روایتی آمده است:

پس از شهادت حضرت رضا علیه‌السلام، زبان بن صلیت، صفوان بن یحیی، یونس بن عبد الرحمن و جماعتی از بزرگان شیعه در خانه عبد الرحمن بن حجاج گرد آمده و ضجه و ناله بر می‌داشتند. یونس بن عبد الرحمن گفت:

گریه و ناله را کنار گذارید، اکنون بگریید تا ابو جعفر بزرگ شود، صفای خود را باید از چه کسی پرسیم؟ در این هنگام زبان بن صلیت خشک‌نگین شد، و رخسارت و دست را بر خلق پرتوس گذاشت و درحالی که فشار می‌داد گفت: تو خود را در ظاهر مومن به امام جواد علیه‌السلام ندانی، یعنی ولی پیوسته است در باطن و در امامت او تردید نداری، و شک و شرک خدا بر پنهان نمی‌کند. اگر امامت او از جانب خدا باشد، حتی اگر ظلم بیک روزه بود، تو مژده شیخ است؛ و چنانچه از جانب خدا نباشد، حتی اگر هزار سال نیز عمر کرده باشد، مانند دیگر مردم است. در این هنگام گروهی برخاستند و زبان آرام کردند. ۱۱۰

همچنین از پاره‌ای روایات برمی‌آید که شیعیان در همان ماههای نخست امامت

- (۱) همان، ص ۸۹–۹۰.

(۲) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۹۹.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۸۸

آن حضرت توانستند با طرح پرسشهای مختلف در مجالس گوناگون و از طریق دانش امام، مسئله امامت آن حضرت را برای خویش روشن و قطعی سازند. ۱۱۰

بنابراین بحران موجود در ابتدای امر امامت ایشان به زودی پایان یافت، و شایسته بود مادلونگ به این امر اشاره می‌کرد.

تئیات حضرت جواد علیه‌السلام

دوران کوتاه امامت هفده یا هیجده ساله امام جواد علیه‌السلام در فضایی حلقان‌آزم به سرعت سیری شد و پس از مأمون معصوم بر کرسی خلافت نگیز زد، بنا به گفته نوحی و شیخ مفید و برخی دیگر، معصوم در سال ۲۴۰ امام را به بغداد فراخواند، و آن حضرت دو شب مانده به محرم وارد بغداد شد و در آخر اربعه، همن سال وفات کرد. هنگام وفات، ۷۵ سال و اندی از سن او می‌گذشت. ۲۱ شیخ مفید می‌نویسد: گفتند آن حضرت را مسوم کردند ولی خبر آن نزد من ثبت نشده است. ۳۰ لیکن بسیاری از محدثان و مؤلفان معتقدند سموعی طبری، اربلی از محمد بن سعید، عیاشی، قائل نیشابوری این سخنان مالکی (با تعریض گفته می‌شود) و ابن شهر آشوب بر شهادت آن حضرت به امر معصوم یا با توطئه او و به دست ام الفضل صریح کرده‌اند. ۴۰. این

- (۱) ر: کت محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۹۹. ۱۱۰۰ علی بن حسین سموعی، اثبات الرضیه، ص ۱۸۶ به بعد.
- (۲) حسین بن موسی نوحی، فوق الشیعه، ص ۸۱. محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۲۵. محمد بن قائل نیشابوری، اربع المرح بن جوزی، روضه الواضین، ص ۲۲۳. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۴۱۱. علی بن محمد بن صیغ مالکی، الفضول الممهده، ج ۲، ص ۱۰۷. محمد بن یعقوب کتیبی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۲۲. تذکره الخواص، ص ۳۵۸. سونیم بن حسین شلیخی، نور الأضهار، ص ۳۳.
- (۳) محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۹۵.
- (۴) علی بن حسین سموعی، اثبات الرضیه، ص ۱۹۲. محمد بن نعمان (شیخ مفید)، دلایل الامامه، ص ۳۶۵. علی بن عیسی اربلی، کشف الغم، ج ۱، ص ۳۶۵. محمد بن سعوم بن عیاش مسرقندی، تقصیر.

تصویر امامان شیعه،ص:۲۸۹

شهر آشوب از این بابویه نیز نقل کرده که آن حضرت به دستور معصوم مسوم شده است. ۱۱۰

دربارهٔ سال وفات آن حضرت اختلافی نیست، ولی در باب ماه و روز وفات، برخی پنجم، ۴۱ و بعضی ششم ذو الحججه را مشخص کرده‌اند. ۴۰ ابن اثیر و اربلی نیز وفات آن حضرت را در ماه ذو الحججه دانسته‌اند. ۴۱

همچنین سموعی در مروج الذهب وفات حضرت را در سال ۲۱۹ دانسته ۵۰ که اشتباه است. همان‌طور که گفته او و ابن اثیر در الکامل که واقت بر آن حضرت نواز خواند، ۴۱ یا در جای دیگر که سموعی می‌نویسد: گفته شده که آن حضرت در خلافت واقعی وفات کرده است، ۸۱. درست نیست و بنا واقعیات تاریخی نمی‌سازد؛ اگرچه سموعی در این نقل قول تنها نیست و علی بن عیسی اربلی از محمد بن سعید و همچنین ابن شهر آشوب در مناقب و ابن جریر در دلائل نیز به صراحت گفته‌اند که آن حضرت در زمان خلافت واق به شهادت رسیده است. ۸۱. شاهد آنکه، سموعی خود در مروج الذهب می‌نویسد:

عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۰. محمد بن قائل نیشابوری، روضه الواضین، ج ۱، ص ۱۲۳. علی بن محمد بن صیغ مالکی، الفضول الممهده، ج ۲، ص ۱۰۵۸. ۱۰۵۸. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۴۱۱.

15. D.M Donaldson ,The Shi ite Religion London ۱۳۳۰، ۲۰۹ ff.
16. İbn Khallikan J. ۲۹5 -> De Slanes translation. İ. ۱۲۶ -> ۶.
17. J.N Hollister ,The Shi a of India .London ۱۳۳۲، ۸۸-۸۹.
18. Shahrastani ,ed Cureton J. ۱۲۸ ff. ,ed Badran ۱۳۳۷، ۸۰-۸۱.
19. al -Nawbakhti ,Firak al -Shi a ,ed Ritter ۱۳۷۰، ۲۷.
20. al -Ya kubi (Houtsma; İ. ۲۱۴، ۱۰۰.
تصویر امامان شیعه، ص:۲۰۱

نقد و بررسی

اشاره

سید قاسم زرقی موسوی

تصویر امامان شیعه، ص:۲۰۳

نقد و بررسی مقاله برنارد لویس، ۱۱۰ دربارۀ زندگی امام هادی علیه التیلام در دایرة المعارف اسلام از جهات گوناگونی قابل توجه و بررسی است:

الف) کلیت مقاله و میزان بیان واقعیت زندگانی امام هادی علیه التیلام

ب) آموخته‌های جزئی نوشتار، بررسی تاریخی، و بیان موارد قوت و ضعف آن.

بخش اول، بررسی کتب مقاله

به نظر می‌رسد مؤلف در معرفی امام هادی علیه التیلام موفق نبوده و توانسته است تحقیق علمی شایسته‌ای ارائه دهد.

از آنجا که منابع استنادی مستشرقان، و در واقع شاخه اصلی تفکر تاریخی آنان را آثار مستشرقان یسین و ملاح اعل سنت تشکیل می‌دهد، انتظار چندان بی‌زمنی‌توان داشت. دیدگاه مغرضانه مستشرقان خنثین که برگرفته از کینه‌تروزیهای کتبی یا اسلام بوده، به مستشرقان بعدی، و حتی مستشرقان معاصر، منتقل شده و در آثار آنان قابل بررسی و اثبات است. اگرچه از دهه‌های

(Lewis ۱) .B

تصویر امامان شیعه، ص:۲۰۴

آخر قرن بیستم هر کتبه‌های علمی نوینی برای ایجاد دوره‌ای جدید از اسلام‌شناسی در غرب در حال شکل‌گیری است که از جمله شاخصه‌های آن انصاف علمی و به‌رومندی از منابع و شتون نخستین اسلام است. این ویژگی‌ها در مقاله لویس چندان ملاحظه نمی‌شود. او در معرفی امام هادی علیه التیلام تنها به بیان تاریخ تولد و وفات، و انتقال امام از مدینه به سامرا اشاره کرده و در همین موارد نیز برای شیعه افرینی، به صورت متشکرتک و مپیغ، به بعضی موارد اختلافی تاریخی پرداخته است. او به موفقیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی زمانه، وضعیت امام و جایگاه او در میان شیعیان، برخورد خلفا با ایشان، و واکنش امام علیه التیلام و اقدامات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی امام در مقام رهبر شیعیان هیچ انتزاعی نکرده است؛ حال آنکه برای معرفی رهبر شیعیان، باید به این موضوعها پرداخته می‌شد.

البته باید به یاد داشت که از دوران امام جواد علیه التیلام تا امام حسن عسکری علیه التیلام، به دلیل محدودیت‌های افعال شده از

سوی خلفا و فرطت شدیدگی که دربار ایشان صورت می‌گرفت، این امامان نمی‌توانستند آشکارا فعالیت کنند؛ به ویژه امام هادی و

امام حسن عسکری علیهما التیلام که در منطقه نظامی امسکر، سکونت داشتند و کاملاً در محدودیت به سر می‌بودند.

بنابراین برای درک واقعیات مربوط به دوران این امامان علیهم التیلام باید تحقیق و تأمل بیشتری کرد و با اتیج در شتون تاریخی به

موارد دست یافت و با تحلیل آن موارد و در نظر گرفتن اوضاع آن عصر به نتایج رسید.

بیان موضوعهای اختلافی در زندگی امام هادی علیه التیلام، مانند طرح دو احتمال دربارهٔ مادر امام هادی علیه التیلام اگرچه

احتمال دوم ترجیح داده می‌شود، اما در شهادت امام و انتساب به افضادک سنی شیعه و عدم ارائه توضیح دربارهٔ منطقه نظامی

مسکر و طرح آن به گونه‌ای که نایک منطقه به نظر رسد، و پرداختن به اوضاع اجتماعی و سیاسی دوران امام هادی علیه التیلام -

اگری داخلی بر عرض‌رویی مؤلف نباشد، دست‌کم نشان کم‌توجهی وی به این موارد و در نتیجه محفظهٔ نبودن این مقاله و دور

تصویر امامان شیعه، ص:۲۰۵

بودن آن از واقعیت است. در بخش دوم این نوشتار به این نکات بیشتر توجه خواهد شد. و با بیان تفصیلی این اوضاع و شرایط به

تفصیل مقاله در این زمینه اشاره خواهیم کرد.

بخش دوم

اشاره

۱. دربارهٔ تاریخ تولد امام علیه التیلام با تحلیلی ساده می‌توان احتمال اول یعنی سال 11۴ یا ترجیح داد. اما مؤلف فقط با بیان عباراتی مبهم از جمله: (سبیری از علمای شیعه، و دیگران بیان می‌نارند) صرفاً دو احتمال را مطرح کرده است. ولی از آنجا که همهٔ منابع - من امام را مگناه شهادت چهل با چهل و یک سال می‌دانند، و از طرفی اکثر منابع سال شهادت امام را ۲5۴ دانسته‌اند، احتمال اول ترجیح می‌یابد.

2. دربارهٔ مادر امام هادی علیه التیلام نویسنده دو احتمال را مطرح کرده است: امام فقیه، دختر مأمون، و سوسانه، ام‌ ولد عربی. در

ترجیح قول دوم بهتر بود به اکثریت منابع اشاره می‌شد؛ زیرا اکثر منابع از سوسانه نام برده‌اند، فقط در بعضی منابع، با لفظ طاهر،

که احتمال آن بسیار ضعیف است؛ از نام الفقیل، نام برده شده است، و این، هیچ اعتباری ندارد.

3. مسئله امامت حضرت هادی علیه التیلام در دوران کودکی و اینکه این امر در آثار کلامی شیعی مشکلات عقیدتی ایجاد کرده،

از نکات قابل توجه در این نوشتار است.

اگرچه بحث تفصیلی در این زمینه در حوز تخصصی علم کلام است، تأثیر مطلق آن را در این نوشتار تاریخی نمی‌توان فرجهاد و

اشاره‌ای کوتاه به آن ضروری است.

امامت از دیدگاه شیعه

امام، از منظر شیعه، جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در هدایت جامعه و رهبر است. در ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی و مذهبی است.

زده شیعه، خلافت و رهبری جامعه، منصبی الهی است، و رهبر باید از

تصویر امامان شیعه، ص:۲۰۶

سوی خداوند تعیین نمین شود. هدایت جامعه یا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آغاز شده و پس از او دوازده امام که نمایان آنان در روایات شیعی آمده است، این راه را ادامه می‌دهند.

ویژگی خاص مقام امامت مصون بودن از گناه، حفظ و اشتباه است، و از آنجا که «قصده» مقاصی معنوی و الهی است، شرایط جنسی و مادی لازم ندارد و هر جا خداوند اراده کند (با حفظ شرایط خاص که البته مستلزم حبر نیز نخواهد بود) افعال می‌شود.

از این روی، شیعیان واقعی در مقام امامت البته علیهم التیلام هیچ تردیدی نداشتند.

وقتی امامی پس از خود را دقیقاً مشخص کرده باشد یا از طریق دیگری امامت او اثبات باشد، شیعیان او را می‌پذیرند و تمام اوصاف امام را برای او ثابت می‌دانند. پس شیعیان بین امامت امام علی علیه التیلام با امام جواد علیه التیلام و امام هادی علیه

التیلام، که دو سنن کرده‌کی به امامت رسیدند، هیچ فرقی قابل نیستند.

اگرچه در کز این مسئله برای برخی شیعیان که مره افضادی پایین‌تری دارند مشکل بود و حتی احراقاتی را به همراه داشتند، این

مسئله مشکلی در علم کلام شیعه پدید نیامرد.

در اعدانه این نوشتار به زوایایی از زندگانی امام هادی علیه التیلام می‌پردازیم که مؤلف به آن اشاره نکرده یا به قدر لازم بدان

نپرداخته است.

وزگیهای اخلاقی امام

اشاره

از جمله نکاتی که در مقاله مفلول‌مانده یا به آن کم‌توجهی شده، ویژگیهای اخلاقی امام است. امام هادی علیه التیلام به منزله امام و پیشوای شیعیان نمونه انسان کامل و برسرمدار از ویژگیهای اخلاقی اسلامی بود. نمونه‌هایی از این ویژگیها بدین فرزند:

این شیو آشوب می‌نویسد:

تصویر امامان شیعه، ص:۲۰۷

«امام هادی علیه التیلام خوش‌خوترین و راستگوترین مردم بود. کسی که او را از نزدیک می‌دید، خوش‌بخت‌ترین انسانها را دیده

بود و اگر آرامش را از دور می‌نشید، وصف کامل‌ترین فرد را شنیده بود. هر گاه در حضور او خاموش بودی، حینت و خشک‌ووی

تو را فراموش می‌گرفت، و هر گاه اراده گفتاری می‌کردی، ویژگی و ویژگی‌هایش بر تو برده درمی‌انداخت. او از دوام‌داری و امانت

و مروت‌داری جانشینی و خلافت بود. ...» ۱۱

این صیاغ مالکگی می‌گوید:

فقیهت او، الحسن، علی بن محمد الهادی علیه التیلام بر زمین پرده گشوده و رفته‌هایش را به ستاره‌های آسمان پیوسته است. هیچ

فقیهتایی نیست که با او پایان نیابد و هیچ مطنفی نیست که تمام و کمال به او تعلق نگردد. هیچ خصلتی لایمی بزرگ نمی‌نماید مگر

آنکه گناه ارزش آن در وی آشکار است. او شایسته و برگزیده و برگزیده است که در سرشت ولا پیشینده شده است ... هر کار

نیکی با وجود او رونق یافده. او نظر شکوه، آرامش، باجی و پاکیزگی بر اساس روش نبوی و خلق نیکوی خلق آراسته شده، که

هیچ فردی از فریادگان خدا سان او نیست و به او نمی‌رسد و امید رسیدن به او را نیز ندارد. ...» ۱۲

نمونه‌های این سجایای اخلاقی را در عبادت، مادیستی، دانش، آگاهی از امور، مهربانی، بخشش، سخت‌کوشی، مهرباری، شکوه

و هیبت امام می‌توان جست‌وجو کرد.

۱۱) این شهر آشوب، متعلق آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۰۱

۱۲) این صیاغ مالکگی، الفصول الممهده، ج ۳، ص ۲۶۸

تصویر امامان شیعه، ص:۲۰۸

مولود می‌شادی از این ویژگیها در شخصیت و زندگی این امام در منابع مطرح شده است که پرداختن به همه موارد از حوصله این نوشتار به دور است، و فقط به چند نمونه کوتاه بسنده می‌شود:

سادوستی امام

امام هادی علیه التیلام از دنیا چیزی در بساط زندگی نداشت. بدفاهی وارسته از دنیا بود.

شیخ که به خاتمان هجوم بردند او را تنها یافتند، یا پیشینه‌های که همیشه بر ن داشتند، و خاتمانی که در آن هیچ اسباب و اثاث چشمگیری دیده نمی‌شد. کف خاتمان خاک‌پوشی بود و بر سجاده حصیری خود نشسته، کلاهی بیشین بر سر گذاشته و با پرودا گوش مفلول تپایش بود. ...» ۱۱

آگاهی از امر

خیوان اسباطی می‌گوید:

مژد ابو الحسن الهادی علیه التیلام، در مدینه وقف و خدمت ایشان نشستند.

امام پرسید: از واقع (حقیقت سیاسی) چه خبر دارید؟ گفتی: قربانت شویم، دو سلاطنت بود و ملاقات من با او از همه بیشتر و نزدیکتر

است. اما الان حدود ده روز است که او را ندیده‌ام امام فرمود:

مردم مدینه می‌گویند او مرده است. گفتی: ولی من از همه او را بیشتر می‌بینم و اگر چنین بود، باید من هم آنگاه می‌بودم ایشان

دوایرد فرمودند: مردم مدینه می‌گویند تو مرده.

از تأکید امام بر این کلمه فهمید منظور امام از مردم، خودشان هستند. پس فرمود جعفر (متوکل عباسی) چه؟ عرض کردم: او در

۱۱) علی محمد طی دخلی، امتداد ج ۱، ص ۲۱۷.

تصویر امامان شیعه، ص:۴۹

زنداد و در باقرین وصیبت است. فرمود: بدان که او هم اکنون خلیفه است. سپس رسید: این زیادت لوزی وانی) چه شد؟ گفتند:

مرد پیشان و فرمود: فراری هستند. امام فرمود: این لغزت برایم شوم بود.

پس از مدتی سکوت فرمود: دستور خدا و فرمودهای او باید اجرا شوند و گویزی از مشغرات او نیست. ای خیراب، بدان که وانی

مرد، متوکل به جای او نشسته و این زیات نیز گفته شده است.

عرض کردم: نهایت شرم چه وقت؟! با اطمینان فرمود: شش روز پس از آنکه از آنجا خارج شدی. ۱۰

احرام به اهل فتن

امام به مردم و نیز دانشندان و علما احرام فرام می‌گذاشت. روزی امام در مجلسی نشسته بودند و جمعی از بئی هاشم، طویان و دیگر مردم نیز در آن مجلس حضور داشتند. دانشمندی از شیوان وارد شد. او در مناظرهٔ اعتقادی و کلامی، شادری از نامستان و دانشتان اهل بیت طهیم التیلام را حجاب و رسوا ساخته بود. به محض ورود این شخص به مجلس، امام از جایی برخاست و به نشانهٔ احرام سوی او رفت و روی را زار خود در بالای مجلس نشاند و با او مشغول صحبت شد. برخی حاضران از این رفتار امام ناراحت شدند و اعتراض کردند.

امام در پاسخ آنان فرمود: اگر با قرآن داری کنیه، زانی می‌شوی؟! گفتند: آری.

امام بلاوت فرمود: ای کسی که ایمان آورده‌ای، کلمه‌ای که به شما گفته شده در مجلس جاری دیگران باز کنید، چنین کنید. تا خداوند (رحمتش را) بر ایمان گذرده سازد، و چون شد غریبانه، غریبانه تا خداوند تا خداوند به برتبه (مژنت)

۱۱) محمد بن محمد بن نعمان مفید، الإرشاد فی معرفة حجاج اهل علی العباد، ج ۳، ص ۳۰۱

تصویر امامان شیعه، ص:۴۱۰

مؤمنان و کسانی که طوفاًه‌اند بالا برو. گز فرموده است: ^{۳۳} آیا کسی که دانشمند است یا آنان که نینتند بر او ت^۳

خداوند علوم دانشمند را بر مومن فر دانشمند مقدم داند، همچنان‌که مومن را بر غیر مومن برتری داده است. آیا به راستی آن‌که می‌داند یا آن‌که نمی‌داند، برابر است؟ پس چرا انگار و اعتراض می‌کند؟ خدا به این مومن دانشمند برتری داده است. شرف مرد به دانش اوست، نه به نسب و خویشاوندی‌اش. او نیز با دلائی محکم که خدا به او آموخته، دشمنان ما را شکست داده است. ۱۰

بخش

امام هادی علیه التیلام همانند دیگر امامان طهیم التیلام همواره با بخششهای خود، دیگران را به شگفتی وامی‌داشتند و آنقدر می‌بخشیدند که در وصف ایشان می‌گفتند: اتفاق افتاد امام هادی علیه التیلام به حدی بود که جز پادشاهان کسی نمی‌توانست چنان باشد، و برابر با بخششهای ایشان تا آن زمان از کسی دیده نشد. اسحاق جلاب می‌گوید:

برای ابو الحسن گوسفندان بسیاری خریدم. پس مرا خواست و از منش به جایی برد که بلد نبودم، و فرمود تمام گوسفندان را به افرادی که دستور داده بود ببخشم. ۱۰

وفقت فرهنگی – اجتماعی عصر امام

اناره

بررسی مسائل فرهنگی- اجتماعی عصر امام از ظفت نویسنده در این‌باره حکایت دارد. تحقیق علمی دربارهٔ معرفی رهبر یک گروه مذهبی انضامی کند که حوزه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بررسی شود، ولی در این مقاله

۱۱) محمد بن علی بن ابی طالب الفهرس، الانحاج، تحقیق ارومیه بغدادی و شرح محمد هادی، ج ۳، ص ۵۰۰

۱۲) محمد بن مطرب کنینی، الاسول من الکتاب، ج ۲، ص ۴۹۸

تصویر امامان شیعه، ص:۴۱۰

چنین تحقیقی صورت نگرفته است. در این مقام، اوضاع فرهنگی عصر امام را بر می‌رسیم:

دوران امام هادی علیه التیلام با گسترش فرهنگی و گرایشهای اعتقادی و فقهایی علمی همراه بود که از بخورد میان مکتهای کلامی و تحولات فرهنگی گوناگونی پدید آمده بود. مباحث کلامی همچون حجر و توفی، زیوت خداوند، تجسیم و خلق قرآن افکار عمومی جامعه را مستغوش دانشمندیهای فکری ساخته بود. این تحولات فکری در روبروکرد دولت عباسی به مسائل علمی و فرهنگی و نهضت ترجمه دانش رفته است که در دوران سامون آغاز شده بود، و روبرو سفته و کلام و افکار و اندیشه‌های دیگر مثل جهان را به جهان اسلام و پیدایش آراء و نظریهای گوناگونه، در نتیجه آشنگی اوضاع فرهنگی و اجتماعی همان سال را در پی داشت. مباحث این آشنگی نیز پیدایی گروههای گوناگونی چون فلاسفه، واقعیه، صوفیه، و مجسبه بود.

دینگلاک خلافت از این جریانها به مثابه سرزمینی برای ایجاد اختلاف در جامعه اسلامی و تصنیف مباحثی مکتبی و اعتقادی مردم بهره می‌برد.

در این میان، نقش امام به منزله پشروای جامعه اسلامی آشکار می‌شود. امام هادی علیه التیلام با زیرینی در شناخت این نوظه و استفاده فرهنگی جامعه، نقشه‌های دین‌سنزانه آنان را برملا می‌ساخت، و در زمینه‌های فرهنگی فقهائیهای گسترده‌ای داشت که برخی از آنها را می‌توان چنین برشود:

الف) سازو فرهنگی با گروههای متصرف عدلی

دوران امامت حضرت هادی علیه التیلام اوج پیدایش مکتهای گوناگون عقیدتی بود، که فضای باز فکری پدید آمده است سوی حکومت عباسی زبته آن را فراهم می‌ساخت. این گروهها مبارزت بودند تا:

تصویر امامان شیعه، ص:۴۱۲

۱- فلاسفه: این گروه عقاید نده و تعارفی داشتند. آنان در توصیف امام راه یافته در پیش گرفتند، و او را تا حد الوهیت و پرستش بالا بردند. همچنین با نفو گویی از عقاید انحرافی، بسیاری از واحیات لاعلمی را حرام و بسیاری از گناهان کبیره را بر خود حلال شمردند، و با بهنجهای گوناگون در مین به خواسته‌های نفسانی خود رنگ شرعی و دینی دادند. سران این فرقه در دوران امام هادی علیه التیلام از این فرار بودند: فرس بن عاتیه، حسن بن محمد مشهور به ابن بادی، نسیم بن یظنظین، و محمد بن سعید نمیری. امام با وضع گیری صریح و جدایی، از آنان فرارشت جنبش و حدی دستور قتل یکی از آنان را صادر کرد.

ایشان در پاسخ شیعیان که از عقاید متصرف علی بن حسکه پرسیده بودند، چنین نگاشت: *«ابن حسکه- تقرب خدا بر او نماند- دروغ گویی بیش نیست، و من او را در شما و دوستان و پیچان خود نمی‌دانم، و خدا او را لعنت کند ...*

من در کسی که چنین سخنانی می‌گوید، یزازی می‌جویم و از چنین گفته‌هایی به خدا بیایم می‌روم. شما نیز از آنان برات و یزازی جوید و آنان را در فشار قرار دهید. امام در ادامه دستور قتل آنان را صادر می‌کند. ۱۰

۲- صوفیه: از دیگر عقاید انحرافی این دوران، که با رخته در جامعه اسلامی سبب بدنامی شیعه و تشویش افکار عمومی جامعه شد (صوفیه)، بود. پیروان این عقاید با ارائه چهارراه عارفانه، زاهدانه، خداپرست و می‌میل به دنیا، مردم را گمراه می‌ساختند، و در حقیقت در پی اغراض سودجویانه خود بودند.

امام با اکتشهای سرچ این نوظه عقیدتی را خشک می‌ساخت، روزی امام با یاران خود در مسجدی نشسته بودند، گروهی از صوفیه وارد شدند و در گوشه‌ای از مسجد نشسته، دور حلقه طه زنده و با حالت ویژه خود مشغول

۱۱) محمد بن حسن حرملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۵۵

تصویر امامان شیعه، ص:۴۱۳

تقلیل شدند. امام با دیدن احوال فریگزاران آنان به یاران خود فرمودند: *«به این خدمات حیل‌گر و دورو توجهی نکنید. ایان هویشیانیان و شران کندگان پایه‌های استوار دین‌اند. برای رسیدن به اهداف نیروزنده و رفاه‌طلبانه، چهجهای زاهدانه از خود نشان می‌دهند، و برای به نام دانشمن مردم ساده‌دل، شبهه‌ناک‌داری می‌کنند. ... هرکس به دیدار آنان رود ... گویی به زیارت شیعیان و همه بیست‌سالان رفته است ...»* ۱۰

۳- صوفیه: واقعیه نیز از دیگر فرقه‌های انحرافی دوران امام هادی علیه التیلام بودند. که امامت امام علی بن موسی الرضا علیه التیلام را پذیرفته و در امامت امام موسی بن جعفر علیه التیلام متوقف شدند، و با انگار امامان پس از او و موضع گیری در برابر امامان، مردم را از پیروی ایشان باز می‌داشتند.

امام هادی علیه التیلام عقاید انحرافی آنان را باطل شمرد و مانند فلاس و صوفیان آنان را لعن و نفرین کرد. امام در پاسخ نامه ارومیه بن طه که از امام پرسید: آیا اجازه دارم در قوت نمازهایم آنان را لعن و نفرین کنم، به صراحت پاسخ مثبت داد. ۱۰

برخورد از عقاید انحرافی مجسبه که به زوئت حسی خداوند عقیده داشتند نیز از دیگر مبارزات فرهنگی امام به شمار می‌آید.

ب) تقوی رساله کلامی

از جمله فقهائیهای علمی- فرهنگی امام در زمینه گسترش اعتقادات تشییه، نگارش رساله کلامی است که در پاسخ به مشکلات اعتقادی امامی‌اهل صورت گرفته است. امام در این رساله به گونه‌ای شیوا و مستدل دربارهٔ قرآن و عزت، معرفی تلقین و قوم نسیگنک به آید، و جوهر و توفیض بحث کرداند. ۱۰

۱۱) شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۸

۱۲) ممدان، ص: ۵۶ به نقل از رجال کنینی، ص: ۴۴۰

۱۳) احمد بن علی بن ابی طالب فهرسی، الاحتیاج، ج ۱، ص ۸۷۸

تصویر امامان شیعه، ص:۴۱۳

ج) مناظره‌های علمی و اعتقادی

امامان معصوم طهیم التیلام جنبیه معارف لاعلمی و زبان گویای دین‌اند. آنان با بیان شیوا و روشنگر خود جعل و تاریکی را از بین می‌بردند و نور دانایی را در دلها می‌نشانند.

خلافت عباسی از زمان مأمون با تحولی علمی روبه‌رو شد. در این دوره افکار و عقاید گوناگونی به جهان اسلام راه یافت و خلفای عباسی برای نشان دادن قدرت و فضل خود و مبارزه با تضایق امامان طهیم التیلام مناظراتی میان امامان و دانشمندان مختلف داخلی و خارجی ترتیب می‌دادند تا بازم خود، و دوهم شکستن چهرهٔ علمی امامان، دانش و امامت ایشان را به چالش بکشند. البته تنها در این اقدام به موفقیتی نمی‌رسیدند، بلکه رسوا و مفضح می‌شدند. متوکل عباسی مدین منظور دو تن از دانشمندان به نامهای ابیحنی بن اکتوم و ابان سبکینه، را فراخواند تا نشستی علمی با امام ترتیب دهند.

مناظره با ابن سبکینه، متوکل از ابن سبکینه خواست تا پرسشهای خود را مطرح کند. او نیز پرسید: چرا موسی با عصا برانگیخته شد، عیسی با نقاشی پیمانان و زنده کردن مردگان و محمد صلی الله علیه و آله با قرآن و شمشیر؟

امام در پاسخ فرمود: موسی با عصا و در دوری برانگیخته شد که مردم تحت تأثیر طلسم طلوع بودند. او نیز به همین منظور برای آنان معجزاتی کرد که جانشینان را از بین برد و حجت را بر ایشان تمام سازد. عیسی با نقاشی پیمانان خاص و مدلول دربان و زنده کردن مردگان برانگیخته شد زیرا در آن زمان پزشکی و پیشرفتهای آن مردم را شگفتانده کرده بود. ... اما محمد صلی الله علیه و آله در دوری برانگیخته شد که شمر و شمشیر بر دوش مردم حکمرانی می‌کرد و او نیز با قرآن زنده و شمشیر زنده بر شعر و شمشیرخان چهره گشتند و پیام خدا را به آنان رساند و حجت را بر ایشان تمام فرمود. ابن سبکینه گفت: اکنون حجت خدا چیست؟ امام با کتایه، مهر خاموشی بر

تصویر امامان شیعه،ص:۴۱۵

زبان دشمن زده و فرمود که بل به خوبی درمی‌یابد آن‌که به خدا دروغ ننداد رسوا می‌شود.۱۰

مانظرو با جسی بن اکتبا شکست این سکت در این گفتگوی کوتاه، عشم جسی بن اکتبا را برانگیخت. او با ناراحتی گفت:این سکت با به منظور چه کار؟

او هوشیار نحو و شعر و لغت است. سپس کافدی بیرون آورد که در آن پرسشهایی را مطرح کرده بود، و پاسخ را از امام به صورت مکتوب خواست.

پرسشهای او دربارهٔ تفریق قرآن و تفسیر برخی آیات قرآن، گواهی زنده احکام حتی، دلیل بند خداوند سازج و مسائل دنیاره مثلکذا امر مؤذنا علی علیه السلام بود.

امام با دقت، ظرافت و کمال به پرسشهای وی پاسخ داد و افزود بر اثبات جایگاه علمی خود، سیزده پرسش پیچیده را برای شیخان پاسخ گفت.۱۱

۵ **دفع شبه‌های دینی و پاسخ‌گویی به مسائل کولان**

امام در مقام پیروای جامعه مسئولیت‌ هادیات امت را بر عهده دارد، و از همین روی، همواره باید جامعه را از شبهات علمی و دینی نجات دهد. یکی از مسائلی که از جنبهٔ بزرگ‌ترین فتنه‌جویی‌ها عصر امام به شمار می‌آمد موضوع مطروق بودن قرآن بود. این مسئله از سالها قبل مطرح شده و مذاهب انبئیة مسلمانان را به خود مشغول ساخته بود.

معزقه که به گزندی افراطی به عقل‌ گرایش دارند دارند قرآن کریم و احادیث را مطروق خوانند می‌باشند، و انظاره در برابر آنان به مخالفت برخاست، قرآن با قدیم و غیرمطروق می‌شوند.

- (۱) ابی جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، به تحقیق یوسف الحناصی، ج ۹، ص ۳۳۳.
- (۲) همان، ص ۳۳۵.

تصویر امامان شیعه،ص:۴۱۶

در گرویدار زمامهای حاصل از این فتنه، که دستگیر خلافت نیز به آن نام می‌زد، امام هادی علیه التیلام وارد عرصه شدند و با بیاعت نمودن این جنبه، اندیشهٔ ناب محمدی ^{صلی الله علیه و آله} را آله را برای پیروان خویش نشین کردند. امام برای روشن ساختن این امر، برای پیروان خود در بغداد نوشتند:

«... نظر من دربارهٔ جداجلی که بر سر (مطروق بودن یا نبودن) قرآن درگرفته، این است که آن یادهی بیش نیست، که در گفلهٔ این یادها، پرسشی نکنند و پاسخ‌دهنده هر دو یکسانند. چرا که برای پرسش کنندهٔ می‌بوی در بر نخواند داشت و برای پاسخ‌دهنده نیز جز رنج ناشی از طرح موضوعی که از فهم و درک او خارج است، باقی نخواند مانند. همانا خلقی جز خدا وجود ندارد و جز او، همه آفریدگش هستند. قرآن نیز کلام خداوند بزرگ است. ...»۱۱

امام هادی علیه التیلام به این ترتیب شیخان را از آشفتگی رهایدند. این پرسش از امام رشا علیه التیلام نیز پرسیده شد و امام قاطعانه پاسخ داد: قرآن کلام خداست.

همین ویس ...»۱۲

نمونه‌های بسیاری از پاسخ امام به پرسشهای فقهی و حقوقی شیخان در کتب تاریخی به چشم می‌خورد. از جمله، از امام دربارهٔ تصرف زکات پرسیدند:

ایشان فرمودند: «... به کسانی که به جنس بودن خدا معظفان زکات، تاجیه و پشت سر آنان نماز نیز نخوانید. ...»۱۳

روزی متوکل عباسی بسیار شاد و نازگزر اگر بهبودیابد، شمار زیادی طلا مصادف دهد. پس از مدتی بهبود یافت و خواست به نازش و لا تک فقهی

- (۱) محمد بن علی القنی (شیخ صدوق)، التوحید، ص ۲۲۴.
- (۲) همان.

(۳) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۵۷.

تصویر امامان شیعه،ص:۴۱۷

دربار را خواست و از آنان دربارهٔ مقدار (کثیره یا کثیره) پرسش کرد. اختلاف آراء در گرفت و ناگهیر از امام هادی علیه التیلام شکست خواست. امام فرمودند: بایده هشاد سه زر بپردازید. این پاسخ شگفتی حاضران را برانگیخت. امام فرمودند: خداوند در قرآن می‌فرماید: لَقَدْ نَزَّلَ كُمُ لَئِمَّ لُغِي يَوْمَئِذٍ كَافِرِينَ... و همه خندانان باهمیر صلی ^{الله علیه و آله} رواوت کرده‌اند که هشاد جنگها و سه‌یابای زمان پیشانی صلی ^{الله علیه و آله} هشاد نیز بوده است. متوکل صورت زده شد و ده هزار درهم برای امام فرستاد. ۱۱

۵ **تربیت ناکردن و تقویت دین‌مداران**

از دیگر فعالیت‌های علمی – فرهنگی امام شناخت تیره‌های مستعد و تربیت آنان در زمینهٔ معارف دینی و نشر آن بود. اگرچه محدودیتها و فشارهای دستگاه حاکم جماع این فعالیتها می‌شد، امام علیه التیلام در حد توان و امکان، در این مهم می‌کوشید.

شمار شاگردان امام هادی علیه التیلام از بیش از ۱۸۵ تن شمرده‌اند. ۱۲۰ برخی از چهره‌های برجستهٔ شاگردان امام هادی علیه التیلام عبارتند از:

۱. حضرت عبد العظیم حسنی: ایشان مرید یارما از نوادگان امام حسن جعنی علیه التیلام بود. وی به قدری مورد اعتماد و احترام اعلی‌ بیست معلم التیلام بود که امام هادی علیه التیلام در شان او فرمود: در زیارت فر عبد العظیم حسنی ثواب زیارت فر حسین بن علی علیه التیلام نظار می‌رود. ۱۳

ابو حواد، زاری می‌گردید: زود تمام هادی علیه التیلام رقم و دربارهٔ احکام شرعی مسائل پرسیدم و ایشان پاسخ دادند: سپس به من فرمودند: هرگاه در امر دینت دچار مشکلی شدی از عبد العظیم حسنی پرس.۱۴

- (۱) احمد بن علی بن ابی طالب طوسی (الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۶۷.
- (۲) محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ص ۳۱۸.
- (۳) ابو القاسم حوی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۶۸
- (۴) همان.

تصویر امامان شیعه،ص:۴۱۸

از کتک‌های برجستهٔ دربارهٔ شخصیت او، عرصهٔ اعتقادات خویش به امام معصوم زمانش است. ۱۱

۲. فضل بن شاذان: از شاگردان بزرگ مکتب امام هادی علیه التیلام و افعال پیشین بود.

او روایات پرشماری از امامان معلم التیلام نقل کرده است.

۳ حسین بن سیدة امروزی: او اهل کوفه بود و همراه برادرش به اموار و سپس به قم مهاجرت کرد. تلاشهای او در زمینه‌های گوناگون فقهی و اجتماعی نشانگر تاثیر است.

۴ ابو هشام مطرفی: او مرید جلیل القدر است و نزد امامان جایگما ویژه داشت. وی معضّر امام رشا علیه التیلام تا حضرت صاحب‌الضمیر (عج) را درک کرده است. ۱۱

۵ این سکت امروزی: از بزرگان ائمه، و نویسنده کتاب اصلاح النطق است. از نزدیکان امام هادی امام هادی معلمها التیلام و مورد وثوق اعلی‌ بیست معلم التیلام و فرقی شیخ بود. او تربیت فرزندان متوکل را بر عهده داشت و متوکل از ملاحظه او به اعلی‌ بیست معلم التیلام آگاه بود.

روزی متوکل از او پرسید: دو فرزند من (عمر و یونس) نزد تو محبوس‌زند. با حسن و بی‌ایکانه پاسخ یاد، قهر فلام علی علیه التیلام نزد من محبوس‌تر از تو و فرزندان است. این پاسخ، دستاورز قتل او شد، و پس از کتکچه به شهادت رسید. ۱۲

۵ **بسیزگری فرهنگ انتظار**

فتار سیاسی و سرگزگری حاکمان عباسی روز به روز فزونی می‌یافت و شیخان بیشتر در محصمهٔ فراز می‌گرفتند. از سویی، شیعه به تدریج در آستانهٔ تحولی شگرف و جدید به نام غیبت فراز می‌گرفتند، و خلا وجود امام برای مردمی که او را باهانگاه خویش می‌دانستند بسیار سخت و مشکل‌آفرین بود، و چه بسا احتمال

- (۱) جاسطی خان سپهر، تاریخ فرخ، ج ۲، ص ۱۲۳، شیخ صدوق، امالی، ص ۲۷۸
- (۲) شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۳۳.
- (۳) همان، ص ۶۳۶.

تصویر امامان شیعه،ص:۴۱۹

داشت به انحراف آنان از دین بینجامد. از این‌روی، امام هادی علیه التیلام برای آماده‌سازی افکار عمومی به دو حرکت مهم دست زد:

۱. روایتهای ناظر به غیبت: برای آماده‌سازی ذهنهای شیخان، امام هادی علیه التیلام مطالبی دربارهٔ حضرت مهدی (عج) و غیبت ایشان مطرح می‌کرد و زمینه را برای غیبت حضرت حجت و انتظار فرخ آماده می‌ساخت. در روایتی آمده است:

«جمعه روز نودام مهدی است که گروه جویبار حیدر گرد او جمع می‌شوند، و اوست که زمین را بر او وداد می‌کند، همان‌گونه که بر او جور و ستم شده است. زمانی که پیشواي خدا از میان شما رفته، هر آن منتظر فرج باشید.»۱۱

۲. تشکیهٔ ارتباطی و کاشف از جنبهٔ اقدامات امام در زمینهٔ هدایت و کنترل جامعهٔ اسلامی و همچنین ایجاد زمینه برای عصر فینت، ایجاد تشکیهٔ ارتباطی و کاشف بود. امام افرادی را با عنوان تکلی و تاجیه برای خود برمی‌گزیند و به مناطق مختلف می‌فرستاد تا در نتیجهٔ ارتباط برودم آنان زمینه برای دوران غیبت و مسلهٔ ثواب خاص و ثواب عام پدید آید.

اوضاع سیاسی عصر امام هادی علیه التیلام و مبارزات سیاسی آن حضرت

انزله

از دیگر حوزدهایی که نویسندهٔ معقول نهاده، اوضاع سیاسی عصر امام است.

برای روشن شدن وضعیت سیاسی عصر امام می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) اوضاع داخلی دولت عباسی

زوال هیبت و عظمت حکومت، از مهم‌ترین ویژگی‌های این دورهٔ خلافت عباسیان بود. دوران امامت حضرت هادی علیه التیلام هم‌زمان با انتقال میان دو عصر خلافت عباسی بود: تبدیل دوران شکوه و عظمت خلفای پیشین عباسی به دوران

(۱) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۹۴.

تصویر امامان شیعه،ص:۴۲۰

زوال دستگاه حکومت، که معلول نفوذ ترکان به دستگاه خلافت، گسترش اختلافات داخلی، شورش سران و فراموشمان بلند پایهٔ عباسی نظر فاشین ترکان بود. از سویی دیگر نیز، جنگ با دشمن خارجی، حتی ردهٔ ضعف عباسیان را تشدید می‌کرد.

ب) امام و خویشاوندان تبرایان

خلافت در این دوره در دست خلفای سست‌عصر و تلاطمی بود که بیشتر دقتان صرف عباسی و خویش‌گدارانی می‌شد، و دار الخلافهٔ اسلامی برانگیزهٔ شبانه درباریان و معمل هنرمندان رقصان و عقیان بود. کشتهای پرجمعیل بنا می‌گرددند و هزاران کثیر در حرمسرای خود داشتند، و در نتیجه از امور مملکت و حکومت باز می‌مانند.

این وضعیت در دوران متوکل به اوج خود رسیده بود. او مبالغهٔ کثیفی را صرف چنین مجلسی می‌کرد، و در حرمسرایهای خود چهار هزار کثیر داشت. ۱۱

ج) نکات‌گیری جنبش‌های مخالف

چنین وضعیتی، واکنشهای مردمی را در پی داشت. تبعیضهای قومی، فشارهای اقتصادی و سیاسی، هرج‌موج گرویی دولتمردان عباسی، و ظلم و ستم بر مردم، فتنه حکومت را صحنه درگیریهای گوناگونی ساخته بود. هریک از گروهها برای دستیابی به اهداف خود با دستگاه خلافت درمی‌انفاد. این جنبشهای مخالف را می‌توان به دو گروه آشوبگر و منتقدان و جنبشهای اصلاحی تقسیم کرد. در جمله این جنبشهای اصلاحی که بطور عمده، طرفداران آنها را ساداتمی‌نامید می‌گرفتند می‌توان به قیام محمد بن اسماعیل قیام یحیی بن عمر، قیام حسن بن زید، و قیام حسین بن محمد اشاره کرد، که البته همه این قیامها با شکست روبه‌رو شدند.

۱۱) علی بن حسین سمعونی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۱۵

تصویر امامان شیعه،ص:۴۲۱

بیرزمانگی و عدم جامع‌نگری قیامها، نامساعدنگی اهدافی عناصر انقلابی، سرکوبهای شدید دستگاه خلافت و کمبود نیروهای انقلابی از جمله دلایل ناکامی این قیامهاست. امام هادی علیه السلام نیز از همین روی علیه دستگاه عباسی قیام کرد. نادانان روبروگرد، به‌طور خلاصه، از این فرایند: ۱. فرام‌نویسند زبیه لازم برای موفقیت؛ ۲. تلاش برای بی‌روزی جامعه بسیار؛ ۳. حفظ مصالح کلی و دراز مدت جامعه اسلامی.

۶) مبارزات سیاسی امام هادی علیه السلام

اگرچه موقعیت برای قیام امام فرام نبود، ایشان به منظور هدایت و پدیدار ساختن امت در جهت مبارزه با حاکمان ظالم، اقداماتی انجام دادند که از این فرایند:

۱. به چالش کشیدن مشرویت حکومت: امام با استفاده از هر فرصتی، مشروعت حکومت عباسی را به چالش می‌کشید و مسلمانان را از هرگونه همکاری با آنان برحذر می‌داشت. ایشان در پاسخ‌نامه محمد علی بن عیسی که از کاتب کاتب دولت عباسی بود و درباره همکاری با آنان پرسش کرده بود فرمود:

آن مقدار از همکاری که به جبر و زور صورت گرفته اشکال ندارد و عداوتند ظواریتر است؛ ولی جز آن تبار و تائسند است؛»۱۱

۲. مبارزه با فقیهان درباری: از جمله شگروهایی مردمپرسی فقهایی حجازی بودگویی از فقیهان درباری برای جلب اعتماد مردم و

نظاره به اسلام‌گرایی بود.

امام هادی علیه السلام به مبارزه با این هدف برخاست و با رویارویی با آنان، به گویبهای دیگر، مشروعت حکومت را به چالش می‌کشید. ۴۱۰

۳. تقویت پایگاههای مردمی: در موقعیتی که اوضاع جامعه نگران‌کننده بود و

۱۱) محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۷.

۴۲) ر. کت: همان، ج ۱۹، ص ۴۰۸.

تصویر امامان شیعه، ص:۴۲۲

شیعیان به تنگ آمده بودند، امام با دانداری دامن به مردم و پشتیبانی از آنان، مانع تهدام پایگاه مقلودنی مردم و تائیدی‌شان می‌شد.

امام می‌گوشید تا پیش سیاسی مردم و اهداف منکشی آنان را در مبارزه با حکام جور تقویت کند و با بهره‌گیری از علم امامت خود

با آگاهی دادن از آنجا و برپه‌شدن بنیاد ظلم، بیرون خویش را آمینداز می‌نماید.

۳. ایجاد شبکه ارتباط منظم- سازمان وکالت: پیش‌تر گفتشت که امام با هدف آمادسازی مردم برای عصر حقیقت شبکه ارتباطی وکالت؛ را با گزینش وکلائی خود در مناطق مختلف به راه انداخت.

از سوی دیگر، امام با ایجاد این شبکه می‌توانست با مردم توانمی مختلف در ارتباط باشد؛ تا جمع‌آوری مایهاتهای اسلامی، پاسخ‌گویی به مشکلات فقهی و عقیدتی مردم، و در نهایت کنترل و هدایت جامعه اسلامی امکان‌پذیر باشد.

امام برای سازماندهی شبکه وکالت، مردزمین اسلامی را به چهار منطقه تقسیم کرد:

۱. بغداد، مدائن، کوفه؛ ۲. ناحیه دوم، به مرکز بصره و اهواز؛ ۳. ناحیه سوم، به مرکز قم و همدان؛ ۴. ناحیه چهارم، به مرکز حجاز، یمن و مصر.

دستاوردهای عملی این سازمان همهگفتگ، پس از تبعید ایشان به سامرا بیشتر یعنی یافتن و با عدم امکان تماس منظم با امام، نقش سازمانده این سازمان افزایش یافت.

وکالت امام هادی علیه السلام عبارت بودند از: ایوب بن روح دراج الشیعی، ابو علی بن راشد، علی بن جعفر و ابراهیم بن محمد همدانی.

نامه‌های امام در نصب وکلا یا مذاکرات به آنان در تاریخ ضبط شده است؛ از جمله نامه امام به اعلی‌بغداد در تبعیت از ابو علی، و نامه به ایوب بن روح، که در پی می‌آید.

تصویر امامان شیعه،ص:۴۲۳

امام در نامه به شیعیان خود در بشارت، مدائن و عراق الکوفه، بر اطاعت از ابو علی تأکید کرد و فرمود: من فرمان‌داری از ابو علی را همچون پیروی از خود لازم می‌دانم و سرپیچی از دستور او را مخالفت با خود می‌نگارم. پس بر همین روش پابدار ساینده که خداوند به شما یادش دهد. ...» ۱۱

امام در نامه‌های دیگر به وکلائی خود نوشت:

ایوب علی بن روح، به موجب این فرمان از برخورد با ابو علی، خودداری کن. هر دو موظفید در ناحیه خاص خویش به وظایفی که بر عهدتان واگذار شده است عمل کنید. ... ای ایوب: بر اساس این دستور هیچ چیز از مردم بغداد و مدائن نپذیر و به هیچ یک از آنان اجازه نمانس با من را نده. ... ای ابو علی، به توفیر سفارش می‌کنم که آنچه را به ایوب دستور دادم عیناً اجرا کنی. ...» ۱۲

امام و نظامی معاصر

انته

دوران امامت امام هادی علیه السلام بیش از ۳۳ سال طول کشید که سیزده سال آن در مدینه سپری شد. در این مدینه، شیعیان از اطراف خدمت امام شرفیاب شده، تعلیم دینی‌شان را می‌آموختند. روی ارتباط با امام و محویت روزافزون او، حکام عباسی و نمایندگان آنان را به هراس انداخت؛ تا جایی که برپه عباسی: در نامه‌ای به متوکل نوشت: «اگر نسیط بر حریمهای شریف را می‌خواهی، علی بن محمد [علیه السلام] را از این شهر بیرون کن؛ زیرا او مردم را به سوی خود فراغند، و شمار بسیاری نیز دعوتش را پذیرفته‌اند. ...» ۳۱۰

امام پس از آگاهی از مصفون نامه، در نامه‌ای به متوکل از دشمنیها و کینه‌توزی

۱۱) محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۳.

۴۲) همان، ص ۵۱۴.

۳۲) علی بن حسین سمعونی، اثبات الوصیه، ص ۲۲۳.

تصویر امامان شیعه،ص:۴۲۴

برپه به متوکل شکایت کرد و مضمون نامه را دروغ‌زدگی می‌نموده دانست. اما متوکل در نامه‌ی مبرورته و دو پهل در امام دعوت کرد تا به سامرا بیاید و در کنار خلیفه که فدر و منزلت او را می‌شناسد، در کمدال احترام روزگار سپری کند. او از این طریق می‌توانست رفتار امام را تحت‌نظر بگیرد، و از طرفی برپه را از نصب خود برکنار ساخت و یحیی بن هرثمه را به مدینه فرستاد تا امام را به سامرا بیاورد.

چند نکته در انتقال امام به سامرا:

۱. محویت امام در مدینه

محویت پیش از حد امام در مدینه تعجب یحیی بن هرثمه را برانگیخت. مردم که از هفتای شوم خلیفه آگاهی داشتند، نگران وضع امام بودند و با جمع در منزل امام فراد اعتراض و شیون و زاری برآوردند. یحیی بن هرثمه می‌گوید:
من تا آن روز چنین زاری و شیونی ندیده بودم و هرچه گوشیدم تا آنان را آرام کنم نتوانستم. سوگند خودم که درباره امام قصد و دستور بدی ندارم ولی قایدهای نامداشت. سپس خانه او را اغتشش کردم ولی در آنجا چیزی جز فرآن، کتاب و چیزهایی مانند آن نیافتم. ...» ۱۱۰

۲. رخسادهای بی راه

امام در سال ۱۳۳ از مدینه به سامرا تبعید شد، یحیی بن هرثمه در ابتدای سفر با تقویت و سخت‌گیری با امام رفتار می‌کرد، اما در بین راه گزافه‌های از امام دید که سبب علاقمندی و ترفوش روش او شد؛ از جمله خیران نشنگی شدید در میان راه، که همه او در معرض هلاکت قرار داده بود. پس از مدتی به دشت سرسبزی رسیدند که درختها و نهرهای بسیاری در آن بود. پس از آنکه سیراب شدند و

۱۱) علی بن حسین سمعونی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۲.

تصویر امامان شیعه،ص:۴۲۵

مرکزهایشان را نیز آب دادند؛ به راه افزادند. اما یکی از همراهان گروه آیش را جا گذاشته بود و هنگامی که برای برداشتن گرز، برگشتند، جز حرماهی بی آب و علف چیزی ندیدند، ولی گرز را در آنجا یافتند. وقتی به محضر امام رسیدند، ایشان با نینسی فقط از گرز پرسیدند. ...» ۱۱۰

۳. سفارش اسحاق بن ابراهیم حاکم‌بغداد به یحیی

هرثمه می‌گوید:

وقتی به بغداد رسیدیم ابتدا با اسحاق بن ابراهیم، امیر بغداد روبه‌رو شدیم. وی به من گفت: ای یحیی، این مرد فرزند پیامبر است. اگر متوکل را بر کنش او تشویق کنی، بدان که دشمن تو رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود. ...» ۱۲

۴. اعانت به امام هادی هنگام ورود به سامرا

متوکل برای تحقیر امام، ایشان را در محل سخا صصالیکه که محل جمع گنبدان بود جای داد. سپس امام به سامرا در محل تبعیدگاه، کافقانی (مسکرا) سکونت یافتند و متوکل برای آنکه ادبائیهای امام را زیر نظر داشته باشد جاسوسان را در چهاره خدمتکار به خانه امام فرستاد.

اطمئنان متوکل

متوکل که کینه خندان ثروت طبله‌ی السلام و امام هادی علیه السلام را در دل داشت، اقدامات برسداری انجام داد تا شخصیت و موقعیت امام را تحریب کند. اما هیچ یک از این اقدامها ثمری نداشت؛ مثلا:

۱۱) همو، اثبات الوصیه، ص ۲۲۴.

۴۲) همو، مروج الذهب، ج ۴، ص ۵۱۳.

تصویر امامان شیعه، ص:۴۲۴

۱. برپایی مجلس بزم و پیشهاد توشیحن حریمهای شراب که امام با شدت مقلبه و استکلاف ورزیده؛ ۱۱۰

۲. دستور بازرسی شبانه منزل امام.

عسکری علیه التیلاط امامت را پس از امام هادی علیه التیلاط از آن فرزندش، جعفر، می‌دانستند. برخی نیز پس از جعفر به امامت علی بن جعفر معتقد شدند. ۴۰

- ↑ علی بن محمد خزاز قمی، کتابه الاثر، ص ۲۲۶-۲۲۷. علی بن یونس عاضی، الفصاط المستعیده، ج ۱، ص ۱۲۸.
- ↑ علی بن حسین سمودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۲.
- ↑ محمد بن عبد‌الکریم شهرستانی، اللؤلؤ والنحل، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۷۲.
- ↑ سعد بن عبد‌الله اشعری قمی، المصنعات والفرق، ص ۱۰۲-۱۰۸.

تصویر امامان شیعه، ص:۴۹۵

بنابر استناد یکی از محققان به مسنن ابو حاتم رازی در کتاب الریة- که آن را در اواخر قرن سوم نگاشته است- در این دوره، سراجام شیخان عراق در باب امامت به دو گروه مختلف هم تقسیم شدند: گروهی به فرزند حضرت عسکری علیه التیلاط اعتقاد داشتند و گروهی نیز کرد فرزندان و فرزندانگان جعفر، اگر آءمه بودند، از سرودت دیگر گروهها نیز تا قرن چهارم حدان خیری در دست نیست. ۸۱

چنانکه در پیش‌تر گفتند، در این مقاله کوتاه، مؤلف به گوشه‌نمایی از زندگی امام عسکری علیه التیلاط اشاره کرده و زوایای بسیاری در این مقاله پنهان مانده است.

نیزین دوره حساس امامت آن حضرت، و چگونگی رهبری شیعه شیوهها و راهکارهای ارزانی آن حضرت با شیخان در نقاط دور و نزدیک، که در حمله مغزین آنها وکلا و نمایندگانش آن حضرت بودند نقش ایشان در آماده‌سازی شیعه برای ورود به عصر نبیث و تلاش برای ایالت ولادت فرزندان- حضرت مهدی علیه التیلاط نشان دهنه فرزندان به خاصان شیعه، با رعایت اصل احتیاط و قیله و بالاخره نقش مهم علمی و ارشادی و معنوی آن حضرت، از محورهای مهمی هستند که در مقاله مغلوط مانده است.

- ↑ سید حسین مدرس مطاطی، مکتب در آفریند نگار، ص ۱۱۸، به نقل از: ابو حاتم رازی، کتاب الریة، ص ۱۲۴. تصویر امامان شیعه، ص:۴۹۶

منابع و مأخذ

- ↑ ابن‌العمان (شیخ مفید)، معتمد بن معتمد بن نعمان، اوقال المصلاات، تحقیق ابراهیم انصاری، دار العقیقه بیروت، ۱۳۱۲ ق.
- ↑ ابن‌العمان (شیخ مفید)، محمد بن محمد، الفصول المختارة، تحقیق سید علی میر شریفی، دار الشیفة بیروت، ۱۳۱۴ ق.
- ↑ ابن‌حداد رازی، ابو حاتم احمد، کتاب الریة، بغداد، ۱۳۱۲ ق.
- ↑ تلطکان، ابو العباس احمد بن ابراهیم الرضکی الاصبی، وفیات الامیاء، تحقیق احسان عباس، بیروت، ۱۳۵۸ م.
- ↑ ابن شهر آشوب التوسری المازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، حدیدی، نجف، ۱۳۲۶ ق.
- ↑ ابن‌فروع الصفار، محمد بن الحسن، عصار الدرجات الکبری، اعظمی، تهران، ۱۲۰۴ ق.
- ↑ ابن‌نعمان (شیخ مفید)، محمد بن محمد، الارشاد، تحقیق مؤسسه آل البیت مطبوع التیلاط، دار الشیفة، قم.
- ↑ ابی‌انصاف الاشعری القمی، سعد بن عبد‌الله، المصلاات والفرق، تصحیح دکتر محمد جواد مشکور، مؤسسه مطبوعاتی، تهران، ۱۳۲۲ م.
- ↑ ابراهی، علی بن حبیبی، کشف‌الغمة فی معرفة الائمة مطبوع التیلاط، دار الاضواء، بیروت، ۱۲۰۵ ق.
- ↑ جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه مطبوع التیلاط، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- ↑ خزاز قمی، علی بن محمد بن علی، کتابه الاثر فی الفصی الاثر فی العتص علی الائمة الاثنی عشره، تحقیق سید عبد‌الطیف حسینی، پیدار، قم، ۱۳۰۱ ق.
- ↑ شهرستانی، محمد بن عبد‌الکریم بن ابی‌بکر احمد، اللؤلؤ والنحل، دار المعرفه، بیروت، ۱۳۴۵ ق.
- ↑ طبرسی، فضل بن الحسن، اعلام‌الوری، اعلام‌الهدی، تحقیق و نشر مؤسسه آل‌البیت مطبوع التیلاط، قم، ۱۳۱۷ ق.
- ↑ تصویر امامان شیعه، ص:۴۹۶
- ↑ طوسی، محمد بن حسن، الفیقا، تحقیق عبده الله الطهرانی و علی‌احمد التامح، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ ق.
- ↑ طوسی، محمد بن حسن، فصاح المتجهده، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۳۱۱ ق.
- ↑ عاضی (شهید اول)، شمس‌الدین محمد بن مکی، الدروس الشریعه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۱۲ ق.
- ↑ عاضی (شهید اول)، شمس‌الدین محمد بن مکی، الدروس، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۱۲ ق.
- ↑ عاضی، علی بن یونس، الفصاط المستعیه فی مستحلی التقدیه، تحقیق محمد باقر عبودی، مکتبه المرتضویه، ۱۳۴۸ ق.
- ↑ کاتبی، محمد بن یعقوب، التکلیف، تحقیق علی‌اکبر عطاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ ق.
- ↑ مجلسی، محمد باقر، بحار الاثر، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۳۰۳ ق.
- ↑ مجلس الترویج و الفقه، به کوشش محمد رضایی، کلامه خاور، تهران، ۱۳۰۹ ش.
- ↑ مدرسی مطاطی، سید مکتب، در آفریند نگار، ترجمه هاشم ازباده، ایالات متحده، نیوجرسی، ۱۳۷۲ ش.
- ↑ سمودی، علی بن مروج الذهب و معادن الجواهر، دار الکتب، بیروت، ۱۳۲۳ م.
- ↑ بشاربوری، محمد بن الفتال، روضة‌الواطنین، تحقیق سید حسن خراسانی، حدیدریا، نجف، ۱۳۲۶ ق.

تصویر امامان شیعه، ص:۴۹۶

امام م ج م ه القائم علیه الله تعالی فرجه الشریف

اناره

تولیدنده: جی. جی. هارJ. G. J. ter Haar

مترجم: حسین سمودی

تصویر امامان شیعه، ص:۴۵۱

[مثن ترجمه]

محمد باقر [عجله الله تعالی فرجه]

محمد باقر به عقیده شیعه انا مشری یا دوازده امامی، امام دوازدهم است.

هنگامی که امام یازدهم حسن بن علی عسکری [عظیمه التیلاط] (در سال ۲۶۰ ق) ۸۷۲ م درگذشت، این سؤال که چه کسی باید جانشین وی شناخته شود، جامعه [مخسین] اشیعی را به گروه‌های متعددی تقسیم کرد.

شهرستانی (در کتاب اللؤلؤ والنحل) یازده گروه را برمی‌شمارد: یونحنی (در اوق‌الشیعه) چهارده گروه سعد، علی (در کتاب المصلاات والفرق) یازده گروه و سمودی (در مروج الذهب) بیست گروه مختلف را برمی‌شمارد.

نظریاتی را که این گروه‌ها مطرح ساختند می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:اول:

کسانی بودند که ادعا کردند وی هرگز جانشینی ندارد و سلسله امامت متوقف شده است؛ دوم: به عقیده گروه دیگر، او از اول، هرگز بیک امام واقعی نبوده است؛ زیرا امام دهم ابو الحسن علی بن محمد [عظیمه التیلاط] پسرش محمد را جانشین خویش معرفی کرده سوم: کسانی بودند که ادعا کردند حسن بن علی عسکری [عظیمه التیلاط] خودش مهدی و قائم آل محمد است؛ چهارم: گروهی بر این عقیده بودند که باید برادر کوچکترش، جعفر جانشین او شود و در نهایت عدای معتقد بودند امام یازدهم پسر بر جعی گذاشت که جانشین وی است.

تصویر امامان شیعه، ص:۴۵۲

این نظر، عقیده رسمی شیعه انا مشری است. بیشتر منابعی که این عقیده بر آن مبنی است، اتفاق نظر دارند که این پسر در یازده شعبان به دنیا آمد، اما درباره سال تولدش اختلاف نظر دارند. طبق برخی منابع، او در سال ۲۵۵ ق، ۸۷۹ م و طبق برخی دیگر، در سال ۲۵۸ ق، ۸۷۲ م یا حتی در سال ۲۶۱ ق، ۸۷۵ م پس از وفات پارش متولد گردید. یکی از قدیمی‌ترین منابع (سمودی، [در ایات الفرس]) بیان می‌دارد که مادر امام دوازدهم کیزی به نام زرخش بود. منابع بعدی نام او را به شکلیهای مختلفی ذکر کرده‌اند از جمله: سبقل (سبقل)، موسن یا ریحانه، یا حتی ادعا می‌کنند که نام وی ملکه بنت یث و توم امیرالمؤمنین یونس بود. به عقیده شیعه انا مشری، حسن بن علی عسکری [عظیمه التیلاط] به دلیل آزار و اذیت شدید از سوی عباسیان، تا جایی که ممکن بود این واقعیت را پنهان داشت که این پسر واقعی جانشین خود دارد، و این مطلب را تنها برای حمله قلبی از خاصان برپاداش قاش ساخت. اصولاً به همین دلیل، این پسر بلافاصله پس از وفات پدرش در سال ۲۶۰ ق، ۸۷۲ م (یا به گفته برخی منابع، مدت کوتاهی پس از تولدش) غایب گردید.

در مدت اولین دوره غیبت (الفیقه القصره یا الفیقه الصغری) او وظایف امامتش را از طریق تواب چهارگانه انجام می‌داد، یعنی عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان عمری، حسین بن روح نبخسی، و علی بن محمد سامری. از جمله وظایف آنان، دریافت یک پنجم یا خمس [اموال] به نایب از امام و نیز رساندن لوایح امام- یعنی اظهارات یا پاسخهای او به پرسشها به شکل مکتوب و امضا شده به پیروانش بود. وفات آخرین سفیر (شاه زمان ۲۳۹ ق) ۱۵ می ۴۹۱ م) آغاز دوره غیبت کامل یا بزرگتر (الفیقه الکبری) بود که تا ظهور مجدد امام دوازدهم در دوره آخر الزمان ادامه خواهد یافت. دوره نام امام دوازدهم، برخی از منابع ادعا می‌کنند نام پیامبر یعنی ابو القاسم محمد، بر او نهاده شد. اما به

تصویر امامان شیعه، ص:۴۵۳

گفته منابع دیگر، بیرون حسن بن علی عسکری [عظیمه التیلاط] صریحاً از پیرمندان نام پسرش مع گردیده‌اند، به همین دلیل، مدت دورینه در متون شیعی این است که به نام خاص امام دوازدهم اشاره نگردد، بلکه عناوین و القاب وی یعنی جناب، و صاحب الامر یا صاحب الزمان ذکر می‌گردد که بر ولایت و مرجعیت وی در جامعه شیعی تأکید دارد، یا القاب مهدی و قائم آل محمد، که حاکی از مصلکگرد آخر الزمانی اوست.

تصویر امامان شیعه، ص:۴۵۳

منابع و مأخذ

۱.

A. A. Sachedina, Islamic Messianism. The idea of the Mahdi in Twelver Shi sm. Albany .

۱۸۸۱.

۲.

J. M. Hussain, The Occultation of the Twelfth Inam. A historical background, The Muhammadi Trust, London ۱۹۸۲

(در کتاب فوق، از دیدگاه شیعه انا مشری به منابع مربوط می‌پردازند.)

تصویر امامان شیعه، ص:۴۵۵

نقد و بررسی

اناره

نصرت الله آیتی

تصویر امامان شیعه، ص:۴۵۷

نقد و بررسی مقاله محمد باقر علیه التیلاط، با اینکه نقاط مثبت و امتیازاتی ستودنی دارد، از جهات گوناگونی نیازمند اصلاح و تکمیل است. نقدهای وارد بر این مقاله را می‌توان به سه بخش کلی، جزئی و شکلی تقسیم کرد.

(الف) ندهای کلی

۱. یکی از اساسی‌ترین نقدهایی که بر این مقاله وارد است پرداختن بیش از حد به برخی مباحث جزئی و مغلوط نهادن مباحث اساسی است. برای نمونه، ششاری از مباحث اساسی که عا داشت در این مقاله به آنها اشاره نمود بدون بدین ترتیب:

(الف) بنابر تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم مطبوع التیلاط ۴۰، دربارهٔ امام مهدی (مع) و زین‌سازای برای این امرا

ب) زین‌سازای پیامبر صلی الله علیه و آله ۴۰، و امامان معصوم مطبوع التیلاط برای غیبت امام مهدی (مع)، ۴۰.

- ↑ محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال‌الدین و تمام الامم، ج ۱، ص ۴۸۲ – ۴۹۰.



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

